

A circular graphic at the top of the page features a network diagram with glowing blue nodes and connecting lines, set against a dark teal background. Two thin yellow curved lines sweep across the scene from the top left towards the right.

نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی

تحلیل شبکه نشر رمان در ایران

دکتر نسرين اشرفی
دکتر محمد رضا هاشمی

A large, abstract yellow shape occupies the bottom portion of the cover, with thin white lines intersecting it.





وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور فرهنگی
دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی

«نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی»
تحلیل شبکه نشر رمان در ایران

دکتر نسرين اشرفی
دکتر محمدرضا هاشمی

زیر نظر:
ابراهیم حیدری

شهریور ۱۳۹۸

سرشناسه: اشرفی، نسرين، ۱۳۶۶-
 عنوان و نام پديدآور: نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبي: تحليل شبکه نشر رمان در ايران / نسرين اشرفی،
 محمدرضا هاشمی؛ زیر نظر ابراهيم حیدری؛ ویراستار مهدی حشمتی؛ به سفارش دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و
 کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
 مشخصات نشر: تهران: نشر مورخان، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۲۴ص.
 شابک: 4-15-6716-622-978:
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه .
 یادداشت: کتاب حاضر در اصل پایان‌نامه‌ی دکتری نسرين اشرفی است .
 موضوع: نشر و ناشران -- ايران -- تاریخ -- قرن ۱۴
 موضوع: Publishers and publishing -- Iran -- History -- 20th century --
 موضوع: نشر و ناشران -- ايران -- جنبه‌های جامعه‌شناختی
 موضوع: Publishers and publishing -- Iran -- Sociological aspects
 شناسه افزوده: هاشمی، سیدمحمدرضا، ۱۳۳۶ -
 شناسه افزوده: Hashemi, Seyed Mohammad Reza
 شناسه افزوده: حیدری، ابراهيم، ۱۳۵۷ -
 شناسه افزوده: ايران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 معاونت امور فرهنگی
 دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی



عنوان کتاب:	نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبي، تحليل شبکه نشر رمان در ايران
نویسنده:	دکتر نسرين اشرفی، دکتر محمدرضا هاشمی
زیرنظر:	ابراهيم حیدری
ویراستار:	مهدی حشمتی
ناشر:	مورخان
امور فنی و هنری:	حمید جوکار
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۸
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۶-۱۵-۴
به سفارش:	دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نشانی:	خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان فجر، نبش کیهان، ساختمان فجر، طبقه سوم، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تلفن:	۸۸۳۴۲۹۸۰
کتاب حاضر حاصل رساله دکتری خانم نسرين اشرفی که در سال ۱۳۹۷ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر محمد رضا هاشمی از آن دفاع شده است .	

فهرست

سخن آغازین.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
فصل اول: مبانی نظری تحقیق.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
تاریخچه تفکر نظام‌مند.....	۱۹
الگوهای تفکر نظام‌مند.....	۲۲
عناصر تفکر نظام‌مند.....	۲۵
رویکرد عاملیت و ساختار.....	۲۶
نظریات جامعه‌شناختی در مطالعات ترجمه.....	۳۲
نظریه تولید فرهنگی.....	۳۴
نظریه کنشگر-شبکه.....	۳۸
نظریه نظام‌های اجتماعی.....	۴۲
چارچوب نظری تحقیق.....	۴۷
فصل دوم نظام چندگانه ادبی ایران.....	۴۹
مقدمه.....	۵۱
نظریه نظام چندگانه در مطالعات ترجمه.....	۵۲
نشر رمان در ایران (۱۳۷۰-۱۳۸۹).....	۵۷

۶۲	«بحران» در نظام ادبی ایران
۷۱	فصل سوم: تحلیل شبکه‌های اجتماعی
۷۳	مقدمه
۷۴	تعریف شبکه
۷۵	تاریخچه شکل‌گیری تحلیل شبکه
۷۸	مبانی نظری تحلیل شبکه
۸۰	مفاهیم کلیدی در تحلیل شبکه
۸۷	مطالعات شبکه‌محور
۹۰	تحلیل شبکه در نرم افزار متن باز آر (R)
۹۱	فصل چهارم: شبکه‌های نشر رمان در ایران
۹۳	مقدمه
۹۳	شبکه‌های نشر رمان در ایران (۱۳۷۰-۱۳۸۹)
۹۶	دوره سازندگی (۱۳۷۰-۱۳۷۶)
۱۰۱	دوره اصلاحات (۱۳۷۷-۱۳۸۴)
۱۰۶	دوره اصولگرایی (۱۳۸۵-۱۳۸۹)
۱۱۲	متغیرهای شبکه نشر رمان
۱۱۷	تیپولوژی شبکه نشر رمان
۱۲۳	فصل پنجم: رویکرد تلفیقی به نشر رمان
۱۲۵	مقدمه
۱۲۵	تقابل عاملیت و ساختار در حوزه نشر ادبی
۱۲۷	تأثیر گفتمان سیاسی بر حوزه نشر رمان
۱۳۳	پویایی درون سیستمی در شبکه رمان
۱۳۷	فصل ششم: فرهنگ و ادبیات داستانی
۱۳۹	مقدمه
۱۳۹	آسیب شناسی فرهنگی نشر ادبیات داستانی
۱۴۷	الگوی نظری بازار نشر ادبیات داستانی
۱۴۸	سخن پایانی
۱۵۲	کتابنامه
۱۷۳	پیوست‌ها

- پیوست ۱ : کوتاه نوشت نام ناشران در گراف ها..... ۱۷۳
- پیوست ۲ : گراف‌های مرکزیت درجه ای ۱۸۵
- الف : گراف‌های شبکه نشر رمان تألیفی ۱۸۵
- ب: گراف‌های شبکه نشر رمان تألیفی ۱۹۵
- پیوست ۳ : گراف‌های خوشه‌بندی ۲۰۵
- الف : گراف‌های خوشه‌بندی شبکه نشر رمان تألیفی ۲۰۵
- ب : گراف‌های خوشه‌بندی شبکه نشر رمان‌های ترجمه شده ۲۱۵

نشر، از بنیادهای اصلی تمدن جدید، فعالیتی اجتماعی، فرهنگ آفرین و تمدن ساز و تاثیرگذار بر تغییر و تحول مسیر رویدادها، یا ایجاد مسیرهای تازه‌ای در روند آنهاست. نشر در عین حال که تاثیر می‌گذارد، از فرهنگ و تمدن هم تاثیر مستقیم می‌پذیرد. (آذرنگ، ۱۳۹۵)

سخن آغازین

پژوهش‌های کاربردی در دستگاہ‌های دولتی ابزاری برای بهبود وضع موجود هستند. این پژوهش‌ها ضمن ارائه تصویری از گذشته، با بررسی ضعف‌ها و کاستی‌ها افق‌های جدیدی را پیش رویمان می‌کشایند.

با این حال، روند طولانی انجام یک پژوهش از یک سو و هزینه بالا، پیچیدگی و فاصله‌ای که میان پژوهش‌های علمی و آکادمیک با مسائل و مشکلات اجرایی وجود دارد، معمولاً مانع تبدیل پژوهش‌ها به متن‌های سیاستی یا برنامه‌های تأثیرگذار در سازمان‌ها و دستگاہ‌های اجرایی می‌شود. تدوین گزارش‌های کارشناسی و راهبردی، راه میان‌ه‌ای است که هم‌زمان را کوتاه‌تر می‌کند و هم به آسانی به متن‌های سیاستی و برنامه‌های تبدیل می‌شود. گزارش کارشناسی و راهبردی اگرچه ادبیاتی نسبتاً غنی در کشورهای توسعه‌یافته دارد، اما در کشور ما سازمان‌ها آشنایی چندانی با آن ندارند و اقبال چندانی به این شکل از گزارش نشان نمی‌دهند.

با توجه به این کاستی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی در سه سال گذشته با استفاده از تجربه‌های ملی و جهانی، تدوین گزارش‌های کارشناسی و راهبردی در خصوص مسائل فرهنگی حوزه معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی را در دستور کار خود قرار داد.

این گزارش‌ها که توسط کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مطالعاتی تهیه می‌شود به بیانی ساده و روشن مسائل مورد مطالعه را توضیح می‌دهند و رویکردهای سازمان در حل مشکل و راهکارهای پیشنهادی برای حل یا برون رفت از مشکل را مورد موشکافی قرار می‌دهند یا راه حل‌های جدیدی پیشنهاد می‌دهند و نتایج حاصله در اختیار ذی‌نفعان، تصمیم‌گیران و مدیران ذی‌ربط قرار می‌گیرد تا نقش مؤثری در انتخاب بهترین و مؤثرترین راه‌ها باز کند.

آنچه ارائه می‌شود، یکی از گزارش‌هایی است که به عنوان پایه‌ای برای بحث و ارزیابی بیشتر تهیه شده است. این گزارش در کنار بررسی وضع فعلی به ارائه راهکارهایی برای حل مسائل می‌پردازد. بدیهی است با بحث و بررسی این متن و نقد پیشنهادها ارائه شده، می‌توان به توافق درباره راهکارهای درست دست یافت و آن را به متن‌های سیاستی و برنامه‌های تأثیرگذار در ساختارها تبدیل کرد. با این هدف، نسخه‌هایی از این گزارش در دسترس مدیران، دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان قرار می‌گیرد تا شروعی برای گفت و گویی سازنده در این حوزه باشد.

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی

پیشگفتار

در دنیای امروز، انسان‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که تفاوت‌ها، تغییرات، تقابلهای و در عین حال ارتباطات فرهنگی بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌خورد. از این رو به نظر می‌رسد با توجه به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آثار ادبی اعم از ترجمه و تالیف در شکل‌دهی به هویت ملی هر ملت و نیز نقش فراملی ادبیات در معرفی شخصیت فرهنگی مردمان یک کشور، تدوین و طراحی چارچوبی بومی برای شناخت هرچه بیشتر و عمیق‌تر از ظرفیت و توانمندی کالاهای فرهنگی ملی در آشناسازی آحاد مردم با سرمایه‌های فرهنگی خویش از یک سو و ترسیم تصویری فرهنگی از خود در دیدگاه جهانیان از سوی دیگر، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

بر این اساس، کتاب حاضر که اصالتاً رهاورد شناسایی و توجه به ضرورت فوق در قالب انجام پژوهشی دانشگاهی است می‌کوشد تصویری کلی از وضعیت بازار نشر رمان و میزان تأثیرپذیری کمی و کیفی آن از تغییرات سیاسی و ایدئولوژیک جامعه ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹ به‌دست دهد. بدین منظور، ارتباط میان مهم‌ترین عوامل دخیل در دو حوزه ترجمه و تالیف با اتخاذ رویکردی جامعه‌شناختی و با در نظر گرفتن مواردی چون تأثیرات رویکردهای سیاسی-اجتماعی بر بازار نشر

رمان، و ارتباط میان ناشران، نویسندگان و مترجمان در شکل دهی به بازار نشر طی بازه زمانی مزبور مورد بررسی قرار گرفته است. نکته مهم در انتخاب این بازه زمانی، وجود سه گفتمان سیاسی-اجتماعی متفاوت و دو نقطه عطف از حیث تغییرات ایدئولوژیک در تاریخ معاصر فرهنگی-اجتماعی کشور بوده است. همچنین برای بررسی دقیق‌تر و البته علمی‌تر بازار نشر کشور، برای نخستین بار از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی استفاده شده است تا بتوان پیچیدگی روابط و عوامل دخیل در بازه زمانی مزبور را با دقت بیش‌تری بررسی کرد.

چنانکه پیش‌تر عنوان گردید، کتاب حاضر می‌کوشد با انجام پژوهشی تجربی و بومی به آسیب‌شناسی وضعیت فرهنگی کشور در حوزه نشر ادبی و به کارگیری نظریات جامعه‌شناختی در تبیین بازار نشر ادبیات داستانی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مربوط پردازد و به سوالاتی نظیر میزان تاثیرپذیری نظام چندگانه ادبی ایران از ساختار سیاسی-فرهنگی کشور، چیستی و چگونگی تغییرات در ارتباطات شبکه‌ای میان عوامل اصلی نشر رمان در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ شمسی، و ماهیت ارتباط میان جایگاه مرکزی/حاشیه‌ای خرده‌نظام تألیف و خرده‌نظام ترجمه در نظام چندگانه ادبی کشور در بازه زمانی مزبور پاسخ دهد.

امید است نتایج پژوهش حاضر بتواند سهمی در سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی ایران به ویژه در حوزه نشر ادبیات داستانی ایفا نماید.

مقدمه

بررسی پیشینه تحقیقات انجام شده در زمینه وضعیت چاپ و نشر ادبیات داستانی در ایران نشان می‌دهد پژوهش حاضر از نخستین پژوهش‌های دانشگاهی در مطالعه نظام چندگانه ادبی کشور از منظر تحلیل شبکه‌های اجتماعی است که از مباحث روزآمد مطالعات جامعه‌شناختی و بینارشته‌ای در سطح بین‌الملل به‌شمار می‌رود. استفاده از نظریات جامعه‌شناسی ادبیات و به‌کارگیری رویکرد تلفیقی عاملیت-ساختار، تعمیم‌پذیری و عمق تحلیل را افزایش می‌دهد و به همین دلیل نیز چارچوب نظری پژوهش حاضر درباره بازار نشر ادبی به صورت تلفیقی و با بهره‌گیری از الگوهای نظری پیش‌گفته طراحی گردیده است.

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، محدوده موضوعی آن منحصر به بررسی گونه ادبی رمان و داستان بلند در فاصله سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۹ است. علت انتخاب این بازه زمانی اهمیت تاریخی این دوره در تاریخ معاصر کشور است، چه آنکه در این مدت پنج دولت با رویکردهای فرهنگی و گفتمانی کاملاً متفاوت و متمایز زمام امور اجرایی را در جمهوری اسلامی ایران بر عهده گرفته‌اند و مبانی اندیشگانی آن‌ها و سیاست‌های فرهنگی منبعث از آن تأثیرات محسوسی بر نظام نشر ادبی کشور بر جای نهاده است.

با توجه به پیچیدگی این پژوهش و دشواری روش شناختی آن، به منظور نیل به نتایج دقیق و سنجش پذیر، روش تحقیق آمیخته برای گردآوری داده‌ها در نظر گرفته شد. بر این اساس، ابتدا داده‌های آماری نشر رمان و داستان بلند در حوزه تألیف و ترجمه در ایران با استفاده از اطلاعات موجود در سایت کتابخانه ملی و خانه کتاب استخراج و به صورت مجموعه‌ای منسجم و نظام‌مند گردآوری شد. سپس با استفاده از نرم افزارهای قدرتمند تخصصی تحلیل شبکه‌های اجتماعی، در فرایندی بسیار پیچیده و دقیق، ارتباطات بین انواع کنشگران دخیل در بازار تولید و نشر ادبیات داستانی ایران مطالعه و تحلیل گردید. پس از دستیابی به روابط شبکه‌ای عاملان، برای تحلیل هر چه بهتر و رسیدن به تصویری جامع‌تر پیرامون نحوه ارتباطات متقابل میان عاملان مذکور، هشت مصاحبه با کنشگران ذی‌ربط انجام گرفت. مصاحبه شونده‌گان شامل پنج ناشر، دو تن از مسئولان اداره کتاب و وزارت ارشاد و یک محقق حوزه نشر بودند. تمامی مصاحبه‌ها به صورت حضوری، نیمه ساختار یافته و عمیق انجام و نتایج حاصل از آن در دو سطح بیناسیستمی و درون‌سیستمی بررسی گردید. در سطح اول نقش عوامل بیرونی (مانند تغییرات سیاسی) در شکل دهی به روابط عاملان بازار نشر و در سطح دوم نوع تعامل عوامل بازار نشر در شکل دهی به ساختار موجود مورد بررسی قرار گرفت. در پایان نیز با توجه به نتایج به دست آمده، برای نخستین بار مدلی نظری درباره ارتباط بین عاملان گوناگون نظام نشر ادبی ارائه گردید.

آسیب شناسی نظام نشر ادبیات داستانی و رمان در ایران نشان می‌دهد افزون بر نقش پررنگ گفتمان سیاسی غالب در هر بازه زمانی بر بازار نشر ادبی و ارتباط میان عاملان اصلی آن، نوعی عدم تناسب میان میزان ادبیات وارداتی و تألیفی در کشور برقرار است که می‌تواند ناشی از ناکارآمدی در عرصه فرهنگی باشد و همین امر تا حدودی مانع از ارتقای جایگاه ادبیات تألیفی کشور شده است. در کتاب حاضر بارها از واژه «بحران» استفاده شده است که جدا از بار معنایی خاص

جامعه‌شناختی، بیانگر وضعیتی است که در آن نظام نشر ادبی با چالشی اساسی یعنی «عدم رشد و بروز خلاقیت در عرصه ادبی» مواجه است. کتاب حاضر در سه بخش کلی تدوین گردیده است. بخش نخست که فصل‌های اول تا سوم را در بر می‌گیرد، به تبیین مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش حاضر اختصاص دارد. در فصول چهارم و پنجم که دومین بخش کتاب را تشکیل می‌دهد، یافته‌های حاصل از بررسی وضعیت بازار نشر ادبیات داستانی در ایران ارایه گردیده است، و در بخش سوم که آخرین فصل کتاب را در بر دارد، نخست مدلی نظری برای بررسی نقش عوامل تأثیر گذار ارائه و سپس نتایج کلی تحقیق مطرح می‌شود.

بر اساس آنچه عنوان گردید، افزون بر ارایه روشی بدیع و تازه برای تحلیل نظام‌مند وضعیت نشر در ایران، تبیین ارتباطات شبکه‌ای ناشران، نویسندگان و مترجمان طی بازه زمانی بیست ساله در کتاب حاضر، اطلاعات ارزشمند و وسعت دید بیش‌تری از بازار نشر رمان در اختیار دست‌اندرکاران این حوزه قرار می‌دهد و نوع گردآوری داده‌ها به تفکیک متغیرهای گوناگون مانند جنسیت، تنوع زبانی و ژانر آثار، می‌تواند منبع اطلاعاتی مناسبی برای انجام پژوهش‌های مرتبط بعدی باشد. لازم به ذکر است هدف این پژوهش دانشگاهی صرفاً انجام پژوهشی نظری و آکادمیک نبوده است چه آنکه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه تأثیر گذاری اجتماعی از طریق شناخت مشکلات جامعه و تلاش برای رفع آن‌هاست. از این روی، این تحقیق با استفاده از گرت تخصصی توسط معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد و نیز معاونت فرهنگی وقت وزارت ارشاد برای واکاوی وضعیت نشر آثار ادبی به مثابه یکی از موضوعات مورد نظر وزارت فرهنگ و ارشاد، صورت گرفت. لذا بر خود لازم می‌دانیم از مساعدت حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد و نیز اعتماد جناب آقای دکتر صالحی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی که با حسن نظر، اعتماد و حمایت‌های خود زمینه‌ساز انجام این پژوهش

بینارشته‌ای و بیناسازمانی شدند، نهایت سپاس و قدردانی را داشته باشیم. همچنین بر خود لازم می‌دانیم از جناب آقای دکتر حمید عبداللهیان، استاد محترم گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به خاطر راهنمایی تخصصی ایشان در زمینه استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی تحلیل شبکه تشکر و قدردانی نمایم. در همین ارتباط از سرکار خانم مهسا صادقی نژاد نیز به سبب زحماتی که در آموزش نرم‌افزار تخصصی تحلیل شبکه عهده دار شدند، قدردانی می‌کنیم. همچنین از مسئولان محترم دفتر مطالعات برنامه ریزی فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به‌ویژه آقایان حیدری و جمشیدیان قدردانی می‌کنیم.

امید است این اثر که حاصل بهره‌گیری از اندیشه اساتید محترم دانشگاه فردوسی مشهد به‌ویژه آقایان دکتر علی خزاعی فرید و دکتر حسین اکبری است، مورد توجه علاقه‌مندان و پژوهشگران حوزه چاپ و نشر ادبیات داستانی در ایران و پژوهشگران مطالعات ترجمه قرار گیرد و نتایج آن بتواند به بهبود وضعیت حاکم بر نظام ادبی ایران کمک نماید.

نسرین اشرفی

محمدرضاهاشمی

تابستان ۱۳۹۸

فصل اول
مبانی نظری تحقیق

مقدمه

یکی از تحولات عظیم در جریان توسعه و تحول اندیشه‌ها، توجه به رویکرد کل‌نگر و اجتناب از رویکرد تقلیل‌گرایانه در علوم است. زمانی که نگرش‌های اتمیستی، جزء‌نگر و مکانیکی از تحلیل پدیده‌های پیچیده جوامع انسانی بازماندند، روش‌های نوین علمی، از جمله کل‌گرایی یا نگرش نظام‌مند (سیستمی) به پدیده‌ها رواج پیدا کردند. در بسیاری از متون، کل‌نگری مترادف با ساختارگرایی به‌شمار می‌آید اما آنتونی گیدنز با طرح «نظریه ساختندی»، مدلی پویا از رابطه عاملیت-سیستم (دوسویگی ساخت) ارائه می‌دهد که بر مبنای استقلال و محرک بودن انسان از یک سو و سامان‌دهی نهادها در تعامل اجتماعی از سوی دیگر استوار است. در این بخش ابتدا تاریخچه تفکر نظام‌مند را مرور خواهیم کرد و سپس خلاصه‌ای از ظهور و گسترش مسائل جامعه‌شناختی در حوزه مطالعات ترجمه را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

تاریخچه تفکر نظام‌مند

تفکر نظام‌مند^۱ دیرینه‌ای به بلندای تاریخ بشریت دارد. ارسطو، افلاطون، ابن

1. Systemic thinking

خلدون، مولانا، هگل، از جمله شخصیت‌هایی هستند که به مفهوم نظام توجه داشته‌اند. در اواخر قرن نوزدهم و در پی تحولات مختلف در فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی، بشر به قلمرو ناشناخته‌ی اسرار برخی از پدیده‌های جهان وارد شد. کلیت، نظام و پویایی در پدیده‌های جهان مادی از دستاوردهای این اکتشافات بود که بر اساس آن‌ها به جای تشریح یک کل براساس اجزای تشکیل دهنده آن، زمینه برای کل‌نگری و مطالعه‌ی نحوه کارکرد اجزا در کل، فراهم شد. در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی احساس نیاز به ترکیب دو یا چند شاخه از علوم بشری برای بررسی و حل مسائل پیچیده منجر به پیدایش علوم بینارشته‌ای و تحقیقات نظام‌مند (سیستمی) شد. نگرش نظام‌مند به مسائل و پدیده‌ها و نیز نظریه عمومی نظام‌ها را می‌توان نتیجه این تحولات دانست.

تفکر نظام‌مند، برخلاف برخی از جنبش‌های فکری که در یک رشته علمی و در محدوده معینی نشو و نمو کرده‌اند، در خارج از محدوده یک علم معین متولد شد و در محیطی میان‌رشته‌ای رشد کرد. از آنجا که این شیوه تفکر، به طور کلی با مجموعه‌هایی متشکل از اجزا سروکار دارد، نه با خود اجزا، به‌ناچار از مرزهای سنتی علوم خاص فراتر رفته و عمومیت یافته است. البته تفکر نظام‌مند در تضاد با تفکر تحلیلی، اتمیستی و تجزیه‌محور نیست. در واقع این دو روش مکمل یکدیگرند، نه جایگزین هم. از این رهگذر گروهی از صاحب‌نظران ادعا می‌کنند که پیدایش نظریه عمومی سیستم‌ها محصول طی مراحل چندگانه تکامل انسان متمدن به شرح زیر است (صادقی، ۱۳۸۵):

الف) دوران منطق ارسطویی: منطق ارسطویی در واقع ترکیب کاملی از منطق سقراط و افلاطون است که کتاب جمهوری افلاطون و همین‌طور استدلال قیاسی ارسطو، نمونه خوبی برای تفکر نظام‌مند ارائه می‌کنند.

ب) دوران منطق تجربی: منطق تجربی به معنای دقیق آن با کار فرانسیس بیکن در اوایل قرن شانزدهم و با تکیه بر روش علمی مبتنی بر مشاهده، تجربه و استقرار آغاز

شد و با افرادی چون دکارت، هگل، کانت، اگوست کنت، میل و اسپنسر ادامه یافت و منجر به پیدایش تفکر نظام‌مند شد.

ج) دوران منطق نظام‌مند: مطالعات میان‌رشته‌ای هنگامی آغاز شد که دانشمندان دریافتند بیشتر پدیده‌های مورد نظر آنان از ویژگی‌های مشترک و نظام‌مند برخوردار است و پیچیدگی روزافزون مسائل جهان و طرح مسائل جدید از یک طرف و عدم کفایت مدل‌های مکانیکی و تفرقه در بیکر معرفت از جمله عواملی بود که باعث به وجود آمدن نظریه نظام‌ها شد.

«لودویگ فون برتالانفی» زیست‌شناس و متفکر اتریشی از بنیان‌گذاران نظریه عمومی نظام‌ها^۱ در اوایل قرن بیستم محسوب می‌شود که در طی سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۳۲ میلادی نظریه خود را ارائه کرد و درگسترش آن به سایر عرصه‌ها گام‌های بلندی برداشت. به عقیده وی یک ارگانیسم صرفاً مجموعه‌ای از عناصر جداگانه نیست، بلکه نظامی است برخوردار از نظم و کلیت. بدین ترتیب برتالانفی و همفکران وی از جمله بولدینگ، راپوپورت و آکوف در طی حدود نیم قرن در ارائه و تطور این مکتب در زیست‌شناسی و علوم دیگر نقش مهمی ایفا کردند. شایان ذکر است برتالانفی ریشه‌های رویکرد نظام‌مند را در بستر تاریخی به زمان ابن خلدون و نیکولاس کوسایی و در قرون جدید به تفکرات لایب‌نیتز در قرن ۱۷ نسبت می‌دهد؛ نام افرادی چون هگل، لوتکا و وایتهد فیلسوف انگلیسی نیز در تطور این تفکر و رویکرد به چشم می‌خورد (صادقی، ۱۳۸۵). ادبیات موجود در این زمینه نشان می‌دهد که پس از وایتهد و به پیروی از او، «جی فورستر» نیاز به کاربرد تفکر سیستمی در جامعه و علوم اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد. البته عده‌ای دیگر جستجو برای یافتن سرچشمه نگرش نظام‌مند را به جان دیویی نسبت می‌دهند. در هر صورت، نگاه وحدت‌بخش و جامع‌نگر به عالم و پدیده‌های آن مبنای جهان‌بینی و رویکرد نظام‌مند است.

نظریه نظام‌ها نظریه‌ای میان‌رشته‌ای و کل‌نگر است که می‌توان از آن در بررسی پدیده‌ها در هر نظام طبیعی، اجتماعی، علمی استفاده کرد (کاپرا، ۱۹۹۷). تفکر نظام‌مند از نگاه جزئی‌نگر به یک کل اجتناب می‌کند (چیکند، ۱۹۹۷؛ وین برگ ۲۰۰۱؛ جکسون، ۲۰۰۳) و لذا تغییری بنیادی از تفکر تقلیل‌گرایانه به تفکر سازوار و کلی‌نگر است. از این نظریه در بررسی تحولات مختلف پس از جنگ جهانی دوم استفاده شده است. مباحث سایبرنتیک، نظریه اطلاعات، نظریه بازی و تصمیم‌سازی، نظریه ماشین‌ها، مهندسی نظام و تحقیقات عملیاتی همگی به نحوی ریشه در این نظریه دارند.

رویکرد نظام‌مند بر این مبنا استوار است که نمی‌توان پدیده را تنها با تجزیه آن به اجزاء تشکیل دهنده و سپس ترکیب آن‌ها، به‌طور کامل درک کرد. اساس این رویکرد تأکید بر عملکرد کل نظام به جای تحلیل اجزای سازنده آن است. البته می‌توان تجزیه و تحلیل را از اجزا آغاز کرد اما نکته مهم کل‌نگری و تمرکز بر عملکرد کل است. برای درک پدیده در کلیت خود باید آن را از سطح بالاتر و با رویکرد کل‌نگر و به مثابه یک «سازواره» مشاهده کرد (برتالانفی، ۱۹۶۸). اساساً، تفکر نظام‌مند، راهی است برای کمک به فرد برای مشاهده کل از منظر بالاتر، که شامل مشاهده ساختارها، الگوها و فرآیندهای کلی به جای توجه صرف به رویدادهای خاص در نظام است. این دید گسترده می‌تواند به شناسایی علل واقعی بروز مشکلات در سازمان‌ها و ارائه راهکارهای مقابله با آن‌ها کمک کند.

الگوهای تفکر نظام‌مند

استال (۲۰۰۹) سه الگوی پارادایم مهم در تاریخ تفکر نظام‌مند را مطرح کرده است. الگوی نخست به نظام‌هایی اشاره دارد که توسط قوانین نظم و ثبات عام کنترل می‌شوند. هدف تحقیق در این پارادایم توضیح و تعریف قوانین و اصول و پیش‌بینی وقایع بر اساس آن‌هاست. بر این اساس، نظام‌ها به صورت مکانیکی و مطابق با قوانین پیش‌بینی شده، عمل می‌کنند. پایه و اساس این الگو نظریه فیزیک

کلاسیک (نیوتونی) است که مبنای پارادایم علوم در غرب بوده است. پارادایم دوم مبتنی بر نظریه عمومی نظام‌ها است که برتالانفی (۱۹۵۰، ۱۹۵۶) آن را ارائه داد. برتالانفی (۱۹۵۶) نظام را مجموعه‌ای از «عناصر متعامل» تعریف می‌کند. با توجه به این نظریه، نظام‌ها ماشین‌های مکانیکی و ایستا به‌شمار نمی‌آیند، بلکه به‌طور مداوم دینامیک، پویا و در حال رشد هستند. بر این اساس نظام‌ها، ارگانیسم‌هایی باز هستند که با محیط و تغییرات آن در ارتباط‌اند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. این پارادایم بر تعامل سیستم با محیط و مسیرهای باز توسعه تأکید می‌کند. نظام‌های باز در حالت ثابت از طریق تغییر، کنترل می‌شوند، اما در تمام طول زمان تلاش برای تعادل جدید و عدم تعادل دائمی به تجزیه نظام منجر می‌شود. چرخه بازخورد ورودی-خروجی موجب تنظیم، حفظ و تعادل نظام می‌شود. پارادایم سوم بر پویایی مستقل و درونی سیستم‌ها تمرکز دارد. در این الگو، نظام به مثابه موجودی بسیار پیچیده و در حالت عدم تعین، عدم تعادل و آشوب ذاتی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پارادایم بر سه ویژگی تأکید دارد: الف) ظرفیت نظام برای خودساماندهی و نوسازی؛ ب) بریدگی نظام‌ها از یکدیگر و عدم قطعیت؛ و ج) بومی نبودن نظام. ویژگی اساسی پارادایم سوم در خودبازسازی نظام، خودسازگاری و ظرفیت آن برای تغییرات بنیادی است. سه الگوی پارادایم مهم در تاریخ تفکر نظام‌مند از منظر استال (۲۰۰۹) به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱- پارادایم‌های تفکر نظام‌مند

پارادایم	متفکران	ویژگی‌ها	حوزه تحقیقاتی	هدف
نظام‌های بسته	نیوتن	ایستا، قطعی، مکانیکی	اصول، قواعد، قوانین	پیش‌بینی، کنترل
نظام‌های باز	برتالانفی	متعادل، نزدیک به تعادل، زنده	فرآیندهای بازخوردی، تغییرات، انطباق	کنترل، بقا، رشد
نظام‌های پویا	لورنز، پریگتین، ماچورانانا	عدم تعادل، دور از تعادل، پیچیدگی، آشوب	خودساماندهی، خودبازسازی، پویایی درونی	درک و پویایی درون‌سیستمی، تغییرات بنیادی، خلاقیت

سه پارادایم فوق را می‌توان مکمل یکدیگر به‌شمار آورد؛ هیچ کدام درست یا غلط نیست. این پارادایم‌ها دالّ بر وجود نظام‌های مختلف با ویژگی‌های متفاوت هستند. به‌طور کلی اشاره به «تفکر نظام‌مند» یا «نظریه نظام‌ها» بی‌معناست مگر اینکه جنبه خاصی از نظام مورد نظر باشد. از نظر عملی، درک پارادایم‌های سه‌گانه نظام‌مندی، اطلاعات سودمندی را در مورد چگونگی مدیریت سازمان‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد. این پارادایم‌ها باورهای جامع و مدل‌های ذهنی‌ای را توصیف می‌کنند که در طراحی و پیاده‌سازی فرایندهای تغییر و مدیریت و رهبری سازمان‌ها استفاده می‌شوند. می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر پروژه‌ای در پارادایم اول (مکانیکی) باشد رویکرد و نتایج حاصل از آن در مقایسه با وضعیت همان پروژه در پارادایم سوم (پویایی) چه تفاوت‌هایی خواهد داشت. آگاهی از این تفاوت‌ها می‌تواند در رویارویی موثر با تعارض‌های ناخواسته یا کمک به انتخاب رویکرد متناسب با وضعیت، موثر باشد.

عناصر تفکر نظام‌مند

شناخت عناصر تفکر نظام‌مند مقدم بر تبیین آن است. ایکاف (۲۰۰۴) ضمن اعتراف به دشواری پاسخ به این سوال بر این باور است که «تفکر نظام‌مند، رویکردی کل‌نگر و درست نقطه مقابل تفکر تقلیل‌گرا^۱ است، یعنی نگاه ترکیبی^۲ در مقابل نگاه تحلیلی»^۳ (ص ۴). دشواری توصیف تفکر نظام‌مند ناشی از عوامل متعدد دخیل در این تفکر است. اولین و مهم‌ترین عامل در این رویکرد، مفهوم کل‌نگری و نگاه ترکیبی است. در رویکرد تحلیلی، سیستم بر اساس تجزیه و تقلیل به اجزای تشکیل دهنده خود توصیف می‌شود ولی در تفکر ترکیبی، سیستم در بافت بزرگتری که در آن قرار داد توصیف می‌شود. به بیانی دیگر، رویکرد تحلیلی به توضیح چستی و چگونگی تأثیر اجزا بر رفتار کلی نظام می‌پردازد در حالی که نگاه ترکیبی به چرایی عملکرد این اجزا توجه دارد.

آتواتر و همکاران (۲۰۰۸) از سه رویکرد نظام‌مند یاد می‌کنند:

۱- رویکرد ترکیبی^۴: مطالعه نقش و هدف نظام و اجزای آن برای فهم چرایی رفتار آنها؛

۲- رویکرد پویا^۵: مطالعه چگونگی رفتار نظام و اجزای آن در طول زمان؛

۳- رویکرد چرخه‌بسته^۶: مطالعه عملکرد و تعامل اجزای نظام با یکدیگر و با عوامل خارجی؛

در شیوه تفکر نظام‌مند، حرکت جای سکون، پایداری و ثبات را می‌گیرد و مفهوم «انعطاف پذیر» جانشین مفاهیم «سخت» و «تغییر ناپذیر» می‌شود. پویایی و دینامیسم نظام‌ها ایجاب می‌کند که نگرش ایستا و استاتیک کنار گذاشته شود و با

1. Reduotionist thinking
2. Synthetic
3. Analytic
4. Synthetic Thinking
5. Dynamic thinking
6. Closed-loop thinking

در نظر گرفتن عامل زمان در بررسی پدیده‌ها، دو مفهوم «روابط متقابل عوامل» و «حرکت و تحول دایمی کل نظام» و عوامل تشکیل دهنده آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرند.

رویکرد عاملیت و ساختار

رویکرد عاملیت و ساختار جایگزین اروپایی برای رویکرد خُرد-کلان در سنت جامعه‌شناختی امریکایی است. اگر چه عاملیت به‌طور کلی به فردیت انسانی در سطح خُرد اشاره دارد، ولی می‌تواند بر کنش جمعی هم دلالت کند. ساختار معمولاً به ساختارهای اجتماعی در مقیاس بزرگ اشاره دارد، اما می‌تواند به ساختارهای خُرد نیز اشاره کند، مانند ساختارهایی که در تعامل انسان‌ها نقش دارند. یکی از تفاوت‌های کلیدی بین رویکرد خُرد-کلان و نظریه عاملیت-ساختار، نحوه نگرش به کنشگر است. رویکرد خُرد-کلان جهت‌گیری رفتارگرایانه دارد، در حالی که نظریه عاملیت و ساختار بر اقدام آگاهانه و خلاقانه تأکید دارد. یکی دیگر از تفاوت‌های عمده این است که در رویکرد خُرد-کلان مسائل در قالبی ایستا، سلسله‌مراتبی و جدا از زمینه تاریخی، بررسی می‌شوند در حالی که در نظریه عاملیت و ساختار از چارچوبی پویا و تاریخی برای تبیین مسائل استفاده می‌شود (ریتزر، ۲۰۰۴). پرداختن به ارتباط بین عاملیت و ساختار موضوع بسیاری از مطالعات جامعه‌شناختی است. داو (۱۹۷۸) بر این نکته تأکید دارد که «عاملیت انسان، در شمار موضوعات محوری در کل تاریخ تحلیل جامعه‌شناختی است» (ص ۳۷۹). آرچر (۱۹۹۸: XI) نیز بر این باور است که «مسئله ساختار و عاملیت به درستی موضوع اصلی در نظریه اجتماعی مدرن» به‌شمار می‌آید.

تلفیق عاملیت و ساختار در نظرات و اندیشه‌های چهار نظریه‌پرداز طرح شده است. بوردیو (۱۹۷۷) در نظریه «عمل»، هابرماس (۱۹۸۷) در نظریه

«زیست‌بوم»^۱، آرچر (۱۹۸۸) در تبیین مفهوم «تکوین شکل»^۲ و گیدنز (۱۹۸۴) در نظریه «ساختمندی»^۳ خود به گونه‌های مختلف در خصوص ارتباط میان عاملیت و ساختار سخن گفته‌اند.

پیوند عاملیت و ساختار در نظریه بوردیو در بحث از «دیالکتیک میدان و عادتواره»^۴ نمود یافته که برای غلبه بر «ضدیت بی‌معنای فرد و جامعه» یا همان عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی شکل گرفته است (بوردیو، ۱۹۹۰، ص ۳۱). عادتواره، نوعی ساختار ذهنی یا شناخت درونی شده (ملکه ذهنی) است که انسان‌ها از طریق آن با محیط و اجتماع برخورد می‌کنند. عادتواره «آفریننده و آفریده»^۵ جامعه و میدان عبارت است از شبکه شکل‌یافته موقعیت‌هایی که افراد در آن قرار می‌گیرند؛ ساختار شبکه، کنش‌کنشگران/عاملان را در درون شبکه مقید و محدود می‌کند (میرزایی و لطفی‌زاده، ۱۳۹۳). بوردیو در فراز زیر بر رابطه دوسویه و دیالکتیک ساختارهای عینی و پدیده‌های ذهنی تأکید می‌کند:

از یک طرف، ساختارهای عینی... مبنای بازنمودها می‌باشند و الزامات ساختاری را بر کنش‌های متقابل تحمیل می‌کنند؛ اما از سوی دیگر، این بازنمودها را نیز باید مد نظر داشت، مخصوصاً اگر کسی بخواهد کشمکش‌های روزمره فردی و جمعی را که در جهت تغییر یا حفظ این ساختارها عمل می‌کنند، بررسی نماید. (بوردیو، ۱۹۸۹، ص ۱۵)

هابرماس در بحث از ارتباط میان عاملیت و ساختار از «ترکیب‌انگاره‌ای»^۶ سخن به‌میان می‌آورد، بدین معنا که عاملیت و ساختار را از منظر تلفیق دو دسته نظرات بررسی می‌کند: نظرات برگرفته از نظریه کنش و آراء برگرفته از نظریه نظام‌ها

-
1. Life world
 2. Morphogenesis
 3. Structuration theory
 4. Dialectics of field and habitus
 5. Constructive & constructed
 6. Paradigm combination

(ریترز، ۲۰۰۴). از نظر هابرماس، «زیست‌بوم» جهانِ تُردی است که انسان‌ها در آن با یکدیگر ارتباط و کنش متقابل دارند. اگرچه نظام، ریشه در زیست‌بوم دارد اما در نهایت به ویژگی‌های ساختاری منحصر به فردی می‌رسد و به موازات افزایش قدرت و استقلال ساختارهای نظام، نظارت نظام بر زیست‌بوم افزایش می‌یابد و زیست‌بوم را در اختیار خود می‌گیرد و آن را کنترل می‌کند (میرزایی و لطفی زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱). به دلیل نحوه کنترل نظام بر زیست‌بوم در طی کنش متقابل انسان و محیط، هابرماس از تعبیر «استعمار زیست‌بوم» توسط نظام، سخن به میان می‌آورد.

آرچر (۱۹۸۸) با تمرکز بر پیوند میان عاملیت و فرهنگ، موضوع عاملیت و ساختار را به مسیر دیگری کشاند و به نوعی تمایز مفهومی میان فرهنگ و عاملیت قائل شد. نحوه مواجهه با ارتباط میان عاملیت و ساختار به «آزمون دشوار» نظریه اجتماعی عمومی و «مسئله اساسی» در نظریه آرچر تبدیل شده است. از نظر او، ساختار، قلمرو فعالیت و عمل پدیده‌ها و علایق مادی است در حالی که فرهنگ بیانگر پدیده‌ها و عقاید غیرمادی است. ساختار و فرهنگ نه تنها موجودیت جداگانه‌ای دارند بلکه نسبتاً خودمختار هم هستند (هیز، ۱۹۹۴). همان‌گونه که قبلاً ذکر شد نظریه آرچر بر مفهوم «تکوین شکل» استوار است که ریشه در نظریه نظام‌ها دارد و بیانگر فرآیندی است که طی آن تبدلات پیچیده نه تنها به تغییراتی در ساختار نظام، بلکه همچنین به محصول نهایی «بسط ساختاری» منتهی می‌شوند (میرزایی و لطفی زاده، ۱۳۹۳). آرچر از طرفی به مطالعه شیوه‌های تأثیر نظام فرهنگی بر کنش اجتماعی می‌پردازد و از طرف دیگر به شیوه‌های واکنش و تأثیرگذاری عاملان در برابر نظام فرهنگی توجه دارد.

گیدنز بیش از همه در ارتباط با عاملیت و ساختار سخن گفته است. او در نظریه ساختمان‌دنی، دوگانگی ساختار و عاملیت را کنار نهاده و بر مفهوم دوسویگی تأکید کرده است که در آن از یک‌سو عامل‌ها در ایجاد ساختار و از دیگر سو ساختار بر

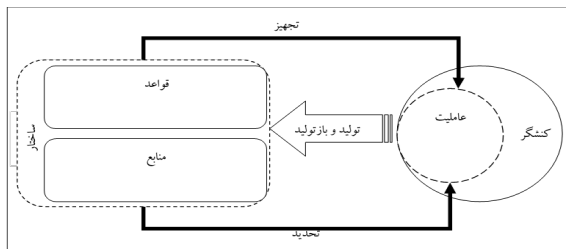
نحوه عمل عامل، تأثیر می‌گذارد. دیدگاه وی در میان نظریه پردازان علوم اجتماعی به منزله رویکردی ترکیبی معروف است زیرا بحث او بر آمیختگی ارتباط ساخت و عامل استوار است. به تعبیری دقیق‌تر، بنابر نظریه ساختمان‌دی گیدنز، قلمرو اصلی در علوم اجتماعی، نه تجربه کنشگر فردی است و نه وجود هر نوع جامعیت اجتماعی، بلکه عملکردهایی است که در راستای زمان و مکان به نظم در می‌آیند (گیدنز، ۱۹۸۴، ص ۲). با توجه به اینکه رویکرد تلفیقی گیدنز یکی از مبانی نظری پژوهش حاضر است در ادامه بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

هسته اصلی نظریه گیدنز عبارت است از تبیین رابطه بین عاملیت و ساختار در کنش‌های اجتماعی (ریترز، ۲۰۰۴)، یا «توضیح دوسویگی و تعامل عاملیت و ساختار» (برنشتاین، ۱۹۸۹، ص ۲۳). از نظر گیدنز، دو سویگی بدان معناست که تمام اقدامات اجتماعی در برگیرنده ساختار و تمام ساختارها در برگیرنده کنش اجتماعی است. گیدنز از در نظر گرفتن ساختار به‌عنوان صرفاً پدیده‌ای الزام‌آور، آن گونه که دورکیم می‌پنداشت، پرهیز می‌کند و به جای آن، ساختار را هم الزام‌آور و محدود کننده و هم توانایی بخش می‌داند (میرزایی و لطفی زاده، ۱۳۹۳). از نظر گیدنز (۱۹۸۴)، ساختار خارج از کنش اجتماعی نیست، بلکه تنها در نتیجه اقدام اجتماعی شکل می‌گیرد و واقعیت ساختاری چیزی نیست جز الگوهای تکراری کنش اجتماعی. اما ساختار بندی اجازه می‌دهد تا انعطاف پذیری، خلاقیت و تغییر در عمل فردی و گروهی هم به‌وجود آید. در سطح نهادی یا اجتماعی، رویکرد ساختار بندی راهی برای توضیح تغییرات اجتماعی (از طریق جنبش‌های اجتماعی و واکنش جمعی افراد) را نیز فراهم می‌کند.

از نظر گیدنز (۱۹۸۴)، عاملیت و ساختار، دو جنبه از یک پدیده واحد است. افراد در اقدامات روزمره خود هم ساختارهای محدود کننده و هم ساختارهای اجتماعی تقویت کننده را که وسیله و برآیند تولید و بازتولید اجتماعی هستند، تولید و بازتولید می‌کنند. در واقع، «تمام اقدامات انسانی توسط عواملان آگاه انجام

می‌شود که هر دو (هم عاملان انسانی و هم کنش‌های آنان) در دنیای اجتماعی شکل می‌گیرند، اما کنش افراد توسط محیط پیرامون محدود می‌شود» (گیدنز، ۱۹۸۱، ص ۵۴). ایده‌های اصلی نظریه ساختمندی در شکل ۱ (برگرفته از اکبری، ۱۳۹۲) نشان داده شده است.

شکل ۱- رابطه عاملیت و ساختار در نظریه ساختمندی



آدامز و سی دی (۲۰۰۱، ص ۴۸-۴۹) نظریه ساختمندی گیدنز را با اشاره به سه عنصر اصلی آن توضیح می‌دهند: ۱) عاملیت انسانی^۱ که عبارت است از بازیگر اجتماعی منطقی و تصمیم‌گیر؛ ۲) بازاندیشی^۲ که عبارت است از خود آگاهی فردی و توانایی برای نظارت بر جریان مداوم زندگی اجتماعی و تصمیم‌گیری برای اقدام مناسب در طی یک رخداد؛ و ۳) ساختار^۳ که عبارت است از الگوی حاکم بر فضای اجتماعی که بر افراد تاثیر می‌گذارد و شامل قوانین، منابع و سازمان می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که موضوع مورد بحث گیدنز، فرآیندی دیالکتیکی است که عملکرد، ساختار و آگاهی در جریان آن پدید می‌آیند. بدین سان او عاملیت و ساختار را به شیوه‌ای تاریخی، فرآیندی و پویا مورد بررسی قرار می‌دهد (میرزایی و لطفی زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۷۷).

گیدنز در نظریه ساختمندی از مفاهیم مرتبط «نظام‌ها» و «ساختارها» استفاده می‌کند. نظام‌ها عبارت‌اند از «الگوهای روابط در گروه بندی‌های مختلف از

1. Human Agency
2. Reflexivity
3. Structure

گروه‌های کوچک و صمیمی تا شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های بزرگ» (گیدنز، ۱۹۸۴، ص ۹۴)، در حالی که ساختارها عبارت‌اند از شیوه‌های خاص برخورد با بازیگران اجتماعی و قوانین و منابع. نظام‌ها شامل نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، و ساختارها شامل ساختارهای طبقه‌ای، موسسات آموزشی و غیره می‌باشند. به نظر می‌رسد در مدل گیدنز، نظام‌ها دینامیک‌تر از ساختارها هستند، برداشت اجتماعی متعارف از ساختار، به مفهوم سیستم اجتماعی گیدنز نزدیک‌تر است (تامپسون، ۱۹۸۹، ص ۶۰). تعریف گیدنز از نظام‌های اجتماعی عبارت است از «شیوه‌های اجتماعی بازتولید شده یا روابط بازتوزیع شده بین بازیگران یا گروه‌هایی که به عنوان شیوه‌های اجتماعی منظم سازماندهی شده‌اند» (گیدنز، ۱۹۸۴، ص ۲۵، ۱۷). همان‌گونه که ریتزر (۲۰۰۴، ص ۳۸۲) تأکید می‌کند، «نظام‌های اجتماعی ساختار ندارند، اما ویژگی‌های ساختاری دارند. خود ساختارها در زمان و مکان وجود ندارند، بلکه در شکلی از عملکردهای بازتولید شده در قالب نظام‌های اجتماعی متجلی می‌شوند. آن‌ها همچنین در «رديادهای' هدایت آگاهانه عوامل انسانی» نقش پررنگی دارند» (گیدنز، ۱۹۸۴، ص ۱۷). در نتیجه، قوانین و منابع در سطح کلان (نظام‌های اجتماعی) و سطح خرد (آگاهی بشری) نمود می‌یابند (ریتزر، ۲۰۰۴). به‌رغم انتقادهای شدید از نظریه ساختمان‌داری گیدنز (کرایب، ۱۹۹۲، متروویچ، ۱۹۹۸ و ریتزر، ۲۰۰۴)، کرایب (۱۹۹۲، ص ۱۹۶) بر این باور است که «در حال حاضر، نظریه ساختمان‌داری در مرکز نظریات جامعه‌شناختی قرار دارد. ایده‌های جامعه‌شناختی گیدنز در بحث‌های جامعه‌شناسی مطالعات ترجمه کاملاً بیگانه نیست، اگر چه در آغاز راه پیاده‌سازی آن‌ها در این حوزه هستیم. برای مثال، نظریه نظام‌های اجتماعی گیدنز (۱۹۸۴، ۱۹۸۷) در زمینه جهانی شدن و ترجمه اخبار (بست و بلیسا، ۲۰۰۹) به کار گرفته شده است. اما رویکرد تلفیقی عاملیت و ساختار از منظر گیدنز در این مطالعه برای نخستین بار در حوزه مطالعات نظام‌های چندگانه ادبی ارائه شده است.

نظریات جامعه‌شناختی در مطالعات ترجمه

در چند دهه گذشته، تمرکز مطالعاتی و پژوهشی در مطالعات ترجمه به‌طور چشم‌گیری از مطالعات صرفاً زبان‌شناختی به دیگر موضوعات مرتبط تغییر یافته است (چسترمن، ۲۰۰۶). در دهه ۱۹۹۰، محققان مطالعات ترجمه جریان‌ی را آغاز کردند که بعداً با عنوان «چرخش فرهنگی» شناخته شد و خیلی زود جایگزین تجزیه و تحلیل صرفاً زبان‌شناختی متون شد (به عنوان مثال، بسنت و لفور، ۱۹۹۶). نخستین مطالعات فرهنگی در مورد ترجمه، از رویکرد نظام‌های چندگانه که در اصل نظریه‌ای مبتنی بر فرهنگ و انتقال فرهنگی بود، بهره بسیار برد. (برای مرور برخی از دیدگاه‌های انتقادی در مورد این تقسیم‌بندی ر. ک. بیکر ۱۹۹۶؛ پیم ۱۹۹۹؛ تیماچکو ۲۰۰۲).

با این حال به نظر می‌رسد بسیاری از پژوهش‌های انجام شده تحت عنوان چرخش فرهنگی بیشتر به جامعه‌شناسی نزدیک باشد تا به مطالعات فرهنگی؛ مثلاً، دیدگاه آنتونی پیم در روش تحقیق تاریخ‌گرا در ترجمه (چسترمن، ۲۰۰۶) که جایگزینی فیزیکی افراد و متون در مرزهای فرهنگی، تأثیر ناشران و حامیان و نیز عوامل اقتصادی و شرایط متنی را مد نظر قرار می‌دهد. تیماچکو و گنتزler (۲۰۰۲) از «چرخش قدرت»^۱ برای اشاره به تحقیق در مورد جنبه‌های ایدئولوژیک ترجمه سخن می‌گویند که مسائلی مانند پسا استعمارگرایی، نقش جنسیت، دستکاری در هویت و درک ملیت‌ها و توهم شایع بی‌طرفی مترجم را نیز در برمی‌گیرد. در اینجا نیز موضوعات به همان اندازه که جامعه‌شناختی هستند در حوزه مطالعات فرهنگی نیز جای می‌گیرند (چسترمن، ۲۰۰۶). شاید به این دلیل باشد که بسیاری از محققان، از جمله چسترمن تمایل دارند از تعبیر ترکیبی «فرهنگی-اجتماعی» استفاده کنند.

چسترمن (۲۰۰۶) برای تعیین مرز بین جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی نمونه‌ای از

مدل پیازی^۱ (لایه‌ای) هافستد (۱۹۹۱) استفاده می‌کند که در آن «ارزش‌ها» جایگاه مرکزی یا هسته‌ای و «کنش‌ها» جایگاه پیرامونی دارند. کنش‌ها عبارت‌اند از مراسم، قهرمانان و نمادها. بنابراین هرچه از هسته فرهنگی فاصله می‌گیریم به قلمرو مسائل اجتماعی، رفتار و روابط اجتماعی، نهادها، تولید و توزیع و غیره نزدیک‌تر می‌شویم. نظام‌های فرهنگی از طریق کنش‌ها، و به‌ویژه کنش اجتماعی، تولید می‌شوند و برکنش آینده تأثیر می‌گذارند. به بیان ساده‌تر، نوعی چالش مداوم و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری یا علیت دوسویه بین کنش‌ها و ایده‌ها وجود دارد. جامعه‌شناسی بیشتر بر کنش‌ها تمرکز می‌کند و مطالعات فرهنگی بر ایده‌ها. با در نظر گرفتن این تمایز، بعضی از مفاهیم مطالعات ترجمه «مرزی» هستند مانند مفهوم «هنجار» که هم موضوعی جامعه‌شناختی است و هم فرهنگی.

چسترمن (۲۰۰۶، ص ۱۲) جنبه‌های جامعه‌شناختی مطالعات ترجمه را به سه زیرحوزه تقسیم می‌کند: ۱) جامعه‌شناسی ترجمه‌ها به مثابه فرآورده؛ ۲) جامعه‌شناسی مترجمان؛ ۳) جامعه‌شناسی ترجمه به مثابه فرآیند. به نظر او، مدل‌ها و رویکردهای نظری مورد استفاده در مطالعات جامعه‌شناختی ترجمه عبارتند از نظریه نظام‌های چندگانه (ایون-زهر، ۱۹۹۰؛ لفور، ۱۹۹۲)، نظریه‌های بوردیو (هرمانز، ۱۹۹۹؛ گوانویچ، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲؛ سیمیونی، ۱۹۹۸؛ هیلبورن، ۲۰۰۰)، لومان (هرمانز، ۱۹۹۹، ص ۱۳۷؛ پولترمن، ۱۹۹۲؛ ورمیر، ۲۰۰۶؛ تیولنو، ۲۰۱۲)؛ تاریخ‌نگاری ترجمه^۲ (دلیزرو و وودزورث، ۱۹۹۵؛ یم، ۱۹۹۸)؛ تحلیل گفتمان انتقادی^۳ (بریزت، ۱۹۹۰؛ فرکلاف، ۱۹۹۲) مدل‌های جامعه‌شناختی^۴ (لانگ، ۲۰۰۰؛ برتل، ۲۰۰۰؛ آسنسیو، ۲۰۰۰؛ می‌سون، ۲۰۰۰؛ پرنیر، ۱۹۷۸/۱۹۹۳؛ پیترز، ۱۹۹۹؛ همچنین نایدا، ۱۹۶۴)، نظریه هدفمندی^۵ (ریس و ورمیر، ۱۹۸۴؛ ورمیر، ۱۹۹۶؛ نورد، ۱۹۹۷؛ هولزماتری،

1. Onion model
2. Translation historiography
3. Critical discourse analysis
4. Sociolinguistic models
5. Skopos theory

۱۹۸۴؛ ریسکو، ۱۹۹۸؛ ریسکو و فریهاف، ۲۰۰۰؛ کنترل کیفیت، بازار ترجمه و برنامه‌ریزی زبان^۱ (اسپرانگ، ۲۰۰۰؛ چسترمن و واگنر، ۲۰۰۰؛ لمبرت، ۱۹۹۶)، نظریه کنشگر-شبکه^۲ (بوزلین، ۲۰۰۵).

اکثر نظریه‌ها و رویکردهای فوق ریشه در مطالعات زبان دارند، مانند نظریه نظام‌های چندگانه، تحلیل گفتمان انتقادی، مدل‌های جامعه‌شناختی، نظریه اسکوپوس و کنترل کیفیت؛ اما برخی از آن‌ها مانند نظریات لومان و بوردیو، نظریه‌های جامعه‌شناختی هستند که استفاده از آن‌ها در مطالعات ترجمه با موفقیت همراه بوده و به ظهور «چرخش جامعه‌شناختی» در ترجمه کمک کرده‌اند.

به‌طور کلی، نظریه‌های جامعه‌شناختی ارائه شده در مطالعات ترجمه را می‌توان به دو گروه عمومی تقسیم کرد: نظریه‌های خُرد، که نقش عوامل دخیل در ترجمه را بررسی می‌کنند، مانند نظریه عادت‌واره بوردیو و نظریه کنشگر-شبکه لاتور، و نظریه‌های کلان که یا رویکردی نظام‌مند نقش ترجمه در زمینه‌های وسیع‌تر را مورد واکاوی قرار می‌دهند. دسته اول بیشتر بر نقش کنشگران و دسته دوم بر کارکرد نظام یا ساختار تأکید دارند. رویکرد خُرد (عاملیت‌محور) در جامعه‌شناسی ترجمه بر اساس دو دیدگاه جامعه‌شناختی شکل گرفته است: نظریه تولید فرهنگی بوردیو و نظریه کنشگر-شبکه لاتور.

نظریه تولید فرهنگی

جامعه‌شناس فرانسوی بوردیو (۲۰۰۲-۱۹۳۰) متفکری شناخته شده و چالش‌برانگیز در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی در جامعه خود و در سطح جهان بوده است. بوردیو (۱۹۷۱) نظریه تولید و چرخش کالاهای نمادین^۳ را ارائه داد که شامل تولید فرهنگی نیز می‌شود. بوردیو مفهوم میدان^۴ را مفهومی پویا و متغیر و نه ثابت و ایستا

1. Quality control, the translation market, and language planning
2. Actor-Network Theory
3. Production & distribution of symbolic goods
4. Field

می‌دانست. به اعتقاد او، میدان‌های فرهنگی عبارت‌اند از نهادها، قوانین و تعاملات میان آن‌ها (اناهر و دیگران، ۲۰۰۲). تعاملات عبارت‌اند از کنش و واکنش‌ها در عرصه فرهنگی و «مبارزه‌های سیاسی و اقتصادی که «میدان قدرت»^۱ را تشکیل می‌دهند» (بورديو، ۱۹۹۳، ص ۳۷).

میدان عبارت است از فضایی که روابط عینی میان «شبکه‌ای از روابط موجود در بین جایگاه‌های عینی درون خود» را در برمی‌گیرد و نوعی بازار رقابتی است که انواع سرمایه‌ها (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نمادین) در آن به کار گرفته و چیدمان داده می‌شوند (بورديو و واکوان، ۱۹۹۲، ص ۱۱۴) کنشگران در این میدان‌ها وارد می‌شوند و به خوبی می‌دانند که برای ارتقاء موقعیت خود در ساختارهای قدرت موجود (سوآرتز و زولبرگ، ۲۰۰۵) باید تلاش، مذاکره و معامله کنند. از يك سو، رفتار کنشگران در طی تلاش و مبارزه برای کسب قدرت در میدان بر ساخته و نتیجه ساختاری است که در آن کنشگری می‌کنند؛ از دیگر سو، ساختار میدان، بر ساخته و برآیند رفتار کنشگر می‌شود. بورديو این فرایند دوسویه اجتماعی شدن عاملان را «ساختارهای بر ساخته» و «ساختارهای سازنده» می‌نامد که بیانگر دیدگاه وی نسبت به علیت دوسویه و رابطه بین فرد و جامعه است (بورديو ۱۹۷۲، ۱۹۷۷، ص ۷۲). رهیافت تلفیقی بورديو توجه به موضوع ساختارگرایانه است و ادعا می‌کند که «نیت من برگرداندن کنشگران به زندگی واقعی بود، کنشگرانی که به وسیله لوی اشتراوس و ساختارگرایان دیگر، مخصوصاً آلتوسر ناپدید شده بودند» (بورديو، به نقل از جنکینز، ۱۹۹۲، ص ۱۸).

جامعه از طریق اجتماعی شدن تدریجی افراد شکل می‌گیرد و تداوم و تکامل جامعه به اعمال دائمی افراد بستگی دارد. نقاط قوت هر شخص در میدان می‌تواند به ارزش و نوع سرمایه او بستگی داشته باشد (هانایی، ۲۰۱۴). از نظر بورديو، سرمایه در فضاهاى اجتماعى به سه گونه نمود می‌یابد (هانایا، ۲۰۱۶). ۱) سرمایه اقتصادی^۲

-
1. Field of power
 2. Economic capital

که بلافاصله و به‌طور مستقیم قابل تبدیل به پول است و می‌تواند در قالب حقوق مالکیت، نهادینه شود؛ (۲) سرمایه فرهنگی^۱ که در شرایط خاص می‌تواند به سرمایه اقتصادی تبدیل شود (مانند سرمایه مادی حاصل از برخورداری از مدارک تحصیلی به مثابه سرمایه‌های فرهنگی)؛ (۳) سرمایه اجتماعی^۲، سرمایه ناشی از برخورداری فرد یا گروه از شبکه روابط اجتماعی واقعی یا مجازی و (۴) سرمایه نمادین^۳ که از شأن و وجهه فرد سرچشمه می‌گیرد (بوردیو، ۱۹۸۶، ص ۲۴۳).

چارچوب و مفاهیم کلیدی بوردیو به‌طور گسترده در تحقیقات مطالعات ترجمه به کار گرفته شده است (سیمونی، ۱۹۹۸؛ گوانوویچ، ۱۹۹۸؛ هرمانز، ۱۹۹۹؛ لیندکویست، ۲۰۰۳؛ وولف، ۲۰۰۶). نام بوردیو و نوشته‌های او به‌طور فزاینده‌ای در رویکردهای جامعه‌شناختی به پدیده‌های ترجمه، به‌ویژه از طریق نوشته‌های محققان مطالعات ترجمه مانند سیمونی (۱۹۹۸)، گوانوویچ (۱۹۹۷، ۲۰۰۲) و اینگیلری (۲۰۰۳)، به‌طور فزاینده در رویکرد جامعه‌شناختی به پدیده ترجمه نمایان است.

از نظر گوانوویچ (۱۹۹۷) رویکرد توصیفی توری و نظریه نظام‌های چندگانه ایون-ژهر فاقد «توضیحی اجتماعی از نقش نهادها و شیوه‌ها در ظهور و بازتولید کالاهای نمادین» هستند (ص ۱۲۶). گوانوویچ (۱۹۹۷) معتقد است که نظریه نظام‌های چندگانه توجه کافی به کارکرد اجتماعی محصولات فرهنگی ندارد و نظریه جامعه‌شناسی فرهنگی بوردیو به دلیل استفاده تلفیقی از نشانه‌شناسی و جامعه‌شناسی، می‌تواند کاستی‌ها مزبور را اصلاح کند. گوانوویچ (۱۹۹۷) نتیجه می‌گیرد که در مطالعات ترجمه باید نه تنها مترجمان بلکه تمام عوامل درگیر در میدان و ویژگی‌های متن مبدأ و متن مقصد و کارکرد آن‌ها در فرهنگ را در نظر بگیریم.

-
1. Cultural capital
 2. Social capital
 3. Symbolic capital

با توجه به دیدگاه جامعه‌شناختی بوردیو، سیمیونی (۱۹۹۸) امکان استفاده از مفهوم عادتواره بوردیو و ترکیب آن با مفهوم هنجار توری را مطرح می‌کند. به نظر او مفهوم عادتواره و هنجار مکمل یکدیگرند و نه متناقض، و تفاوت آن دو تنها تفاوت در چشم انداز و زاویه دید است. به نظر می‌رسد توری بر عوامل کنترل‌کننده رفتار عاملان یا «هنجارهای ترجمه‌ای» تمرکز می‌کند؛ اما سناریوی عادتواره بوردیو، به‌عکس، بر نقش خود مترجمان در ایجاد یا پیروی از هنجارها تاکید می‌کند (ص ۲۶۶).

سیمیونی (۱۹۹۸) نیز برای ادغام مفهوم عادتواره تفسیری دوباره از نظریه نظام‌های چندگانه ارائه می‌دهد. برای او مفهوم عادتواره شامل هنجارهاست و بر خلاف هنجارها، کارکرد دو سویه «سازنده و برساخته» را داراست (ص ۲۲-۲۲). با استفاده از مفاهیم بوردیو یعنی میدان و عادتواره، و همچنین نظریه گفتمان آموزشی برنستاین، اینگیلیری (۲۰۰۳) چارچوبی نظری را برای تجزیه و تحلیل ترجمه شفاهی اجتماعی به عنوان فعالیتی مبتنی بر هنجار تعریف می‌کند. در مقاله‌ای دیگر، اینگیلیری (۲۰۰۵) با بیان مقدمه‌ای بر اندیشه بوردیو، مفاهیم اصلی عادتواره، میدان، سرمایه و فریفتگی^۱ را تبیین می‌کند.

چارچوب نظری بوردیو به نظریه نظام‌های چندگانه ایون-ژهر، به مثابه یکی از چارچوب‌های نظری مطالعه حاضر، شباهت دارد. او نیز جهان را متشکل از فضاهای مختلف تولید می‌داند، که موقعیت هر یک در نظام اجتماعی و ادبی بزرگ‌تر بر وضعیت آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نظریه نظام‌های چندگانه توجه خاصی به حوزه‌های زبان و تولید ادبی دارد و جایگاه نظام‌های ادبی را با جایگاه فرهنگی مبدأ و مقصد مرتبط می‌داند. در عین حال، این نقد به نظریه ایون-ژهر وارد است که جامعه‌پیرامونی و اثرات ناشی از آن را نادیده گرفته است. به همین دلیل، بوردیو بارها نظریه نظام‌های چندگانه را به دلیل مطالعه آثار ادبی و روابط آن در انزوا و بدون

توجه به زمینه اجتماعی به مثابه بستر رشد نظام ادبی، مورد انتقاد قرار داده است (بوردیو ۱۹۹۳، ص ۳۳).

نظریه کنشگر-شبکه

نظریه کنشگر-شبکه^۱، که با نام‌هایی مانند نظریه عضوگیری، نظریه پذیرش، و نظریه تحویل نام نیز شناخته می‌شود، رویکردی بینارشته‌ای به علوم اجتماعی و فناوری است که اولین بار در آثار میشل کالون (۱۹۹۱) و برونو لاتور (۱۹۹۲) دیده شد. آنان برای اولین بار از این اصطلاح برای توصیف رویکرد خاص خود به نوآوری‌های علمی و فنی استفاده کردند. در طی چند دهه گذشته این دو اندیشمند و برخی دیگر از محققان در مقالات و کتاب‌های مختلف تلاش کرده‌اند این نظریه را به‌طور مختصر، روشن و نقادانه تبیین کنند (آریک و لاتور، ۱۹۹۲؛ کالون، ۱۹۹۹؛ کالون و لا، ۱۹۹۷؛ هسارد، لا و لی، ۱۹۹۹؛ لاتور، ۱۹۸۷، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵؛ لا، ۱۹۹۲، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷؛ لی و براون، ۱۹۹۴؛ نیلند، ۲۰۰۶). مبنای این رویکرد بر تحلیل تعامل میان عوامل انسانی و غیرانسانی در شبکه استوار است که در آن هویت و کیفیت کنشگران/عاملان، از طریق بررسی مناسبات جاری میان نمادهای انسانی و غیرانسانی تعیین و تعریف می‌شود و نمادها نیز از طریق برقراری ارتباط، شناسایی می‌شوند. در این نظریه، کنشگران با هم دست‌اندرکار بازساخت شبکه‌ای از تعاملات می‌شوند که موجب ثبات سیستم می‌شود. تفاوت اساسی بین دو گروه از عوامل در این است که فقط کنشگران انسانی می‌توانند عاملان غیرانسانی را فعال کنند. این نظریه ریشه در مطالعات شبکه و وابستگی‌های میان عملکردهای اجتماعی در حوزه دانش و فناوری دارد و بر این ایده استوار است که تیپولوژی شبکه‌ها، عموماً غیرمحلی هستند و اغلب اهداف مرزی دارند (فنی، ۱۳۹۲).

نظریه کنشگر-شبکه از مبانی و سنت‌های فکری متعددی بهره می‌برد، مانند نظریه قدرت و سیاست‌های خرد فوکو (۱۹۹۷)، نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی

داگلاس، ۱۹۶۶) و فلسفه میشل سرِس (فوکو، ۱۹۷۷). با این حال، نحله فکری قابل توجه آن، جامعه‌شناسی رادیکالیزه علم و فناوری است که پس از توماس کوهن (۱۹۶۲) ظهور کرد (بولور ۱۹۹۱، ۱۹۷۶). کار لاتور درباره پاستور (۱۹۸۸) و کاوش‌های او در جامعه‌شناسی و فلسفه فناوری (۱۹۸۸، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴)، کار جان لا درباره هواپیماهای TSR۲ (۱۹۸۸، ۱۹۹۱)، و درباره گسترش پرتغال در قرن ۱۷ (۱۹۸۶، ۱۹۸۷) و مشارکت او در تاریخ فناوری (۱۹۸۷، ۱۹۹۱) و مطالعات کالون درباره ماشین الکتریکی (۱۹۸۶، ۱۹۸۷) و خلیج سنت بریوک (لا و کالون، ۱۹۸۹) از مهم‌ترین تحقیقات انجام شده بر پایه نظریه کنشگر-شبکه است که نقش اساسی در دانش ما از نوآوری‌های علمی و فنی دارد.

از لحاظ روش‌شناختی، رویکرد کنشگر-شبکه به «فرایند تولید علم و فناوری» برمی‌گردد نه به «محصول نهایی علم و فناوری» (لاتور، ۱۹۸۷). در این رویکرد با بازیگران (یا کنشگران) متعددی روبرو هستیم، از جمله کسانی که ممکن است پیش از نهایی شدن یک شبکه ظاهر و یا ناپدید شوند. به همین ترتیب معمولاً در رویکرد کنشگر-شبکه، سازندگان شبکه، بازیگران اصلی به‌شمار می‌آیند و روند ساخت شبکه از منظر آن‌ها تفسیر می‌شود، که معمولاً مهندسان و دانشمندان هستند. از این منظر، رویکرد کنشگر-شبکه در پی آن است که با کشف روابط پیچیده بین دولت‌ها، فناوری‌ها، دانش، متون، پول و مردم، جعبه سیاه علم و فناوری را باز کند؛ ارتباطات، به علم و فناوری منجر می‌شود و با بررسی آن‌ها ساده‌تر می‌توان چرایی و چگونگی علم و فناوری را توضیح داد.

رویکرد کنشگر-شبکه دارای ویژگی‌های متمایز و منحصر به فردی است. اول، «بازیگر، شبکه» است. ممکن است این پرسش پیش آید که چگونه چیزی می‌تواند هم بازیگر و هم شبکه باشد؟ پاسخ کوتاه این است که همه چیز را می‌توان همزمان بازیگر و شبکه دانست. در این نظریه بر شبکه‌سازی، کنشگران، ائتلاف‌ها و گفتگو و چانه‌زنی میان کنشگران (انسان-انسان، انسان-غیر انسان و ...)

تأکید بسیار می‌شود. بدین ترتیب، در این نظریه عناصر انسانی و غیر انسانی به‌طور یکسان بازیگران درون شبکه به‌شمار می‌آیند و لذا این نظریه از دیگر رویکردهای اجتماعی-فناورانه متمایز می‌شود. به دیگر سخن، این نظریه از چارچوب تحلیلی و توصیفی یکسان برای تحلیل کنش و نقش یک انسان، یک متن یا یک ماشین استفاده می‌شود. «بازیگر در نظریه کنشگر-شبکه، تعریفی نشانه‌شناختی دارد: عملگر، یعنی چیزی که عمل می‌کند و یا آنکه دیگری آن را به عمل وامی‌دارد... عملگر می‌تواند به معنای واقعی کلمه هر گونه منبع اصلی عمل باشد» (لاتور ۱۹۹۶، ص ۳۷۳؛ لاتور و کالون، ۱۹۸۱).

در رویکرد کنشگر-شبکه، از لفظ ترجمه به معنای غیر تخصصی آن یعنی «ارتباط» استفاده شده است. اما بوزلین این نظریه را به دنیای مطالعات ترجمه نیز معرفی و بر اساس آن فرایند تولید ترجمه را بررسی کرد. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، بوردیو بر این باور است که زندگی اجتماعی را می‌توان با مطالعه شیوه‌های کنش عوامل اجتماعی و ارتباط آن با موقعیت‌ها و نفوذ عوامل در جامعه و همچنین مسیر آن‌ها تبیین کرد. بوزلین بر یکی از کاستی‌های استفاده از رویکرد بوردیو در مطالعات ترجمه تمرکز می‌کند که عبارت است از کاستن و محدود کردن عامل به «مترجم» و بررسی آن از دیدگاه فردگرایانه (ص ۲۱۵). بوزلین (۲۰۰۵) معتقد است رویکرد کنشگر-شبکه لاتور می‌تواند خلأ این حلقه مفقوده را جبران کند (عبدالله، ۲۰۰۵؛ بوزلین، ۲۰۰۵؛ جونز، ۲۰۰۹).

رویکرد کنشگر-شبکه را می‌توان چارچوبی نظری برای تجزیه و تحلیل نحوه ارتباط میان شبکه مخاطبان و بازیگران / کنشگران مختلف و تولید محصول به‌شمار آورد (لاتور، ۱۹۸۷). در این رویکرد محققان می‌توانند فرایند تاثیرگذاری عوامل مختلف در شکل دهی به شبکه تا زمان تولید محصول، را مطالعه کنند. تأکید لاتور بر فرایند کنش و نه نتیجه کنش، اهمیت پویایی را در این نظریه نشان می‌دهد

(بوزلین، ۲۰۰۵، ص ۱۹۶). بوزلین با تأسی به مبانی این نظریه، تعریف خاص «بازیگر»، به مثابه کلیه عوامل تاثیرگذار انسانی یا غیرانسانی، را از ویژگی‌های مهم این نظریه می‌شمارد (بوزلین، ۲۰۰۵، ص ۱۹۴). با نگاهی به مطالعات انجام شده بر اساس نظریه کنشگر-شبکه (بوزلین، ۲۰۰۵؛ هکانن، ۲۰۰۹؛ حدادیان مقدم، ۲۰۱۲) می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز این روش بر فرایند تولید است.

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، رویکرد نظام‌مند به مطالعات ترجمه با نظریه نظام‌های چندگانه آغاز شد و سپس با مطالعات توصیفی توری^۱ و مکتب دستکاری^۲ ادامه یافت (هرمانز، ۱۹۹۸). ترجمه به مثابه عاملی در مبادلات بین‌زبانی، بین‌فرهنگی یا بین‌نشانه‌ای همواره به‌طور آشکار یا پنهان با ساختارهای بزرگ‌تر از خود مرتبط بوده است. نظریه پردازان مکتب دستکاری و نظام‌های چندگانه، ترجمه را در قالب انتزاعی نظام‌ها تعریف کرده‌اند. لفور تحت تأثیر تفکر نظام‌مند، ترجمه را گونه‌ای از بازنویسی می‌داند که در قالب نظام ادبی به مثابه بخشی از نظام پیچیده‌تر فرهنگی، شکل می‌گیرد. از نظر لفور، نظام مجموعه‌ای از محدودیت‌هاست اما مترجم (بازنگار) اختیار دارد بر طبق محدودیت‌ها عمل کرده و یا بر ضد آن‌ها اقدام کند. محدودیت‌ها هم بیرونی هستند و هم درونی. بوطیقا نمونه‌ای از محدودیت‌های درونی و ایدئولوژی نمونه‌ای از محدودیت‌های بیرونی است که از سوی قدرت‌های سیاسی یا مذهبی اعمال می‌شود. محدودیت‌های زیاشناختی و ایدئولوژیک ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند و بدین ترتیب نظام ادبی با بستر رشد خود یعنی نظام اجتماعی مرتبط می‌شود.

اگر چه تفکر نظام‌مند مبنای بسیاری از نظریات مطرح در چرخش فرهنگی مطالعات ترجمه است، اما پس از چرخش جامعه‌شناختی بود که رویکردهای نظام‌مند-اجتماعی بیش از پیش موضوع اصلی بحث‌های نظری و تجربی در حوزه مطالعات ترجمه شدند. دو پارادایم اصلی نظام‌مند-اجتماعی عبارتند از (۱)

1. Descriptive Translation Studies
2. Manipulation school

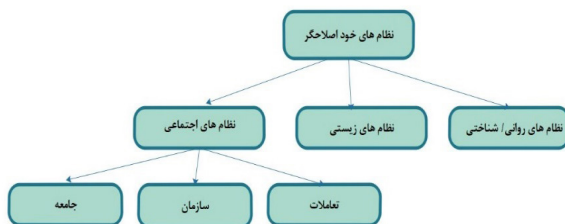
رویکردهایی که بر نظام (شبکه) به مثابه ساختاری کلان‌تر از عاملیت انسانی تأکید دارند و (۲) رویکردهایی که بر نظام (شبکه) به مثابه تُخرده ساختارِ بر ساختهٔ عاملان انسانی و از طریق تعاملات اجتماعی، تأکید دارند.

نظریه نظام‌های اجتماعی

نظریه نظام‌های اجتماعی^۱ لومان از گستره و ژرفای قابل توجهی برخوردار است. این نظریه وام‌دار آراء نظریه پردازان پیش از خود در حوزه‌های مختلف است، به‌ویژه نظریهٔ تالکوت پارسونز و نیز نظریهٔ عمومی سیستم‌ها، نظریهٔ سایبرنتیک هینز فون فاستر (۲۰۰۲-۲۰۰۱)، نظریهٔ زیست‌شناسی ماتورانا و وارلا نظریه تکامل و حساب دیفرانسیل اسپنسر براون (۱۹۲۳-۲۰۱۶)، و نظریه‌های سوسور و بوهلر در مورد زبان.

مفهوم محوری در نظریه لومان مفهوم «خوداصلاحگری»^۲ یا (باز) تولید خود است. نظام خوداصلاحگر نظامی است که به‌صورت درونزا به (باز) تولید یا اصلاح خود می‌پردازد، همانند گیاهی که سلول‌های خود را بازتولید می‌کند. لومان استدلال می‌کند که ایده اصلی خوداصلاحگری، نه تنها در مورد نظام‌های بیولوژیک بلکه گستره‌ای از نظام‌های غیر بیولوژیک نیز جاری است. بنابراین، او مفهوم اولیه «اصلاح بیولوژیک» را وام گرفت، آن را اصلاح و سپس در گسترهٔ وسیع اجتماعی اعمال کرد (مینگر، ۱۹۹۵). از نظر لومان، نظام‌های اجتماعی همچون نظام‌های بیولوژیک یا زیست‌شناختی، عناصر خود را بازتولید می‌کنند. بر اساس تیپولوژی نظام‌ها، سیدل (۲۰۰۴، ص ۵) سلسله مراتبی متشکل از سه سطح تحلیلی (شکل ۲) ارائه می‌دهد:

-
1. Social system theory (SST)
 2. Autopoiesis



شکل ۲- انواع نظام‌های خوداصلاحگر

«شناخت عناصر اساسی نظام اجتماعی» نخستین مرحله در شکل‌دهی به نظریه عمومی جامعه‌شناختی لومان است. در سنت جامعه‌شناختی، عناصر اساسی نظام اجتماعی عبارتند از افراد یا کنش‌ها. لومان هر دو عنصر را با مفهوم خوداصلاحگر در نظام‌های اجتماعی ناسازگار و لذا عنصری کاملاً متفاوت را به عنوان عنصر اساسی در شکل‌دهی به نظام اجتماعی مطرح می‌کند که عبارت است از «ارتباط» یا «رویداد ارتباطی»؛ لومان با طرح یک «انقلاب مفهومی» (لومان، ۱۹۸۶، ص ۱۷۸) می‌گوید:

نظام‌های اجتماعی از ارتباطات به مثابه حالت ویژه‌ای از بازتولید و اصلاح خود استفاده می‌کنند. عناصر نظام‌های اجتماعی عبارت‌اند از ارتباطاتی که در یک شبکه تولید و بازتولید می‌شود و خارج از آن شبکه‌ای وجود ندارد. (لومان، ۱۹۸۶، ص ۱۷۴)

این مفهوم در دیگر حوزه‌های اجتماعی از جمله سیاست، اقتصاد، حقوق، دین، محیط زیست، جنبش‌های اعتراضی، هنر و ادبیات، مطرح شده است. از دیدگاه لومان تمام نظام‌های اجتماعی خودمؤلف یا خودبازساز هستند. لومان بین نظام‌های زیستی^۱، روانی/شناختی^۲ و اجتماعی^۳ تمایز قائل می‌شود. انسان‌ها در محل تلاقی

1. Autopoietic
2. Biologic systems
3. Psychic systems
4. Social systems

این سه نظام جای دارند زیرا از هر سه نظام برخوردارند: زیستی (بدن)، روانی / شناختی (روان) و اجتماعی. لومان جامعه را نظام ارتباطی و شامل رویدادهای ارتباطی می‌داند، نه مجموعه‌ای از افراد. هر زیرنظام اجتماعی دارای ارتباطات خاصی است که برآیند روابط بین عناصر تشکیل دهنده آن زیرنظام است. نظام‌های اجتماعی اگرچه از نظر قلمرو عملیاتی، محدود و فروبسته هستند اما با یکدیگر همکاری می‌کنند.

ترجمه همه ویژگی‌های یک نظام اجتماعی را دارد و لذا می‌توان آن را نوعی نظام اجتماعی دانست. ترجمه دارای عنصر منحصر به فرد یعنی «رویداد ارتباطی ترجمه»^۲ است که شامل دو یا چند رویداد ارتباطی می‌شود که از طریق میانجیگری به هم مرتبط شده‌اند. ساده‌ترین شکل رویداد ارتباطی ترجمه شامل سه طرف (و نه لزوماً سه نفر) است: الف < > ب < > ج. در این رویداد ارتباطی، «الف» و «ج» برآیند محیط (زبان مبدأ و زبان مقصد) هستند و با میانجیگری «ب» با هم ارتباط دارند. تنها «ب» متعلق به نظام ترجمه است و لذا رویداد ارتباطی ترجمه (TCE) را می‌توان فقط در «ب» مشاهده کرد. «ب» عبارت «الف» را می‌فهمد، به این معنا که فقط تعداد کمی از اطلاعات ممکن و قابل استخراج از آن را انتخاب می‌کند. درک «ب» عبارتی می‌شود که به «ج» منتقل می‌شود. «ج» تنها اندکی از پاره اطلاعات قابل استخراج از عبارت «ب» را برمی‌گزیند که همان درک معنا توسط اوست. به‌طور خلاصه، ارتباط مزبور را می‌توان به صورت شماتیک زیر ارائه داد:

الف: بیان ۱ < اطلاعات ۱ ب: (درک ۱ = بیان ۲) < اطلاعات ۲ ج: درک ۲
 رویداد ارتباطی ترجمه و شرایط عملکرد آن موضوع رشته دانشگاهی مطالعات ترجمه است. رویداد ارتباطی ترجمه امکان شناسایی پدیده‌های گوناگون ترجمه مانند ترجمه کتبی، شفاهی، بین‌زبانی، رسانه و غیره را فراهم می‌سازد.

هر نظام اجتماعی دارای کارکرد، کارایی، کد، برنامه(ها) و میانجی است. کارکرد

1. Operational closure
2. Translation communicative event (TCE)

ترجمه، میانجیگری بین‌زبانی و بین‌فرهنگی است. همه پدیده‌ها یا میانجی‌پذیر یا میانجی‌ناپذیر به‌شمار می‌آیند. برای مثال، در ترجمه به مثابه تعامل بین‌زبانی، هر متن می‌تواند ترجمه‌پذیر یا ترجمه‌ناپذیر باشد. ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری کد یا نشان اصلی در نظام دوگانه ترجمه است. ترجمه همچنین نسبت به انعکاس تغییرات در سیاست‌های میانجیگری بین‌فرهنگی انعطاف‌پذیر است. و بالاخره، هر رویداد ارتباطی ترجمه برآیند محیط خاص خود است. ترجمه با استفاده از رسانه‌های مختلف و ابزارهای نشانه‌شناختی دخیل در آن صورت می‌گیرد: زبان، ابزار میانجی برای ترجمه بین‌زبانی است؛ رنگ، ابزار میانجی برای ترجمه بین‌نشانه‌ای در نقاشی است.

لومان جامعه مدرن را به مثابه یک نظام، متشکل از زیر‌نظام‌هایی می‌داند که توابع مجزا (زیر‌نظام‌های تابع) مانند دین، سیاست، آموزش، هنر، ترجمه و غیره دارد (تیولنو، ۲۰۱۲). از این منظر، می‌توان ترجمه را به مثابه یک نظام اجتماعی یا بخشی از یک نظام اجتماعی بزرگ‌تر تحلیل کرد. در این نگرش، ترجمه دارای زیرنظام‌ها و شبکه‌های ارتباطی بین عناصر است. زیر‌نظام‌های درون‌زبانی (ارائه متن به بیان دیگر)، بین‌زبانی (ترجمه بین دو زبان) و بین‌نشانه‌ای (برگردان متن به فیلم) شناخته‌شده‌ترین زیرنظام‌های ترجمه هستند. ممکن است گونه‌های دیگری از روابط در زیرنظام‌ها رخ بدهد، مانند ترجمه حقوقی در زیرنظام ترجمه بین‌زبانی. پولترمن (۱۹۹۲) اولین کسی بود که نظریه نظام‌های اجتماعی لومان را در مطالعات ترجمه به کار برد. او مانند ایون-ژرژ ترجمه ادبی را بخشی از زیر‌نظام ادبی ملی فرض کرد که خود زیر نظام هنر است و هنر نیز به‌نوبه خود بخشی از زیر‌نظام اجتماعی است. بعدها، هرمانز (۱۹۹۹) نیز ترجمه را به مثابه نظام در نظر گرفت و با استفاده از اصطلاحات نظریه نظام‌های اجتماعی، توصیفی دوباره از ترجمه ارائه داد و پس از آن در اثر دیگر خود (هرمانز، ۲۰۰۷) ضمن بحث مفصل درباره نظریه نظام‌های اجتماعی لومان، ترجمه را نظامی اجتماعی می‌شمارد و بر اساس نظریه

لومان مدلی پیشنهاد می‌کند که از مدل‌های مورد نقد او (مانند نظریه هنجارها و نظریه نظام‌های چندگانه) بسیار انعطاف پذیرتر است. عنصر اصلی در مدل او عبارت است از «ارتباط». ارتباط از منظر لومان عبارت است از «فرا ارتباط» یا ارتباطی که مولد یا اصلاح‌کننده ارتباطات دیگر در یک نظام باشد. در این مدل، ترجمه صرفاً فرایند بازتولید متن اصلی تلقی نمی‌شود. هرمانز (۲۰۰۷) همچنین در خصوص استفاده از نظریه لومان در انواع ترجمه، آموزش مترجم، مشاهده ثانوی^۱ و تاریخ ترجمه سخن به میان می‌آورد. او معتقد است که چشم انداز برساخت‌گرایی^۲ نظریه نظام‌های اجتماعی بدین معناست که نظام‌ها (به‌طور فرضی و نه واقعی) وجود دارند.

ورمیر یکی دیگر از صاحب‌نظران حوزه ترجمه است که از منظر لومان (۱۹۸۶) درباره ترجمه سخن گفته است. او نظریه سیستم‌های لومان را در ترکیب با نظریه هدفمندی در مطالعات ترجمه به کار گرفت. او نظام ترجمه را نوع خاصی از نظام اجتماعی می‌شمارد و ارتباطات اشخاص مختلف دخیل در «کنش» ترجمه (مانند مترجم، سفارش دهنده، نویسنده متن اصلی، خواننده و غیره) را در محیط برساخته از نظام‌های وابسته به نظام ترجمه، بررسی می‌کند. فرض اساسی ورمیر این است که برای درک ترجمه به مثابه نظام (اجتماعی)، باید از ابزارهای نظری لومان استفاده کرد. برای این منظور، او استفاده از روش تحلیلی سه سطحی را پیشنهاد می‌کند: ۱) سطح خرد^۳ شامل عناصر خرد (فرایندها و رخدادها)، ۲) سطح میانی^۴ شامل «دنیای واقعی» انسان‌ها و ۳) سطح کلان^۵ شامل تکثیر، گسترش و تکامل الگوهای رفتاری (ورمیر، ۲۰۰۶، صص ۵-۷). هدف اصلی او «نشان دادن پیچیدگی نامحدود ترجمه و آزادی و مسئولیت مترجم در هنگام پذیرش قرارداد

-
1. Second-order observation
 2. Constructivist outlook
 3. microcosmic
 4. mesocosmic
 5. Macrocosmic

(سفارش ترجمه) است» (ورمیر، ۲۰۰۶، ص ۹).

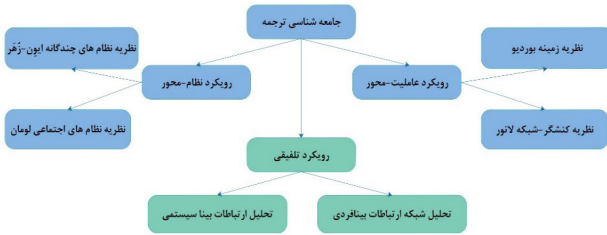
محققان حوزه مطالعات ترجمه هم از آرای بوردیو و لومان الهام گرفته‌اند و هم از نظرات برخی دیگر از جامعه‌شناسان کلان‌نگر. یورگن هابرماس با استفاده از مفهوم نظام اجتماعی لومان، نظریه کنش ارتباطی^۱ خود را ارائه کرد که به مطالعه ارتباط بین زیست‌بوم، کنش ارتباطی تعاملی^۲، و نظام بوروکراتیک^۳ در جامعه مدرن می‌پردازد. تایولینف (۲۰۱۲) هم از ارتباط بین زیست‌بوم و نظام در حوزه آموزش مترجم سخن به میان آورد.

تایولینف تاکید می‌کند که نظریه لومان می‌تواند به نظریه‌پردازی در ترجمه کمک کند. لذا پیشنهاد می‌کند سه پارادایم برای ترجمه در نظر گرفته شود: ۱) ترجمه به مثابه نظام مستقل، ۲) ترجمه به مثابه زیرنظامی از یک نظام بزرگتر و ۳) ترجمه به مثابه پدیده مرزی یا میانجی بین نظام اجتماعی و محیط پیرامونی. تایولینف در بحث از این پارادایم به‌ویژه در مورد پتانسیل نظریه نظام‌های چندگانه ایون-ژهر و نقد اجتماعی ترجمه^۴، سخن به میان می‌آورد.

چارچوب نظری تحقیق

مطالعات جامعه‌شناختی ترجمه و مفاهیم مرتبط با آن در شکل زیر ارائه شده است؛ نموداری که مبتنی بر پژوهش‌های جامعه‌شناختی مهم متخصصان مطالعات ترجمه است. اما مطالعه حاضر فراتر از این موضوع رفته و تلاش کرده است زمینه چاپ و نشر در ایران در دو سطح عوامل و ساختار را با رویکردی تلفیقی توصیف و بررسی کند. شکل ۳ موقعیت رویکرد تلفیقی را در مطالعات جامعه‌شناسی ترجمه نشان می‌دهد.

-
1. Communicative action
 2. Cooperative communicative action
 3. Bureaucratized system
 4. Sociocritique of Translation



شکل ۳- رویکرد تلفیقی در مطالعات ترجمه

در این مطالعه از روش تحقیق جامعه‌شناختی استفاده شده است. با در نظرگرفتن ارتباط بین عوامل اصلی (ناشران، مترجمان و نویسندگان)، می‌توان درک درستی از تغییرات ادبی در طول زمان داشت. علاوه بر این، با توجه به نظریه ساختمندی گیدنز، پیچیدگی ارتباطات میان عوامل اصلی دخیل در نشر نیز در این تحقیق مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

فصل دوم
نظام چندگانه ادبی ایران

مقدمه

نظریه نظام‌های چندگانه را ایتمار ایون-زُهر در اوایل دهه ۱۹۷۰ وارد حوزه مطالعات ترجمه کرد. پیشینه نگاه به ادبیات به مثابه یک نظام را می‌توان در آرای فرمالیسم (صورتگرایی) روسی در دهه ۱۹۲۰ دید. در فرمالیسم، ادبیات جزئی از مجموعه‌ای تلقی می‌شود که در آن خرده‌نظام‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... با هم در ارتباط هستند. تینیانوف برای نخستین بار ادبیات را از منظر قالب و فرم توصیف کرد (هرمانز، ۱۹۹۹، ص ۱۰۴). بر این اساس، ادبیات ترجمه شده می‌تواند حداقل از دو جهت به مثابه نظام در نظر گرفته شود. اول از آن جهت که انتخاب اثر در زبان مقصد هدف‌مند و تابع نظام خاصی است، و دوم از آن نظر که روش ترجمه آثار تابع میزان تأثیرپذیری یا اثرگذاری از سایر نظام‌های حاکم در زبان مقصد است (ماندی، ۲۰۰۱، ص ۱۰۹).

ایون-زُهر با الهام از نظریات متفکرانی چون یاکوبسن و تینیانوف و با نگاهی نظام‌مند، عوامل دخیل در رشد فرهنگ و پدیده‌های فرهنگی مانند ترجمه را مورد مطالعه قرار داد (پیم، ۲۰۱۰). در این رویکرد، پیچیدگی فرهنگ جامعه نه برآیند یک عامل که ناشی از چندین عامل به‌شمار می‌آید. ایون-زُهر با کاربرد مفهوم «نظام» ادعا کرد که دیگر «متن» موضوع تحقیق در مطالعات ترجمه نیست؛ بلکه مدل‌های

فرهنگی پویایی که در تولید پدیده‌های فرهنگی از جمله ترجمه تأثیر می‌گذارند، موضوع تحقیق در مطالعات ترجمه است. ایون-ژهر (۱۹۷۹) در قالب نظریه نظام‌های چندگانه، ابتدا به بررسی نظام ادبی و نقش ادبیات در جامعه پرداخت؛ اما پس از چرخش مطالعات ترجمه به سمت فرهنگ (بسنست و لفور، ۱۹۹۰)، به مطالعات فرهنگی روی آورد و درباره روابط متقابل نظام‌های اجتماعی - فرهنگی و نقش آن‌ها در سیاست‌گذاری فرهنگی^۱ جامعه تحقیق کرد (۱۹۹۰). براساس این نظریه، ادبیات جزئی از نظام اجتماعی، فرهنگی، ادبی و تاریخی تلقی می‌شود و اثر ادبی به‌عنوان جزئی از نظام ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش به ارتباط بین خرده نظام‌های سیاسی و ادبی در جامعه ایران خواهیم پرداخت.

نظریه نظام چندگانه در مطالعات ترجمه

همان‌گونه که ذکر شد ایون-ژهر نخستین کسی بود که از مفهوم «نظام چندگانه» در مطالعات ترجمه استفاده کرد. این نظریه جریانی رادیکال در تاریخ مطالعات نظری ترجمه بود زیرا نحوه نگرش به پدیده ترجمه را تغییر داد. ترجمه که تا پیش از این درگیر مفاهیمی از قبیل وفاداری به متن و انواع تعادل بود به یکباره با تغییری محسوس به سمت تحلیل نقش متون ترجمه شده در بافت جدید (نظام ادبی و زبانی مقصد) متمایل شد (بسنست، ۲۰۰۲). به اعتقاد ایون-ژهر، عوامل درونی و بیرونی می‌توانند بر ساختار ترجمه تأثیر بگذارند. این نگرش جدید به طرز چشم‌گیری راه را برای تحقیقات بیشتر در تاریخ ترجمه باز کرد و منجر به ارزیابی دوباره اهمیت ترجمه به مثابه نیروی تغییر و نوآوری در تاریخ ادبیات شد.

نظریه نظام‌های چندگانه کلیت آثار ترجمه شده را به مثابه نظامی می‌بیند که در درون (یا مقابل) نظام ادبی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی حاکم در فرهنگ مقصد عمل می‌کند و گاه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، آثار ترجمه شده به مثابه یک خرده نظام در درون یا مقابل نظامی دیگر قرار دارد که خود آن جزئی

از یک نظام دیگر است؛ لذا عنوان «نظام چندگانه» به آن اطلاق می‌شود. ایون-زُهر (۲۰۰۰/۱۹۷۶) بر این نکته تأکید دارد که ادبیات ترجمه به‌طور نظام‌مند عمل می‌کند و نه فقط جزئی جداناپذیر از هر نظام ادبی بلکه یک نظام فعال در درون آن است (ص ۲۰۰). نظریه نظام‌های چندگانه در سطح مجموعه‌ای از روابط به ظاهر متضاد به شرح زیر عمل می‌کند (هرمانز، ۱۹۹۹، ص ۴۲):

- قالب‌ها/ژانرهای کانونی ۱ (سطح بالا) و غیرکانونی ۲ (سطح پایین)

- جایگاه مرکزی و حاشیه‌ای

- الگوی اولیه و الگوی ثانویه

- متن مبدأ و متن مقصد

- متون تألیفی و ترجمه شده

ایده کلیدی نظام‌های چندگانه این است که تغییر مداوم ژانرها در ارتباط با یکدیگر در واقع «مبارزه مداوم برای دستیابی به جایگاه قدرت بین گروه‌های گوناگون» است (هرمانز، ۱۹۹۹، ص ۴۲) که به پویایی ادبیات می‌انجامد. ادبیات اگر پویا، فعال و در معرض نوسان‌های مداوم باشد، به‌طوری که جایگاه الگوها/ژانرهای ادبی مرکزی و حاشیه‌ای در تغییر باشند، در نهایت الگوها/ژانرهای جدید و نوآور که معمولاً جایگاه حاشیه‌ای دارند در این چالش و مبارزه جایگزین الگوها/ژانرهای کانونی می‌شوند که معمولاً ایستا و ساکن هستند. بنابراین، ادبیات ترجمه شده موقعیت ثابت در نظام ادبی اشغال نمی‌کند زیرا نظام، مدام در حال تغییر است؛ البته ایون-زُهر بر این باور است که ادبیات ترجمه شده در نظام ادبی معمولاً جایگاه ثانوی دارد. با وجود این، تغییر در جایگاه مرکزی از فرم‌ها/ژانرهای ادبی حاشیه‌ای شروع می‌شود. زمانی که آثار ترجمه شده در نظام فرهنگی مقصد جایگاه حاشیه‌ای داشته باشند تا حدی محافظه کارانه عمل می‌کنند.

ایون-ژهر تأکید می‌کند در برخی موارد ادبیات ترجمه‌ای جایگاه مرکزی را در نظام ادبی اشغال می‌کند. در این زمان مرز بین ادبیات ترجمه شده و ادبیات تألیفی به قدری نزدیک می‌شود که گاه قابل تشخیص نیست (ایون-ژهر، ۲۰۰۰/۱۹۷۶، ص ۲۰۰). ایون-ژهر سه سناریو برای این وضعیت ارائه می‌دهد:

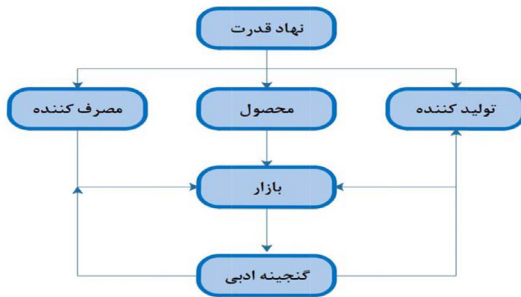
۱) هنگامی که ادبیات نوپای یک فرهنگ قادر به ارائه طیفی از انواع متن و ژانر نباشد پذیرای ترجمه آثار از ادبیات یک فرهنگ دیرپا می‌شود تا خلأهای نظام فرهنگی خود را برطرف کند. در این حالت، ادبیات ترجمه شده ویژگی‌هایی خواهد داشت که نظام فرهنگی/ادبی مقصد فاقد آن‌ها بوده است، مانند ساختارهای بوطیقای جدیدی که در زبان مقصد نبوده و از طریق ترجمه وارد آن زبان می‌شود.

۲) زمانی که ملت کوچک‌تر تحت تأثیر فرهنگ ملت بزرگ‌تر قرار گیرد، ممکن است به ادبیات وارداتی از فرهنگ غالب متکی باشد تا نظام ادبی پویایی داشته باشد و از آن به مثابه منبع ایجاد ژانرهای جدید تغذیه کند.

۳) هنگامی که تاریخ ادبیات یک نظام فرهنگی دارای نقاط عطف باشد، مانند زمانی که فرم‌ها/ژانرهای ثابت در نظام مقصد محبوبیت خود را از دست بدهند و یا زمانی که فرم/ژانر ادبی در نظام مقصد وجود نداشته باشد. در برخی موارد ادبیات ترجمه شده می‌تواند هم موقعیت مرکزی و هم جایگاه حاشیه‌ای (ثانوی) داشته باشد. این وضعیت ممکن است در هنگام وقوع تغییرات عمده اجتماعی رخ دهد. ایون-ژهر نقش ادبیات ترجمه شده در اسرائیل در دهه اول قرن بیستم را نمونه این وضعیت دوگانه می‌داند: در آن زمان ترجمه ادبیات روسی به زبان عبری بیشتر از ترجمه ادبیات از زبان انگلیسی، آلمانی یا لهستانی به زبان عبری بوده است (ماندی، ۲۰۰۱، ص ۱۱۰؛ ایون-ژهر، ۲۰۰۰/۱۹۷۶، ص ۲۰۲).

لمبرت معتقد است نظریه نظام‌های چندگانه به معنای واقعی «نظریه» نیست، بلکه یک فرضیه و الگوی تحقیق است. او نتیجه می‌گیرد که «کاربرد آن [نظریه] را نمی‌توان به‌طور کلی به ادبیات و ترجمه محدود کرد زیرا با استفاده از این رویکرد

می‌توان رفتار اجتماعی (پیچیده) را هم توضیح داد» (لمبرت، ۱۹۹۵، ص ۱۱۲).
 از نظر ایون-زُهر (۱۹۹۰، ص ۳۳-۴۴) شش عامل تأثیرگذار و مرتبط با نظام چندگانه ادبی عبارت‌اند از تولیدکننده^۱، محصول^۲، مؤسسات (نهاد قدرت)^۳، گنجینه ادبی^۴، بازار^۵ و مصرف‌کننده^۶. عوامل مزبور و نحوه عمل آن‌ها در حوزه ادبیات و مطالعات فرهنگی به صورت شماتیک در شکل ۴ (برگرفته از ایون-زُهر، ۱۹۹۷) آمده است:



شکل ۴- عوامل اصلی در نظریه نظام‌های چندگانه

در شکل فوق عواملی چون سیاست، ایدئولوژی، اقتصاد و زبان نه به‌عنوان عواملی جداگانه بلکه به‌عنوان جزئی از نظریه فرهنگی نظام‌های چندگانه در نظر گرفته شده‌اند؛ برای مثال، نهاد قدرت^۳ بر هنجارها و کلیت فرایند تولید (پیشاتولید، حین تولید و پساتولید) از طریق تشویق و یا توبیخ عوامل دخیل، نظارت و کنترل دارد. نهاد قدرت با سیاستگذاری‌های کلی، میزان ماندگاری اثر را تعیین می‌کند. این نهاد متشکل از منتقدان، مراکز نشر، مجلات و نشریات، نویسندگان، مسئولان دولتی،

1. Producer
2. Product
3. Institutions
4. Repertoire
5. Market
6. Consumer
7. Institution

نهادهای آموزشی و رسانه‌های جمعی است. به عقیده نظریه پردازان مطالعات نظام‌مند، نهاد قدرت سازمانی یکپارچه و متحد نیست و لذا چالش‌ها و تعارض‌های بیناگروهی و بینافردي دارد، چالش‌هایی که موجب پویایی نظام می‌شود. منظور از عامل سرمایه ادبی^۱ در نظام ادبی عبارت است از قوانین و ضوابطی که بر روند کلی تولید تا مصرف تأثیر می‌گذارند و آن را کنترل می‌کنند. از دید زبان‌شناسی سنتی، سرمایه زبانی تلفیقی از قواعد نحوی^۲ و واژگانی^۳ زبان است. سرمایه ادبی مجموعه‌ای از قوانین، قواعد و دانش مشترکی است که براساس آن، اثری ادبی انتخاب و تولید می‌شود. سرمایه ادبی موجود در یک نظام ادبی، ارزش اثر را نیز تعیین می‌کند. سرمایه ادبی بر ساخته و برآیند سه کنش است: فعالیت بازار و عوامل دخیل در عرضه و تقاضای کالای ادبی، افزایش تقاضای بازار برای کالای ادبی خاص و خود کالای ادبی که برآیند رفتار عوامل مختلف است.

چسترمن (۲۰۰۶) نظام‌های چندگانه را بیشتر نظریه‌ای فرهنگی می‌داند تا جامعه‌شناختی. به نظر او برخی از نظریه‌پردازان این حوزه، مانند لفور (۱۹۹۲)، بیشتر به موضوعات جامعه‌شناختی توجه کرده‌اند. گرچه نظام‌های چندگانه عمق و مشروعیت بیشتری به مطالعات ترجمه داد، برخی از انتقادات درباره نقاط ضعف آن صحت دارد، یکی از آن‌ها کلی‌نگری درباره نظام ادبی است. تأکید بیش از حد بر عوامل ادبی مثل گنجینه ادبی و در عین حال نادیده گرفتن عوامل انسانی یکی دیگر از نقاط ضعف این دیدگاه است. منظور از عامل انسانی، عوامل انسانی فعال در نظام ادبی و دیگر نظام‌های وابسته است. با توجه به کاستی‌های این نظریه در تحلیل جامعه‌شناختی سیستم‌ها، دو رویکرد جامعه‌شناختی عمده راه خود را در مطالعات ترجمه باز کردند: جامعه‌شناسی فرهنگی بوردیو و نظریه هنر و زیبایی‌شناسی لومان. هر دو نظریه، به تفکر ارتباطی توجه کرده‌اند و بر تحقیقات

-
1. Repertoire
 2. Grammar
 3. Lexicon

گسترده در زمینه تاریخ، فرهنگ و موضوعات مرتبط، استوار هستند. با توجه به اهمیت این دو رویکرد، در فصل سوم درباره آن‌ها توضیح لازم را ارائه خواهیم داد. هنگامی که مطالعات ترجمه را از منظر نظریات جامعه‌شناختی موجود می‌نگریم بیش از پیش به اهمیت باز تعریف رویکردهای نظام‌های چندگانه و تفکر نظام‌مند پی می‌بریم. مطالعات ترجمه در حال حاضر بیشتر بر نقش عوامل انسانی و کنش‌های فردی تأکید می‌کند در حالی که در گذشته بر متون و کلمات تمرکز بیشتری داشت (کرونین، ۲۰۰۵). همان‌گونه که ولف (۲۰۰۷) به‌صراحت می‌گوید، آثار اخیر در مطالعات ترجمه تأکید دارند که باید نقشه راه رشته را از منظر تاریخی، نهادی و نقش عوامل اجتماعی در فرایند تولید ترجمه، مورد واکاوی قرار داد.

نشر رمان در ایران (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

تجزیه و تحلیل حوزه نشر ادبی بدون توجه به بافت تاریخی و فرهنگی غیر ممکن است. کریستف بالائی (۱۹۹۷) رشد و شکوفایی رمان و ادبیات داستانی اروپا را نتیجه پیشرفت‌های چشم‌گیر علمی و صنعتی می‌داند در حالی که در ایران غالباً مترجمان بر آن بودند که از طریق ترجمه رشد و پیشرفت را برای جامعه به همراه آورند. ادبیات داستانی و به‌ویژه رمان، که روایتگر زندگی فرد در متن ماجراهای اجتماعی است، گذشته از شکل‌های نوین ادبی، مفاهیم تازه‌ای را با خود به همراه می‌آورد. مبدعان رمان فارسی یا ایرانیان خارج از کشور بودند که تحت تأثیر فضای ادبی غرب می‌نوشتند و یا مترجمانی بودند که با مقدمه‌هایی که بر ترجمه این آثار می‌نوشتند نقش مهمی در وارد کردن مفهوم رمان و معرفی آن به نظام ادبی ایران ایفا کردند (میرعابدینی، ۱۳۸۰).

چنانچه سیر تحول و تکامل ادبیات ایران را در دوران پس از انقلاب مشروطه (در ابتدای قرن بیستم) دنبال کنیم، درمی‌یابیم که چه تألیف و چه ترجمه رمان نه وسیله‌ای برای سرگرمی بلکه آغازگر حرکت فکری و تکاملی و تحول نظام‌های سیاسی و فرهنگی بوده است. در این میان ترجمه با وارد کردن اصول و الگوهای

مدرن و اروپایی^۱ از مهم‌ترین پشتوانه‌های فکری و ایدئولوژیک روشنفکران آن دوران بود، روشنفکرانی که به نوعی ترجمه‌ای میان‌دیشیدند و عمل می‌کردند یعنی با تکیه بر نوشتن و ترجمه کردن خواهان اصلاح و تغییر در نظام سیاسی و فرهنگی-اجتماعی بودند.

به لطف ترجمه و واردات آثار اروپایی در ابتدای قرن بیستم، جایگاه رمان و ادبیات داستانی در ایران پیشرفت چشم‌گیری داشت. به اعتقاد بالائی سه رمان امیر ارسلان، کتاب احمد و سیاحت نامه ابراهیم بیگ نمادی از سه قشر آن روزگار بودند؛ اول درباریان و جامعه رو به انحطاط آنان (امیر ارسلان)؛ دوم، مخالفان، فعالان سیاسی و دموکرات‌های آزادیخواه که سودای انقلاب و انتقاد از جامعه و سیاست را در سر داشتند (سیاحت نامه ابراهیم بیگ) و در آخر دانشمندان و معلمان که کتاب احمد را وسیله تعلیم و تربیت و آموزش اجتماعی یافتند. از آن زمان تا کنون ترجمه ادبی در ایران به رغم افت و خیز پیوسته، همچنان جایگاه مرکزی را حفظ کرده است. به بیان دیگر، ترجمه در سراسر سده بیستم مبنای بسیاری از تحقیقات فلسفی، تأملات فرهنگی، فعالیت‌های اجتماعی و برنامه‌های سیاسی و ابزار اصلی آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های نو، مکاتب فکری و روندهای ادبی، و نیز از مؤلفه‌های لازم حرکت به سوی تجددگرایی بوده است. لذا ترجمه با اشتیاق و جدیتی بی‌سابقه در این دوره دنبال شده است.

میرعابدینی (۱۳۷۹، ص ۲۶۰) سیر تحول ترجمه ادبیات داستانی را در چهار دوره تاریخی - فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌دهد: از مشروطیت تا ۱۳۲۰؛ از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲؛ از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ و از ۱۳۵۷ تا امروز (۱۳۷۹).

از بهترین ترجمه‌های دوره نخست می‌توان از سرگذشت حاجی بابا اصفهانی (جیمز موریه) ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، اتلو مغربی (شکسپیر) ترجمه ابوالقاسم ناصرالملک قراگزلو و طیب اجباری (مولیر) ترجمه اعتمادالسلطنه نام برد.

۱. در آن زمان ترجمه به‌طور عمده از زبان‌های اروپایی و به‌ویژه فرانسه انجام می‌شد.

میرعابدینی تأثیر مهم ترجمه‌های دوره نخست بر ادبیات ملی را در دو مورد خلاصه می‌کند: ساده کردن نثر یا به قول جمالزاده دموکراسی ادبی و آشنا کردن ایرانیان با شکل ادبی نوینی بنام رمان.

در دوره دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲)، دو گرایش عمده داستان نویسی یکی متعهد به مسلک اجتماعی و دیگری متعهد به ساختار ادبی وجود داشت. ترجمه در این دوره به رشد داستان نویسی ایران کمک کرد. در کنار مضمون‌های نوینی که به ادبیات ملی راه یافت، ترجمه مسائل نظری درباره ادبیات سبب گسترش میدان دید نویسندگان ایرانی شد.

در دوره سوم (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷) پس از تحولات سیاسی اجتماعی کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه رمان رونق می‌یابد. ترجمه در این دوره برخلاف دوره قبل محدود به تعهدات مکتبی و حزبی نبوده بلکه وسیله پرکردن اوقات فراغت مردم بوده است. در این دوره شاهد ظهور زبان ترجمه‌ای می‌باشیم، زبانی با مشخصه ترکیبات بیگانه و عبارات‌های ناهنجار و بعضاً نامفهوم. تأثیر زبان ترجمه‌ای بر ادبیات ملی ما تألیف داستان‌ها و سرودن اشعاری است که ابهام و گسیختگی مطلب از ویژگی‌های بارز آن است.

در دوره چهارم (۱۳۵۷ تا امروز) یعنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و انقلاب فرهنگی ۱۳۵۸، ایران با سیاست‌گذاری‌های جدیدی در عرصه فرهنگ و خاصه ادبیات مواجه شد. ویژگی بارز این دوره تنوع و فراوانی آثار ترجمه شده است. در این دوره، «فضای ادبی، فضای گونه‌گونی‌ها و حرکت از تقابل‌ها و دوگانه دیدن‌های پیشین به سوی کثرت‌گرایی ادبی است» (میرعابدینی ۱۳۸۰، ص ۲۶۸). به‌طور کلی تأثیر ترجمه بر ادبیات بومی هم کوتاه مدت است و هم بلند مدت. کوتاه مدت از آن جهت که نویسندگان با تقلید از فرم و مضمون آثار ترجمه شده اقدام به نوشتن رمان‌ها و داستان‌های فارسی می‌کنند. میرعابدینی (۱۳۸۰، ص ۲۶۸) از تأثیر دراز مدت ترجمه آثار ادبی با عنوان «تأثیر‌پذیری خلاق» یاد می‌کند

و منظور او آن است که ادبیات ترجمه شده به تدریج ذهن نویسندگان و نظام ادبی را تغییر می‌دهد.

در سال‌های اخیر آثاری درباره جامعه‌شناسی ترجمه و تحلیل عوامل دخیل در تولید ترجمه در نظام ترجمه کشور انجام شده است. فریدی (۲۰۱۱) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود امکان بالقوه استفاده از نظریه نظام‌های چندگانه به مثابه روش تحقیق مقابل‌های در حوزه ادبیات ایران مورد بحث قرار داده است. به اعتقاد وی، نظریه نظام‌های چندگانه می‌تواند به بحث در مورد مقایسه ادبیات ترجمه شده و ادبیات تألیفی در سیستم ادبی ایران کمک کند. با این حال، مطالعه او بیشتر جنبه ادبی دارد تا جامعه‌شناختی. در عین حال، نتیجه مطالعه فریدی در مورد وابستگی نظام داستان نویسی تألیفی کشور به نظام داستان نویسی آثار ترجمه شده مهر تأییدی است بر بحران در نظام ادبی ایران که در مطالعه حاضر از دیدگاه جامعه‌شناختی مورد بحث قرار گرفته است.

در تلاش برای مطالعه عوامل اجتماعی دخیل در بازار ترجمه ادبی ایران، حدادیان مقدم (۲۰۱۲) موضوع عاملیت در بازار ترجمه ادبی ایران را مورد بررسی قرار داده است. وی عاملیت مترجمان و ناشران رمان‌های انگلیسی در ایران معاصر را با توجه به روند تصمیم‌گیری، انگیزه‌ها و عوامل کاهنده یا فزاینده عاملیت، مورد بررسی قرار داده است. مفاهیم بوردیویی میدان، سرمایه و تمایل^۱ و نیز دو اصل از نظریه کنشگر-شبکه (دنبال کردن کنشگران و نگاهت^۲) مبنای نظری او برای بررسی عاملیت در ترجمه و تولید رمان از انگلیسی به فارسی در نظام اجتماعی-ادبی ایران بوده که به صورت کتاب (۲۰۱۴) منتشر شده است.

می‌توان بیشتر تحقیقات انجام شده در مورد ارتباط ترجمه و تألیف ادبی را به دو سطح خُرد و کلان تقسیم کرد: بیشتر مطالعات خُرد تحقیقات زبان‌شناختی هستند اما تحقیقات کلان، رنگ و بوی جامعه‌شناختی دارند. اگرچه بر اساس این تقسیم

-
1. Disposition
 2. Inscription

بندی، تحقیق حاضر از نوع دوم به‌شمار می‌رود اما در عین حال موضوع و هدف آن متفاوت و جدید است. همان‌گونه که ماکس وبر می‌گوید، دانش جدید زمانی پدید می‌آید که با روشی جدید، به بررسی مشکلی جدید پردازیم. موضوع و هدف این پژوهش نه بررسی ارتباط ترجمه و تألیف بلکه واکاوی عوامل اجتماعی دخیل در نشر رمان در بازه مورد نظر است. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش جدید «تحلیل شبکه‌های اجتماعی» ابتدا به توصیف جایگاه ترجمه و تألیف رمان در ایران و سپس به نقد آن می‌پردازیم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دگرگونی نظام سیاسی در فروردین سال ۱۳۵۸، اقدامات عملی برای یک انقلاب فرهنگی با صدور فرمان امام خمینی (ره) در مورد تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، آغاز شد. این شورا مسئول تعیین خط مشی کلی و سیاست‌گذاری فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئول اجرای سیاست‌ها شد. در سال ۱۳۶۹ کشور درگیر جنگ تحمیلی و جامعه وارد شرایط اضطراری شد. پس از پایان جنگ، دولت تمام تلاش خود را برای بازسازی و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور آغاز کرد. در این دوره سیاست فرهنگی تحت مدیریت مستقیم نظام سیاسی غالب بود و لذا چاپ و نشر به حاشیه رانده شد. پس از گذشت بیش از یک دهه فراز و نشیب ناشی از جنگ و مشکلات اقتصادی-سیاسی، بازار نشر کتاب در دهه ۱۳۷۰ وارد شرایط مناسب‌تری شد (رنجیری، ۱۳۸۰). در واقع، در این زمان بود که زیرساخت‌های مورد نیاز برای دستیابی به استانداردهای انتشار کتاب آماده شد. در سال ۱۳۷۶، و پس از پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری، طیف وسیعی از اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آغاز شد. از نظر برخی تحلیلگران، انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری واکنشی اجتماعی و فرهنگی از سوی جوانان و طبقه متوسط بود که از سیاست‌گذاری‌های فرهنگی سختگیرانه پس از انقلاب اسلامی ناخشنود بودند (حدادیان مقدم، ۲۰۱۴). در این دوره رییس دولت، خود منادی و طراح

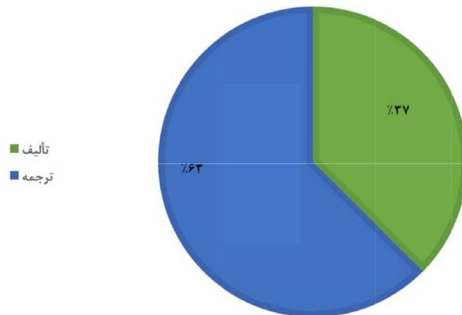
نظریهٔ «گفتگوی تمدن‌ها» به مثابه گفتمان رقیب برای نظریه «برخورد تمدن‌ها»ی هانتینگتون شد. فضای باز فرهنگی و برخورداری کشور از آزادی بیشتر پاسخی بود به مطالبات سیاسی و فرهنگی انباشته شده در طول سال‌های گذشته که منجر به رشد تولیدات فرهنگی، به‌ویژه در زمینه مطبوعات و کتاب شد. پس از پان‌دوم ریاست جمهوری خاتمی در سال ۱۳۸۴ و روی کار آمدن دولت اصولگرا بار دیگر فضای فرهنگی کشور دستخوش تغییر و تحول شد. اعمال سیاست‌های محافظه کارانه فرهنگی یکی از مشخصه‌های بارز این دوره از منظر مدیریت فرهنگی بود. به عنوان مثال، در حوزه سینما، وزیر فرهنگ وقت، توزیع و نمایش فیلم‌هایی را که به زعم او تبلیغ «سکولاریسم» و «فمینیسم» بود، ممنوع کرد (آتوود، ۲۰۱۶، ص ۱۶۶). البته حجم آثار چاپ شده در حوزه‌های مختلف از جمله ادبیات داستانی بیشتر شد و بعضاً آثاری که پیش‌تر موفق به دریافت مجوز نشده بودند مجوز چاپ گرفتند اما به‌طور کلی نظارت فرهنگی سخت‌گیرانه‌تر شد.

نگاهی گذرا و کلی نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی (از جمله نشر) در کشور تا حد زیادی تحت تأثیر گفتمان سیاسی-ایدئولوژیک غالب و نیز ارتباط هر دولت با موضوع فرهنگ است. البته عوامل دیگری نیز در سیاست‌گذاری فرهنگی نقش دارند که در فصل پایانی در قالب مدلی نظری ارائه می‌شود.

«بحران» در نظام ادبی ایران

اگر از منظر نظام‌های چندگانه به نظام ادبی جامعه‌ای مشخص بنگریم، همواره با نوعی تنش و پویا مدام میان عناصر تشکیل دهنده نظام ادبی یا یک خرده نظام برای دستیابی به جایگاه مرکزی و یا حفظ آن از یک سو و جلوگیری از قرارگرفتن در حاشیه یا ارتقای خود از جایگاه حاشیه‌ای، مواجه می‌شویم. به عبارت دیگر، همه عوامل دخیل تلاش دارند «مرکزیت» پیدا کنند و از حاشیه دور شوند. بر این اساس، خرده نظام‌های ادبیات تألیفی و ادبیات ترجمه‌ای به دلیل گرایش به مرکزیت نظام همواره در حال رقابت‌اند. همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم، از نظر ایون-ژهر

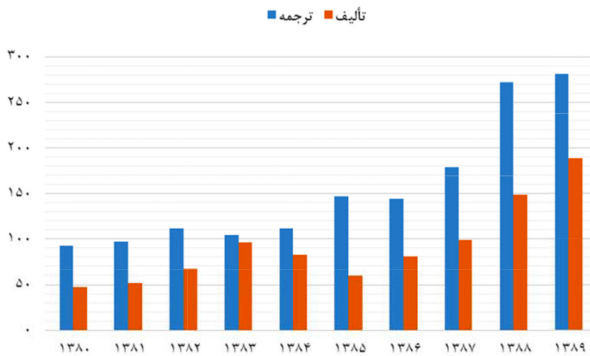
در هر نظام ادبی همواره ادبیات ترجمه شده جایگاه حاشیه‌ای و ادبیات تألیفی جایگاه مرکزی دارد، مگر در سه موقعیت خاص که قبلاً بیان شد. با توجه به فقدان پژوهشی بومی در مورد جایگاه مرکزی / حاشیه‌ای ادبیات تألیفی و ترجمه‌ای در ایران، در سال ۱۳۹۱ پژوهشی در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شد تا خلأ مزبور مرتفع شود. در تحقیق مزبور نسبت آثار تألیفی و ترجمه شده ۹ ناشر برتر ادبی کشور^۱ در حوزه ادبیات داستانی مورد بررسی قرار گرفت (خزاعی فر و اشرفی، ۱۳۹۱). نتایج آن پژوهش حاکی از مرکزیت کامل ادبیات داستانی ترجمه شده به نسبت ادبیات تألیفی در نظام چندگانه ادبی ایران بود. البته این تحقیق در بازه زمانی ده ساله دهه ۱۳۸۰ انجام شد. خزاعی فر و اشرفی (۱۳۹۱) این پدیده را نتیجه وجود «بحران مداوم» در نظام ادبیات داستانی کشور دانستند. پس از احتساب آمار و ارقام دقیق و بررسی مقابله‌ای این دو خرده‌نظام (نظام ادبی تألیفی و نظام ادبی ترجمه)، نتایج کمی و مقایسه‌ای این پژوهش با هدف شفاف‌سازی آماری در تحلیل و تبیین دقیق‌تر، در قالب شکل ۵ (برگرفته از خزاعی فر و اشرفی، ۱۳۹۱) ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، آمار کتاب‌های ترجمه شده، بیش از ۶۰٪ از کل آمار کتاب‌های منتشرشده در حوزه ادبیات داستانی طی دهه مورد تحقیق را به خود اختصاص می‌دهد:



شکل ۵- آمار کمی ادبیات داستانی تألیفی و ترجمه شده ناشران منتخب در دهه ۱۳۸۰

۱. نشرهای افق، ققنوس، نیلوفر، کاروان، نشر مرکز، نشر چشمه، قطره، مروارید و روشنگران

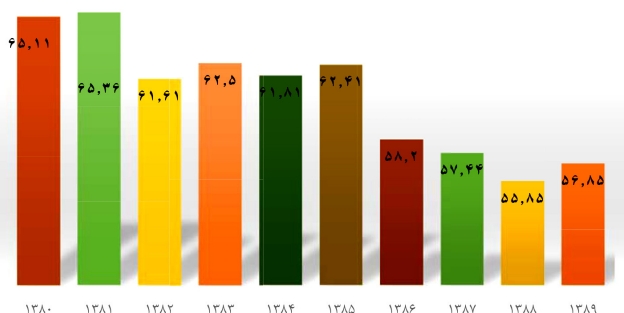
بر اساس اصل ارزش‌گذاری برابر همه انواع ادبی که در نظریه ایون-ژهر اهمیت دارد، تمامی انواع ادبی اعم از رمان، مجموعه داستان و داستان کوتاه در آمار لحاظ شده است. طبق شکل بالا، در دهه مورد نظر، ادبیات ترجمه شده جایگاه مرکزی را نظام ادبی ایران در اختیار داشته است. شکل ۶ (برگرفته از خزاعی فر و اشرفی، ۱۳۹۱) نشان می‌دهد که در سیر مقابله‌ای تألیف و ترجمه ادبیات داستانی در طول این دهه، ترجمه همیشه در جایگاه مرکزی و برتر از تألیف قرار داشته است.



شکل ۶- مقایسه کمی ادبیات داستانی تألیفی و ترجمه شده ناشران منتخب در دهه ۱۳۸۰

همان‌گونه که نمودارها نشان می‌دهند، برترین ناشران ادبی کشور نیز ادبیات ترجمه شده را بیشتر از ادبیات بومی و تألیفی چاپ کرده‌اند. البته براساس شکل ۶، در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ میزان ترجمه و تألیف به‌طور درخور توجهی به هم نزدیک شده‌اند. در عین حال با افت قابل توجه آثار تألیفی در سال ۱۳۸۵، تجربه همگرایی دو خرده‌نظام تألیف و ترجمه در نظام ادبی کشور در بازه مورد نظر تکرار نشده است. طبق آنچه قبلاً اشاره شد، خرده‌نظام ترجمه و به‌ویژه ترجمه ادبی به‌عنوان کالای فرهنگی وارداتی، همواره تحت تأثیر مستقیم نظام سیاسی-فرهنگی و ایدئولوژی غالب است. با توجه به نتایج به‌دست آمده (خزاعی فر و اشرفی، ۱۳۹۱)، در سال ۱۳۸۴، با روی کار آمدن دولت جدید، شاهد تغییر محسوس در عرصه سیاست‌گذاری‌های کلان کشور بودیم. با توجه به ارتباط نظام‌مند نظام‌ها و

خرده نظام‌ها، تغییر نگرش و سیاست‌گذاری نظام سیاسی - فرهنگی، منجر به تغییر در میزان مبادلات خارجی می‌شود که در شکل ۷ مشهود است:



شکل ۷- درصد داستان‌های ترجمه شده به کل داستان‌های منتشرشده ناشران منتخب (دهه ۱۳۸۰)

با در نظر گرفتن ارتباط خرده نظام‌های مختلف، از ابتدای دهه ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۴، سیاست خارجی کشور بر اساس اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، رابطه دوستانه با دیگر کشورها را در سرلوحه امور خود داشت. از آنجایی که سیاست خارجی هر کشور ریشه در جهان‌بینی آن دارد، این طرز تفکر بسیاری از نظام‌ها و خرده نظام‌ها از جمله نظام ادبی کشور را تحت تأثیر قرار داد. همان‌گونه که در شکل بالا می‌بینیم، تا سال ۱۳۸۴ و حتی یک سال پس از آن، آمار چاپ ترجمه رمان و به‌طور کلی ادبیات داستانی، به میزان قابل توجهی بیش از آثار تألیفی در این حوزه است. این در حالی است که با روی کار آمدن دولت جدید، هرچند چاپ آثار ادبی از نظر کمی رشد درخور ملاحظه‌ای دارد، اما میزان نشر آثار ترجمه شده کاهش یافته است. البته با در نظر گرفتن این موضوع که سیاست‌گذاری کلان نظام غالباً تمایل به بومی‌سازی دارد، این سیر تحول و توجه به ادبیات تألیفی تاحدودی توجیه پذیر است.

به گواهی آمار موجود میزان ادبیات ترجمه شده در ایران در دهه ۱۳۸۰ نسبت به ادبیات تألیفی بیشتر بوده است. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که در نظام

چندگانة ادبی در ایران، ادبیات ترجمه شده جایگاه مرکزی و ادبیات تألیفی جایگاه حاشیه‌ای دارد.

واقعیت فوق را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ در نظریة ایون-زُهر سه فرضیة اصلی درباره ادبیات ترجمه شده مطرح است. فرضیة اول که شالوده رویکرد نظام‌مند به ادبیات ترجمه شده را تشکیل می‌دهد، این نوع ادبیات را خُرده نظامی می‌بیند که با دیگر خُرده نظام‌ها ارتباط متقابل دارد. درباره این فرضیه میان محققان اختلاف نظر کمتری وجود دارد و با گسترش روزافزون مطالعات فرهنگی، محققان روز به روز بیشتر به ماهیت ادبیات و ادبیات ترجمه شده پی می‌برند و نقش عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی و دیگر خُرده نظام‌های موجود در جامعه را در تعیین کم و کیف آن بهتر درک می‌کنند. در ایران نیز رشد و انحطاط ادبیات تألیفی و ترجمه شده، هیچگاه بدون تأثیر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نبوده است؛ اما تاکنون در این باره یا تحقیق جامعی انجام نشده است و یا اگر تحقیقی انجام شده باشد رشد و انحطاط ادبیات (اعم از تألیفی یا ترجمه شده) را جدا از عوامل دخیل در آن بررسی کرده است؛ حال آنکه طبق نظر ایون-زُهر ادبیات ترجمه شده بخش پیوسته نظام چندگانة ادبی هر کشور به حساب می‌آید و نه بیگانه و بی ارتباط با عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دخیل در جامعه.

در فرضیة دوم، متون ترجمه شده در نظام چندگانة ادبی هر کشور جایگاه حاشیه‌ای دارند اما در یکی از شرایط زیر به جایگاه مرکزی ارتقاء می‌یابند:

- ۱) در شرایطی که ادبیات ملی («جوان/نویا») باشد؛
- ۲) در شرایطی که ادبیات ملی «ضعیف/حاشیه‌ای» باشد (مانند ادبیات اقلیت‌های نژادی، مذهبی و قومی تحت سیطره و هژمونی نظام حاکم)؛
- ۳) در شرایطی که در ادبیات ملی یک کشور خلأ ادبی یا بحران یا نقطه عطفی باشد.

شایان ذکر است که برخی از صاحب نظران با فرضیه دوم مخالف اند:

امروزه این تعبیر تاحدی خام به نظر می رسد، اینکه بگویم ادبیات یک ملت حاشیه‌ای یا ضعیف است، به چه معنا است؟ این تعبیرات، تعبیراتی ارزشی هستند و مشکلات متعددی برای محقق ایجاد می کنند. آیا می توان گفت که ادبیات فنلاند یا ایتالیا ضعیف است چون در این دو کشور ترجمه زیاد صورت می گیرد؟ برعکس، آیا می توان گفت انگلستان از حیث ادبیات قدرتمند است چون در این کشور ترجمه بسیار کم است؟ این معیارها ادبی هستند یا سیاسی؟ (بسن، ۱۹۹۸، ص ۱۲۷)

در عین حال برخی از صاحب نظران با واژه‌های انتخاب شده توسط ایون-ژهر همدلی دارند. به عقیده چانگ (۲۰۱۱)، واژه‌های «حاشیه‌ای»، «جوان» و «ضعیف» واژه‌هایی خنثی هستند، درباره ادبیات ملی کشورها داوری ارزشی نمی کنند و برای مقایسه وضعیت کشورها با یکدیگر به کار نمی روند بلکه وضعیت هر کشور را در محدوده نظام چندگانه ادبی آن کشور تبیین می کنند. این تعبیرها بیانگر این حقیقت هستند که آنچه در نظام ادبی یک کشور تولید می شود، پاسخگوی نیاز نیست و بنابراین، نظام ادبی به نظام خارجی متوسل می شود تا نیاز خود را برآورده کند. با وجود این، چانگ می پذیرد که در انتخاب این واژه‌ها و تعابیر باید دقت بیشتری صورت می گرفت.

ادبیات ایران را نمی توان «ضعیف» دانست زیرا ایران به‌ویژه در قرون پس از اسلام صاحب ادبیاتی غنی بوده است. در عین حال، واقعیت این است که توانمندی و درخشش ادبیات ایران بیشتر در حوزه شعر بوده است تا نثر. همانطور که کریستف بالائی (۱۳۷۷) می گوید اساساً قبل از ورود آثار ترجمه شده به عرصه ادبی ایران در دوران قاجار، شعر در جایگاه مرکزی نظام چندگانه ادبی بوده است و مقام دوم در این نظام چندگانه به نثری اختصاص داشته که ویژگی‌های شعری داشته است: نه آن نثری که امروزه ما آن را با عنوان «نثر توضیحی» می شناسیم. این نوع نثر که ارزش

ادبی چندانی برای آن قائل نبوده‌اند، در حاشیه نظام ادبی قرار داشته است؛ بنابراین، می‌توان گفت که هنگام مواجهه با نظام ادبی غرب، نظام ادبی ایران نه از نظر سابقه ادبی، بلکه از حیث تنوع صورت‌های ادبی ضعیف بوده است. طبیعتاً ادبیات موجود پاسخگوی نیاز نسلی نبوده که با دنیای غرب مواجه شده بوده است و مترجمان به تشخیص خود و نیز به ضرورت بازار، به ترجمه متون خارجی روی می‌آورده‌اند. لذا می‌توان گفت که ادبیات ملی از حیث تنوع صورت‌های ادبی، ضعیف بوده است. البته نظام ادبی تا پیش از عصر قاجار دچار خلأ نبوده و ضرورتی برای صورت‌های ادبی دیگر احساس نمی‌شده است زیرا خلأ در زمان مقایسه ادبیات مبدأ با ادبیات کشورهای دیگر احساس می‌شود.

ادبیات ملی و ادبیات ترجمه شده در قلمرو تولید و عرضه از امتیازات یکسان برخوردار نیستند؛ از این رو، طبیعی است که ناشران به ادبیات ترجمه شده بیشتر التفات کنند زیرا هم کم خطرتر و هم فراوان‌تر است. هنگامی که ادبیات ترجمه شده با بسامد فراوان در اختیار خواننده قرار بگیرد ذائقه او را شکل می‌دهد و خواننده به تدریج بیشتر به ادبیات ترجمه شده رغبت نشان می‌دهد تا ادبیات تألیفی. در وضعیتی که تولید ادبیات ملی با مشکل روبه‌رو باشد، نویسندگان و ناشران رغبت کمتری به تولید آن نشان می‌دهند و حتی گاه ادبیات تألیفی به نام «ترجمه» منتشر می‌شود، پدیده عجیبی که در تاریخ معاصر ادبی ایران بی سابقه نبوده است.

اکنون بیش از صد و پنجاه سال از ورود ترجمه ادبی به ایران می‌گذرد و میزان ترجمه آثار ادبی همچنان از میزان تألیف آثار ادبی بیشتر است. علت چیست؟ همان‌گونه که قبلاً بیان شد، به نظر خزاعی فر و اشرفی نظام ادبی ایران دچار بحران است و نشانه آن جایگاه برتر و میزان بیشتر ترجمه ادبی نسبت به تألیف ادبی است. بی‌تردید عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در این بحران نقش دارند؛ اما شاید بتوان گفت «سیاست» مهم‌ترین عامل این «بحران مداوم» است. تعبیر «بحران مداوم» در نظام ادبی ایران را از یک نظر می‌توان شبیه به تعبیر «در

حال توسعه» دانست: به نظر می‌رسد برخی کشورها همیشه «در حال» توسعه‌اند و هیچ‌گاه به جایگاه «توسعه‌یافته» نمی‌رسند.

ساده‌انگاری است اگر سیاست را تنها عامل عقب‌ماندگی ادبیات ملی بدانیم. روحیه‌روشنفکران و اهل قلم و تمایل آنان به ترجمه آثار ادبی به‌مثابه ابزار «تشخیص» و «دگربودگی» بر ادبیات ملی ما تأثیرگذار بوده است؛ حتی شاید نتوان تمایل به تشخیص و دگربودگی را به روشنفکران و اهل قلم محدود کرد بلکه بتوان آن را از خصلت‌های فرهنگی ایرانیان دانست. تا زمانی که خواننده و ناشر به اختیار یا به اجبار، ترجمه ادبی را بر تألیف ادبی ترجیح دهند، دچار بحران خواهیم بود. بی‌تردید بسیاری از کشورها ادبیات ملی خود را در مقایسه با ادبیات خارج از مرزهای خود ضعیف‌تر می‌دانند؛ اما همه کشورها برخورد یکسانی با این پدیده ندارند. این مشکل را چگونه باید حل کرد؟ قدم نخست برای حل هر مشکلی، واکاوی و شناخت عوامل دخیل در بروز آن است. حل مشکل وضعیت حاشیه‌ای ادبیات ملی و جایگاه مرکزی ادبیات ترجمه شده نیز از این قاعده مستثنا نیست. لذا به نظر می‌رسد باید این مشکل فرهنگی را از منظر مطالعات کلان‌نگر فرهنگی مورد واکاوی قرار داد، سهم عوامل مختلف دخیل در بروز آن را مشخص کرد و نسبت به رفع آن‌ها اقدام نمود. در همین راستا، پژوهش حاضر با اتخاذ نگاهی ملی و بومی به توصیف و آسیب‌شناسی وضعیت نظام ادبی کشور در حوزه رمان در بازه زمانی مورد اشاره و با استفاده از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی انجام شده است. آشنایی با تاریخچه ظهور و توسعه این روش و استفاده از آن موضوع فصل بعد است.

فصل سوم
تحلیل شبکه‌های اجتماعی

مقدمه

یکی از مسائل مهم در تحلیل‌های جامعه‌شناختی بررسی الگوهای روابط عناصر مختلف جامعه مانند روابط بین افراد، نهادها، سازمان‌ها، گفتمان‌ها و غیره است. روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی^۱ با هدف تحلیل این روابط از دهه ۱۹۴۰ ابتدا در انسان‌شناسی و بعدها در جامعه‌شناسی آمریکایی و کانادایی توسعه یافت (ولمن، ۱۹۹۸). ولمن و برکوویتز (به نقل از باستانی و رئیس، ۱۳۹۰) تحلیل شبکه و تحلیل ساختاری را تقریباً مترادف می‌شمارند و معتقدند که ساختارگرایی باعث ایجاد تغییرات زیاد در جامعه‌شناسی و دور شدن از سنت‌های فلسفی و روان‌شناختی شده است. البته آن‌ها تحلیل شبکه را از جهات زیادی با ساختارگرایی غالب در جامعه‌شناسی (نگاه اشتراوسی) متفاوت می‌بینند. در این نگاه ساختارها موجودیتی مستقل و ورای افراد یا ساخت‌های ذهنی یا فرهنگی ندارند بلکه در روابط بین افراد جامعه تعیین و تبلور می‌یابند. این نوع نگاه به ساختار آن‌ها را تا حدودی از جامعه‌شناسی کلان، دور و به جامعه‌شناسی خرد، نزدیک می‌کند. در عین حال، آنان از نگاه خردنگر (مانند نظریه کنش متقابل) و روان‌شناختی به جامعه نیز خودداری می‌کنند و معتقدند این کار را باید به روان‌شناسی واگذار کرد. «از دیدگاه

1. Social network analysis (SNA)

تحلیل شبکه، جزء اصلی ساخت اجتماعی، نوعی گروه در حال کارکرد است که با شبکه تعاملی خود در زمان و مکان جاری است. چرا که این نوع واحدها هستند که عینیت دارند و حائز نوعی منزلت هستی‌شناختی می‌باشند» (چلبی، ۱۳۷۳). در این کتاب، روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی از منظر روش‌شناختی مورد استفاده قرار گرفته است تا در وهله نخست دید مناسبی نسبت به ساختار رابطه‌های حاکم در شبکه‌های نشر در اختیار ما بگذارد و در وهله دوم تغییر رابطه‌های بینافردی را نشان دهد.

تعریف شبکه

شبکه عبارت است از گروه یا مجموعه‌ای از افراد یا چیزهای مرتبط است. به بیان ریاضی، شبکه اجتماعی یک گراف است که در آن هر شرکت کننده در شبکه «کنشگر» خوانده می‌شود و با یک گره در شبکه نمایش داده می‌شود. کنشگرها می‌توانند افراد، سازمان‌ها، گروه‌ها یا هر مجموعه‌ای از موجودات مرتبط با هم باشند. ارتباطات میان کنشگرها با پیوند میان گره‌های متناظر نمایش داده می‌شود. بدین ترتیب، تحلیل شبکه اجتماعی به ما کمک می‌کند الگوهای موجود در نهادهای مرتبط را، تجسم و بررسی کنیم.

در تحلیل شبکه اجتماعی، بررسی روابط و پیوندهای میان اعضای شبکه مهم‌تر از بررسی ویژگی‌های درونی اعضای شبکه (مثلاً مردم یک جامعه) است، در حالی که در روش‌های قدیمی‌تر تحقیق در علوم اجتماعی (مانند پیمایش)، محقق بیشتر به افراد و ویژگی‌های آنان (جنسیت، سن، درآمد، ...) توجه می‌کند.

لامان و همکاران (۱۹۸۳) شبکه را از دو دیدگاه واقع‌گرا و اسم‌گرا تعریف می‌کنند. از دیدگاه واقع‌گرایان، یک شبکه ارتباطی «واقعی»، وجود خارجی دارد و رسالت محقق کشف شبکه ارتباطی است. اسم‌گرایان، با اتخاذ موضع پیچیده‌تر

-
1. Realist
 2. Nominalist

نسبت به ماهیت شبکه، بر این باورند که هر سوال ارتباطی (مثلاً «با چه کسی دوست هستید؟») یا «با چه کسی مشورت می‌کنید؟») شبکه خاص خود را تولید می‌کند؛ این که از کدام تعریف از شبکه استفاده کنیم به سوال تحقیق بستگی دارد.

روابطی را که نظریه پردازان شبکه در عمل بر آن‌ها تأکید می‌کنند می‌توان به دو نوع اساسی تقسیم کرد: حالت‌ها و رویدادها (جدول ۲). حالت‌ها در طول زمان پیوسته‌اند، نه بدان معنا که دائمی‌اند بلکه به این معنا که از نظر شدت و مدت، پایدار و قابل اندازه‌گیری هستند، مانند روابط خویشاوندی (پدر و مادر)، روابط نقش‌مند (دوستی یا ریاست)، روابط شناختی/ادراکی (شناخت یا کسب مهارت) روابط عاطفی (محبت یا نفرت). در مقابل، ارتباطات رویدادی دارای ماهیتی گسسته و گذرا هستند و می‌توانند در دوره‌های زمانی اندازه‌گیری و یا شمارش شوند، مانند مبادلات ایمیلی، مکالمات تلفنی، معاملات (خرید و فروش) یا معاهدات (امضای قرارداد). وقتی محققان شبکه‌ها را «الگوی ارتباطی تکرارپذیر» می‌نامند بیشتر روابط رویدادی را مدنظر دارند (ابرس، ۱۹۹۷؛ دویینی و آلد ریچ، ۱۹۹۱).

جدول ۲- انواع رابطه در شبکه

روابط رویدادی	روابط حالتی
تعاملات (مشورت دادن، نامه نوشتن، امضای قرارداد، انجام معامله)	- روابط خویشاوندی - روابط نقش‌مند - روابط شناختی - روابط احساسی

تاریخچه شکل‌گیری تحلیل شبکه

بیش از یک قرن است که شبکه اجتماعی به معنای مجموعه روابط پیچیده میان افراد در تمامی مقیاس‌ها، از روابط بین‌فردی تا بین المللی، مورد استفاده بوده است. در سال ۱۹۴۵ بارنز برای نخستین بار به صوت قاعده‌مند از اصطلاح تحلیل شبکه‌های اجتماعی برای شناختن الگوهای ارتباطی گروه‌های محدود (قبایل و

خانواده‌ها) و طبقات اجتماعی (جنسیت و قومیت) استفاده کرد. واحد تحلیل در تحلیل شبکه، «رابطه» است، مانند رابطه فامیلی بین دو نفر، رابطه همکاری بین افراد یک اداره، ساختار دوستی بین اعضای یک گروه کوچک و غیره. ویژگی مهم رابطه، الگوی آن است که با جنس، سن، دین، درآمد و... ارتباطی ندارد. این ویژگی‌ها می‌توانند خصوصیات هریک از افراد باشند نه رابطه بین آن‌ها. بنابراین، در این تحلیل‌ها نمی‌توان از تکنیک‌های اندازه‌گیری روش‌های موجود استفاده کرد. به نظر ولمن «در واقع آنچه تحلیل‌های ساختاری را متمایز می‌کند روش‌های تحقیق نیست، بلکه شیوه خاصی است که محققان با آن‌ها سؤالاتی را طرح می‌کنند و به دنبال پاسخشان هستند» (ولمن، ۱۹۸۸، ص ۳۹). تحلیل شبکه اجتماعی اقدامی بینارشته‌ای است که مفاهیم آن حاصل تلفیق نظریه اجتماعی با روش‌شناسی کمی (آمار و ریاضی) است. مفاهیم اساسی تحلیل شبکه مانند رابطه، شبکه و ساختار منحصر به رشته خاصی نیست و برآیندی از مطالعات در رشته‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، علوم ارتباطات اجتماعی، مهندسی کامپیوتر، ریاضیات و غیره است.

گسترش و تقویت تحلیل شبکه‌های اجتماعی به شکل امروزی مرهون تلاقی رشته‌های مختلف در یک فرایند تاریخی پیچیده است که گاهی اوقات هم‌بسته بوده و گاه به راه‌های جداگانه و متفاوتی رفته‌اند. در این ارتباط، رضانی و میرزا محمدی (۱۳۹۲) سه سنت اصلی را ذکر می‌کنند. اول، تحلیل‌گران جامعه‌شناسی که در گروه‌های کوچک کار می‌کردند و با استفاده از نظریه گراف به بسیاری از پیشرفت‌های نرم افزاری دست پیدا کردند؛ دوم، محققان هاروارد که از دهه ۱۹۳۰ الگوهای روابط بینافردی و شکل‌گیری خرده‌گراف‌ها و ارتباط مستقیم‌گره‌ها در آنها را که اصطلاحاً «کلیک»^۱ نامیده می‌شوند، مورد بررسی قرار دادند؛ و سوم، انسان‌شناسان منچستر، که ساختار روابط جامعه در جوامع قبیله‌ای و روستایی را

بررسی می‌کردند و در نهایت در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، درهاروارد به هم رسیدند و تحلیل شبکه‌های اجتماعی به شکل امروزی را شکل دادند.

اصطلاح تحلیل شبکه‌های اجتماعی در دهه ۱۹۵۰ ساخته شد، اگر چه ایده شبکه اجتماعی از مدت‌ها قبل وجود داشت. بارنز از اصطلاح «شبکه اجتماعی» برای نشان دادن الگوها در شبکه‌های اجتماعی مختلف و تحلیل گروه‌ها و یا خوشه‌بندی رفتاری اعضا گروه‌ها استفاده می‌کرد. پیشگامان تحلیل شبکه تونیس (۱۸۵۵-۱۹۳۶) و دورکیم (۱۹۱۷-۱۹۵۸) بودند. تونیس (۱۹۳۶-۱۸۵۵) بیشتر به گروه‌های اجتماعی و ارتباطات بین افراد تمایل داشت؛ اما دورکیم بیشتر در پی یافتن الگوهای جامعه بود و میان «همبستگی مکانیکی» که در آن تفاوت‌های فردی به حداقل می‌رسد و «همبستگی ارگانیک» یا توسعه مبتنی بر همکاری افراد مختلف، تمایز قائل بود. برای مدت طولانی، اغلب مطالعات بر روی شبکه‌های کوچک تمرکز داشتند، اما در دهه ۱۹۳۰، مورنو (۱۹۳۴) ثبت و تجزیه و تحلیل تعاملات اجتماعی را در گروه‌های کوچک آغاز کرد، در حالی که وارنر و مایو درهاروارد شروع به کشف روابط بینافردی کارکنان کردند. وارنر و مایو که فقط به مشاهده افراد بسنده می‌کردند چیزی را کشف کردند که از آن با تعبیر «سازمان غیررسمی» در یک سازمان نام بردند، ساختاری اجتماعی که به ارگانیزم وابسته نیست ولی به تولید کارکنان کمک می‌کند (بورگاتی و همکاران، ۲۰۰۹؛ اسکات، ۲۰۰۰، و یکی پدیا، ۲۰۱۱، جلد ۱۱، ۲۰۱۱).

تحلیل شبکه‌های اجتماعی عبارت است از بررسی و ارزیابی ساختارهای یک شبکه اجتماعی و ارائه آن در قالب یک گراف با خطوط ارتباطی متصل به یکدیگر. خطوط ارتباطی در گراف می‌توانند هر نوع رابطه‌ای را نشان دهند، مانند رابطه دوستی، انتقال ویروس بیماری، رابطه ارسال و دریافت پیام و پیامک، تبادل نظر در زمینه رای دادن در انتخابات، رابطه ارسال و دریافت بسته‌های اطلاعاتی و یا هر نوع رابطه دیگر. تحلیل شبکه‌های اجتماعی با استفاده از دانش ریاضی و

نظریه گراف، شکلی بسیار علمی و ساختارمند به خود گرفته است. روش تحلیل شبکه در پژوهش‌های اجتماعی به عنوان پارادایمی مستقل قلمداد می‌شود چرا که روش‌های پیشنهادی آن مبتنی بر نظریه‌ای خاص و نیز مفروضات هستی‌شناختی و روش‌شناختی خاص و کاملاً میان‌رشته‌ای است.

مبانی نظری تحلیل شبکه

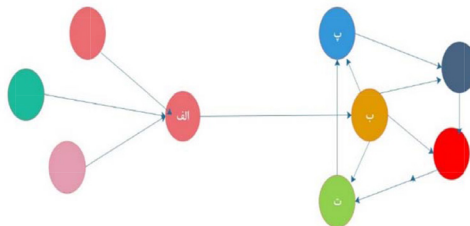
در این بخش به معرفی و تبیین ویژگی‌های دو نظریه شناخته شده در تحلیل شبکه می‌پردازیم: نظریه گرانووتر (۱۹۷۳) به نام نظریه قدرت پیوندهای ضعیف^۱ و نظریه بارت (۱۹۹۲) به نام نظریه حفره ساختاری^۲. گرانووتر میان پیوندهای قوی (مانند روابط میان دوستان نزدیک و صمیمی) و پیوندهای ضعیف یا سست (یعنی روابط میان آشنایان دورتر) تمایز قائل می‌شود. به اعتقاد او «معمولاً در جامعه‌شناسی بر پیوندهای قوی تأکید و ارتباطات میان آشنایان دورتر (پیوندهای ضعیف) کم اهمیت شمرده می‌شود. ولی به باور گرانووتر این گونه نیست و پیوندهای ضعیف نیز می‌توانند مهم باشند.» پیوندهای ضعیف به این دلیل مهم‌تر هستند که می‌توانند بیشتر از پیوندهای قوی به مثابه پل ارتباطی میان گروه‌های مختلف عمل کنند.

به نظر گرانووتر (۱۹۸۳) انسجام گروه‌های مختلف در یک نظام اجتماعی به پیوندهای ضعیف آن بستگی دارد و نه پیوندهای قوی، زیرا پیوندهای اجتماعی ضعیف، حلقه‌های آشنایی را در جامعه گسترش داده و موجبات تعامل گروه‌های مختلف با یکدیگر را فراهم می‌آورند. بر این اساس، گرانووتر استدلال می‌کند که پیوندهای ضعیف برای انسجام افراد در جامعه مدرن اهمیت حیاتی دارند. مجموعه افرادی که به عنوان آشنایان، پیرامون یک فرد جمع می‌شوند یک شبکه سست را تشکیل می‌دهند، ولی مجموعه‌هایی که شامل فرد و دوستان نزدیک او می‌شوند با تراکم و شدت زیادی به هم می‌پیوندند و شبکه‌ای را تشکیل می‌دهند که

-
1. Strength of weak ties (SWT)
 2. Structural holes (SH)

بیشتر خطوط رابط آن آشکار است. این بدین معناست که پیوندهای اجتماعی در یک شبکه بسته، محدود و مشخص است و از این رو فقدان پیوندهای اجتماعی ضعیف، گستره شبکه را محدود کرده و افراد داخل آن را به انزوا می‌کشاند. وجود پیوندهای ضعیف، هم در سطح خُرد و هم در سطح کلان، تأثیرات عمده‌ای به دنبال دارد: از نظر فردی، این پیوندها منبع مهمی برای تحرک اجتماعی هستند؛ اما در سطح کلان، می‌توان استنباط کرد که نظام‌های اجتماعی که پیوندهای ضعیف ندارند به تجزیه و ازهم گسیختگی میانجامند. از این نظر، پیوندهای ضعیف برای ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی مهم‌اند. (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱)

نظریه اساسی دیگر در تحلیل شبکه‌های اجتماعی، نظریه حفره‌های ساختاری رونالد بارت (۱۹۹۲) است. منظور بارت از حفره ساختاری، شکاف بین دو گره است که منابع اطلاعاتی مکمل یکدیگر را در شبکه دارند. او نخستین بار این مفهوم را برای توضیح چرایی تفاوت در میزان سرمایه اجتماعی افراد به کار برد. بر اساس این نظریه، سود و زبانی که افراد به واسطه جایگاه‌شان به دست می‌آورند به عواملی مانند اطرافیان (در شبکه) و دیگر ساختارهای اجتماعی بستگی دارد.

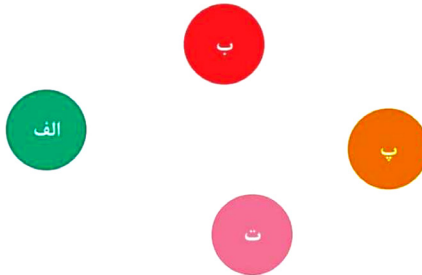


شکل ۸- پیوند ارتباطی بین اعضای شبکه

مفاهیم کلیدی در تحلیل شبکه

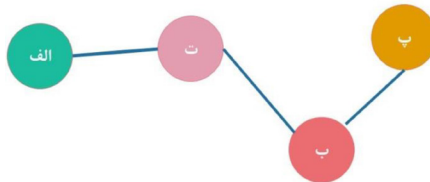
در تحلیل شبکه نیز مانند سایر علوم، برخی مفاهیم نقش کلیدی در تبیین و درک موضوع دارند. لذا برای کمک به درک مشترک و درست از مفاهیم مزبور ضروری است ابتدا آنها را تعریف می‌کنیم.

بازیگر (کنشگر، گره یا حلقه): به فردی اطلاق می‌شود که می‌تواند با سایر افراد ارتباط برقرار کند، مانند هر یک از عناصر شبکه در شکل ۹.



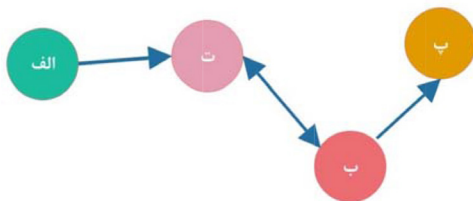
شکل ۹- بازیگران (گره‌های) شبکه

پیوند (رابطه، لبه): عبارت است از رابطه مشخص و خاص بین دو کنشگر و می‌تواند به رابطه‌ای مانند «رفتن به مدرسه یکسان» یا «علاقه به فوتبال» نیز اطلاق شود. پیوندها می‌توانند غیرجهت‌دار باشند (شکل ۱۰) مانند «رفتن به مدرسه یکسان» که به معنای رخدادی یکسان برای همه دانش‌آموزان (بازیگران) آن مدرسه است، اگرچه دانش‌آموزان (بازیگران) از مسیرهای متفاوت به طرف مدرسه می‌روند.



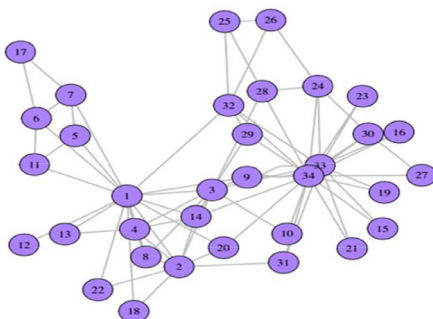
شکل ۱۰- روابط غیر جهت‌دار در شبکه

روابط همچنین می‌توانند جهت‌دار باشند؛ و جهت‌داری نیز می‌تواند یک‌سویه یا دوسویه باشد (شکل ۱۱):



شکل ۱۱- روابط جهت‌دار در شبکه

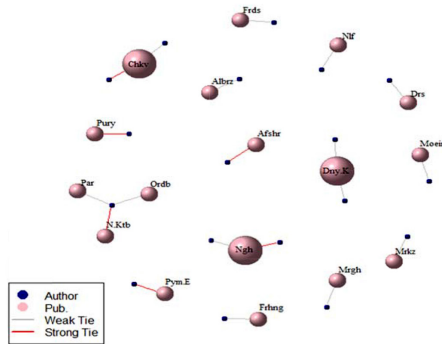
شبکه: عبارت است از مجموعه‌ای از بازیگران و روابط بین آن‌ها (شکل ۱۲).



شکل ۱۲- شبکه روابط دوستانه بین اعضای یک مجموعه

گراف: برآیند مجموعه‌ای از خطوطی که نقاطی را به یکدیگر متصل می‌کنند، گراف نامیده می‌شود (شکل ۱۳). نظریه گراف شامل مجموعه‌ای از اصول بدیهی و فرمول‌های ریاضی است که خصوصیات الگوهای حاصل از پیوندها را توصیف می‌کند (اسکات، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۴). یکی از انواع خاص گراف، گراف دو وجهی است (کولاژیک و کاردی، ۲۰۱۴: ۲۶-۲۷) که ماتریس مستطیلی و ماتریس وقوع^۱ نیز نامیده شده و در آن به‌رغم گراف‌های مرسوم، ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس

بیانگر دو مجموعه داده متفاوت هستند (اسکات، ۱۳۹۶: ۷۶). ماتریس‌های تحلیل شده در این پژوهش از این نوع هستند، با این توضیح که گره‌ها از دو جنس متفاوت هستند که در شبکه ترجمه عبارت‌اند از ناشران و مترجمان، و در شبکه تألیف عبارت‌اند از نویسندگان و ناشران. شکل زیر نمونه‌ای از گراف‌های حاصل از این پژوهش است. نقاط صورتی رنگ نماد ناشران و نقاط آبی نماد نویسندگانی هستند که با ناشران خاصی همکاری کرده‌اند و گراف، برآیند تعامل و روابط عوامل مزبور است.

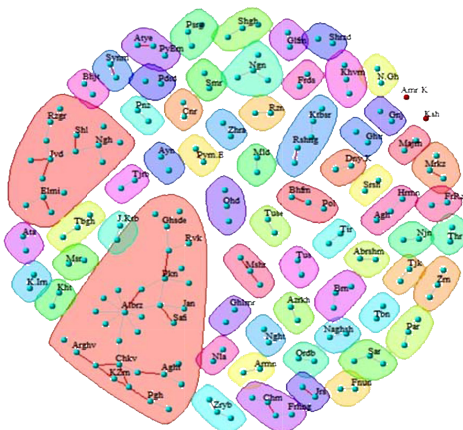


شکل ۱۳- نمونه یک گراف

خرده گراف: مجموعه‌ای از گره‌ها که از گراف کلی یک شبکه انتخاب و از طریق پیوندهایی به یکدیگر مرتبط شده‌اند، خرده گراف نامیده می‌شود (شکل ۱۴)؛ مانند تقسیم و تفکیک اعضای یک شبکه از نظر جنسیت و تحقیق در خصوص خرده گروه زنان و مردان به طور جداگانه (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۲۸) که حاصل آن خرده گرافی از روابط اعضای شبکه جنس مذکر و جنس مونث خواهد بود. نمونه‌های خرده گراف در پژوهش حاضر، خوشه‌های روابط شبکه‌ای بین ناشران و مترجمان/نویسندگان (پیوست ۳) هستند.

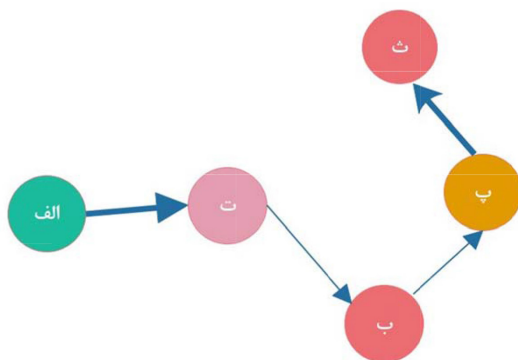
همان گونه که در شکل ۱۴ پیداست، برخی ناشران و نویسندگان به سبب ارتباط مشترک در خوشه‌های مشترکی قرار گرفته‌اند و خرده گراهایی شکل گرفته‌اند. پیوندهای وزن دار: اعضای شبکه می‌توانند هم‌زمان با بازیگران مختلف در شبکه

ارتباط داشته باشند، ولی شدت ارتباط آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد. برای مثال، در



شکل ۱۴- نمونه‌های خرده‌گراف در یک گراف

شکل ۱۴، ضخامت خطوط ارتباطی بدین معناست که «الف» و «ب» طرف‌های خود، یعنی «ت» و «ث»، را خیلی دوست دارند، اما رابطه دوستی «ت» با «ب» و «ب» با «پ» عادی است.

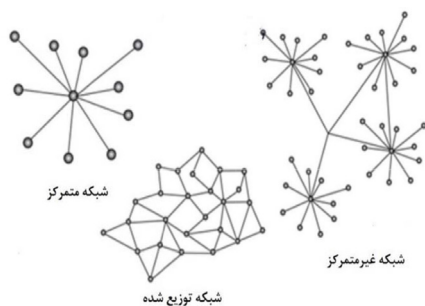


شکل ۱۵- پیوندهای وزن‌دار در شبکه

اکنون می‌توان ویژگی‌های شبکه، یا زبان تجزیه و تحلیل شبکه، را ذکر کرد. این ویژگی‌ها از آن جهت اهمیت دارند که در تمام تعاملات و روابط موجب تحریک

ساختار می‌شوند و می‌توانند بر چگونگی عملکردها در شبکه تأثیرات عمیق داشته باشند.

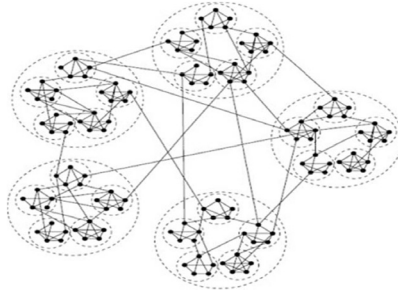
مرکزیت (درجه‌ای، بینایی، نزدیکی، بُردار ویژه): مرکزیت معیار اندازه‌گیری ناهمگونی نمره مرکزیت هر بازیگر در شبکه است. این مقدار می‌تواند صفر باشد، یعنی هر بازیگر به همان اندازه مورد نظر، در مرکزیت است، یا یک باشد، یعنی یک گره یا کنشگر از بیشترین میزان مرکزیت برخوردار است و سایر گره‌ها از مرکزیت کمتر. این اندازه‌گیری ابزار خوبی است برای تعیین تعداد بازیگران قدرتمند یا مهم و یا تعیین اینکه قدرت/اهمیت به‌طور یکنواخت در شبکه توزیع شده یا خیر (وارد و همکاران، ۲۰۱۱). مزیت دیگر این معیار این است که به کمک آن می‌توان نحوه شکل‌گیری شبکه‌های گوناگون را بر اساس میزان و نوع مرکزیت آنها رصد کرد. شکل ۱۶ (برگرفته از دنی ۲۰۱۴) متداول‌ترین انواع شبکه را نشان می‌دهد:



شکل ۱۶- انواع شبکه

ضریب خوشه‌بندی شبکه: این ضریب، معیار اندازه‌گیری میزان تمایل بازیگران به برقراری پیوند با یکدیگر در گروه‌های متراکم است. این ضریب، چرایی خوشه‌بندی شبکه یعنی علت تمایل برخی گره‌ها به برقراری ارتباط با یکدیگر را مشخص نمی‌کند. درجه خوشه‌بندی در یک شبکه، مانند شکل ۱۷ (برگرفته از کیسار و همکاران، ۲۰۰۷)، می‌تواند اطلاعاتی درباره نحوه و میزان توزیع اطلاعات در شبکه و نیز وجود اعتماد و اطمینان بین گره‌ها را در اختیار محقق بگذارد (لاتورا

و مارچیوری، ۲۰۰۱؛ نیومن، ۲۰۰۳؛ سوری و واتس، ۲۰۱۱؛ میسون و واتس، ۲۰۱۲).



شکل ۱۷- نمونه‌ای از خوشه‌بندی شبکه

هموفیلی: هموفیلی^۱ فرایندی است که در آن بازیگرانی که ویژگی خاص و مشابهی دارند، به احتمال زیاد با هم پیوند تشکیل می‌دهند. این موضوع در بیش از ۱۰۰ مطالعه تجربی تأیید شده است (ایبارا، ۱۹۹۲؛ مک پرسون و همکاران، ۲۰۰۱، سنتولا و همکاران، ۲۰۰۷؛ گوریو و همکاران، ۲۰۰۹؛ کاسینت و واتس، ۲۰۰۹؛ مک دونالد، ۲۰۱۱). این فرایند مبنایی برای اصطلاح «کیوتر با کیوتر، باز با باز» است. یک مثال کلاسیک از مطالعات جامعه‌شناختی هموفیلی در نژاد، در شکل ۱۸ (برگرفته از (مودی، ۲۰۰۱) ارائه شده است^۲. بر عکس هموفیلی، هتروفیلی^۳ است، فرایندی که به موجب آن بازیگرانی که ویژگی‌های متمایز دارند، بیشتر احتمال دارد با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

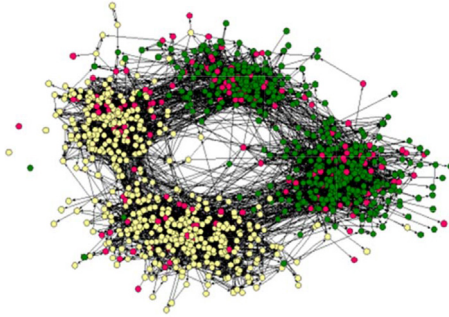
ماژولاریتی: شناسایی و استخراج اجتماعات یکی از چالش‌ها در تجزیه و تحلیل شبکه‌های پیچیده است. از شناسایی اجتماعات برای تحلیل ویژگی‌های ساختاری یک شبکه پیچیده استفاده می‌شود (نیومن، ۲۰۰۶؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ کور و نیومن، ۲۰۱۱).

1. Homophily

۲. پیوند گروه‌ها بر مبنای رابطه دوستی بین آن‌ها و بر اساس نژادشان رنگ بندی شده است و دو گروه مجزا را شکل می‌دهد.

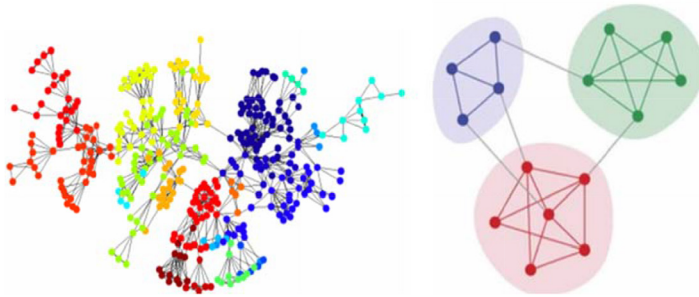
گروه‌های اقلیت با رنگ قرمز نشان داده شده‌اند.

3. Hetrophily



شکل ۱۸- هموفیلی نژادی در شبکه رفاقت در دبیرستان

برای مثال، می‌توان با گروه‌بندی مشتریان پایگاه‌های خرید اینترنتی که ویژگی‌های یکسان مانند علاقه، رده سنی، جنسیت و موقعیت جغرافیایی دارند، به ارائه‌کنندگان خدمات آنلاین و صاحبان صفحات وب کمک کرد تا خدمات خود را بهبود داده، دایره مشتریان را گسترده‌تر کرده و سامانه‌های قوی ایجاد کنند. شکل ۱۹ (برگرفته از پورتر و همکاران، ۲۰۰۹) نمونه‌ای از ساختار روابط بین نویسندگان مقالات را نشان می‌دهد.



شکل ۱۹- ارتباط ماژولار

مطالعات شبکه‌محور

در سال‌های اخیر گرایش به رویکردهای شبکه‌محور به منظور مدل‌سازی و تحلیل نظام‌های پیچیده بیش از پیش رشد یافته است. این رشد بیشتر ناشی از تلاش‌های محققان در دو حوزه علم یعنی فیزیک آماری و علوم رایانه بوده است. فهم اینکه چگونه کنش و واکنش‌های اجزای سازنده یک کلان‌نظام منجر به پیامدها و رفتار جمعی در خرده‌نظام‌های آن کلان‌نظام می‌شوند، از قدیم مورد توجه علوم بوده ولی امروزه اهمیتی فراگیر یافته است. در واقع، اصطلاح «نظام پیچیده» را فیزیکدانان آماری ساختند و پس از آن استفاده از دیدگاه شبکه‌محور در تحلیل نظام‌های پیچیده اهمیت پیدا کرد. تحقیقات شبکه‌ای محدود به جامعه‌شناسی یا حتی علوم اجتماعی نیست؛ دیدگاه شبکه‌محور در مطالعه نظام‌های پیچیده در بسیاری از حوزه‌های کاربردی قابل استفاده است، مانند زیست‌شناسی محاسباتی (مثلاً مطالعه نظام‌های حاکم بر ژن‌ها، پروتئین‌ها، ترکیبات شیمیایی یا ارگانیسم‌های برهم کنش)، مهندسی (مثلاً چگونگی بهینه‌سازی طراحی و استقرار شبکه‌ای از دستگاه‌های حسی)، امور مالی (مثلاً مطالعه تأثیر متقابل بانک‌های جهانی بر اقتصاد جهانی)، بازاریابی (مثلاً برآورد محدوده‌ای که در آن انتخاب صورت می‌گیرد)، علوم اعصاب شناختی (مثلاً کشف الگوهای شدت تکانه‌های در مغز در حملات صرع)، علوم سیاسی (مثلاً مطالعه چگونگی شکل‌گیری ترجیحات رأی‌دهی در یک گروه به رغم اجبارهای داخلی و خارجی) و سلامت عمومی (مثلاً مطالعه میزان گسترش بیماری مسری و نحوه کنترل بهینه شیوع آن). به طور کلی، دو عامل مهمی که در رشد پدیده گرایش به شبکه‌ها دخیل بوده عبارتند از اول، افزایش گرایش به دیدگاه کلان‌نگر و نظام‌مند در علوم و اجتناب از تقلیل‌گرایی و دوم، سهولت در گردآوری، ذخیره‌سازی و مدیریت داده‌های کلان در ابزارهای تحلیل شبکه برای مطالعه روابط بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی کل جوامع در تحقیقات جامعه‌شناختی.

باید در نظر داشت که حوزه تحقیقات شبکه‌ای، حوزه همگنی نیست بلکه متشکل از مفاهیمی است که ریشه در رشته‌های مختلف دارد، رشته‌هایی مانند ریاضیات، فیزیک، علوم رایانه، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (فلارون و بوزلین، ۲۰۰۷). تحقیقات جدید در حوزه مطالعات ترجمه با استفاده از مفاهیم تحلیل شبکه کم بسامد نیستند؛ برخی از آن‌ها عبارت‌اند از انتشارات و مبادلات ادبی (بوزلین ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷؛ کورودویا ۲۰۰۷؛ هکانن ۲۰۰۹؛ حدادیان مقدم ۲۰۱۲)، شبکه‌های تولید ترجمه در شبکه اقتصاد (عبدالله و کاسکنین ۲۰۰۷؛ عبدالله ۲۰۱۲)، شبکه‌های اجتماعی فناوری محور (گمبیر ۲۰۰۷؛ مک دوناف ۲۰۰۷؛ پلاسارد ۲۰۰۷؛ گروب ۲۰۱۲)، شبکه‌های دانش (ریسکو و دیکسون ۲۰۰۹؛ پلابر ۲۰۱۲)، تاریخ‌نگاری (پیم ۲۰۰۷؛ طاهرگورچگلار ۲۰۰۷)، علم‌سنجی (پریتو و لوبو ۲۰۰۷) شبکه‌های معنایی در ترجمه ادبی (جی رایان ۲۰۰۷)، ترجمه شفاهی (دم، انبری و اشجولجر ۲۰۰۵) تحلیل شبکه‌های ترجمه (ریسکو و همکاران ۲۰۱۶).

علوم اجتماعی خاستگاه بسیاری از آثار منتشر شده درباره کاربرد شبکه‌های اجتماعی در ترجمه و با رویکردهای پساساختارگرایی مانند نظریه کنشگر-شبکه است. این نظریه اغلب با سه نویسنده تداومی می‌شود: میشل کالون، برونو لاتور و جان لا. (بوزلین ۲۰۰۷ و طاهر-گورچگلار ۲۰۰۷). بعضی از محققان دیگر به بررسی مفاهیم تکمیلی نظریه کنشگر-شبکه پرداخته‌اند و آن‌ها را با مفاهیم جامعه‌شناختی دیگر مانند مفاهیم بوردیویی در نظریه میدان، ترکیب کرده‌اند (در مورد (نا)سازگاری چارچوب نظری لاتور و بوردیو ر. ک. بوزلین و اینگیلیری ۲۰۰۵).

با این حال، تنها تعداد کمی از نویسندگان تا کنون در مورد کاربرد تحلیل شبکه اجتماعی کلاسیک، با تمرکز زیاد بر تحلیل ساختاری، در مطالعات ترجمه کار کرده‌اند. مک دوناف (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با استفاده از ابزارهای مفهومی تحلیل شبکه، تحلیلی عمیق از پارامترهای مرتبط با شبکه

ارائه داد، پارامترهایی مانند پیوندها، مبادلات و تعاملات عاملان در شبکه، نحوه ارزیابی مبادلات و تعاملات، فشردگی مشارکت و انگیزه عاملان. کاسترو پریتو و اولورا لوبو (۲۰۰۷) در زمینه کاربرد ابزار تحلیل شبکه در زمینه اصطلاحات پژوهش کرده‌اند و گروب (۲۰۱۲)، با اتخاذ رویکرد شبکه‌ای درباره تأثیر برنامه‌های کاربردی رسانه‌های اجتماعی بر شبکه‌های اجتماعی مترجمان آزاد تحقیق کرده است.

ویژگی منحصر به فرد رویکردهای شبکه‌محور این است که می‌توانند «ابزار ارتباطی متقابل، برقراری ارتباط و تعامل در زمان و مکان» (فلارون و بوزلین، ۲۰۰۷، ص ۶۰۶) و ارتباط میان تحلیل خُرد و کلان (فرد و اجتماع، یا عامل و میدان) را نشان دهند. پیم (۲۰۰۷) در توضیح کاربرد مدل شبکه اجتماعی-فرهنگی در مطالعات تاریخی ترجمه می‌گوید از طریق تجزیه و تحلیل شبکه می‌توان پیچیدگی روابط بین عوامل دخیل و سیر تحول آن‌ها را در زمان و مکان مشاهده کرد. وی معتقد است استفاده از تحلیل شبکه مانع از آن می‌شود که عاملان را به افرادی همگن، کلیشه‌ای و قالبی تقلیل داد و طبقه بندی کرد. بدین ترتیب، به اعتقاد پیم (۲۰۰۷) با تحلیل شبکه می‌توان اطلاعات دقیقی از انتخاب‌های مترجمان در بسترهای زمانی و مکانی خاص به دست آورد، مثل اینکه با چه کسانی تعامل داشته‌اند و تا چه اندازه تحت تأثیر زمان و مکان بوده‌اند. به نظر طاهر-گورچگلار (۲۰۰۷) و کوردوبا سروانو (۲۰۰۷) می‌توان از مطالعات شبکه برای تکمیل یا اصلاح برخی مفروضات مطالعات توصیفی ترجمه بهره بُرد؛ برای مثال، اینکه ترجمه همیشه خلأیی را در فرهنگ مقصد پر می‌کند، یا ترجمه در فرهنگ مقصد نقش دارد، یا کنشگران فردی تحت تأثیر علل اجتماعی، پویایی خود را پنهان می‌کنند (طاهر-گورچگلار، ۲۰۰۷، ص ۷۲۶).

در مطالعه حاضر، نشر رمان ادبی در ایران را با استفاده از تحلیل شبکه به مثابه چارچوب پژوهشی (دیاز-بن، ۲۰۰۷) واکاوی می‌کنیم. بخشی از تحلیل شبکه،

جمع‌آوری داده‌های تجربی برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی است. بنابراین، ارتباطات و وضعیت‌های داخلی، ساختار پیچیده ارتباطی را نشان می‌دهد. نمونه‌ای از رویکرد تحلیل شبکه استفاده از مدل سازی گرافیکی برای نشان دادن میزان تأثیر افراد، گروه‌ها و فعالیت‌های آنان از یکدیگر است.

تحلیل شبکه به تجزیه و تحلیل دقیق و تجربی شبکه‌های بالقوه پیچیده و ناهمگن می‌پردازد و موقعیت‌های ساختاری بازیگران دخیل و تأثیر آن‌ها بر انتخاب نقش و اقدامات عملی بازیگران را نشان می‌دهد. اگر چه تحقیقات تجربی، تحلیل و بازسازی گرافیکی شبکه‌های نشر برای نشان دادن ساختارهای ارتباطی، موقعیت‌ها و تصورات فردی عاملان دخیل، همگی در مطالعات ترجمه جدید هستند ولی هنوز از تمام امکانات تحلیل شبکه در مطالعات ترجمه استفاده نشده است. مطالعه حاضر نخستین گام در این مسیر است. همان گونه که در بخش اهمیت تحقیق بیان شد، کشمکش بر سر جایگاه مرکزی-پیرامونی بین رمان‌های ترجمه شده و تألیفی در حوزه نشر ادبی ایران، منطقی نیست. تعداد زیاد رمان‌های ترجمه شده در مقایسه با رمان‌های تألیفی، حوزه نشر رمان ایران را در حالت «بحران مداوم» قرار داده است.

تحلیل شبکه در نرم افزار متن باز آر (R)

نرم افزار تحلیل شبکه با توصیف ویژگی‌های شبکه به کمک ارقام و آمار به محقق در تجزیه و تحلیل کمی یا کیفی شبکه‌های اجتماعی کمک می‌کند. نرم‌افزارهای مختلفی برای تجزیه و تحلیل شبکه وجود دارند. برخی از آن‌ها مستقل و دستوری هستند مانند UCINET، Pajek و Gephi. اما برخی دیگر از جنس برنامه‌نویسی رایانه‌ای هستند، مانند NetworkX در Python و بسته igraph در نرم‌افزار آر (R). نرم‌افزار اخیر به سرعت در حال تبدیل شدن به نرم‌افزاری قوی، سریع و استاندارد در تحقیقات آماری است. تحلیل‌های شبکه‌ای که در این تحقیق گزارش شده‌اند، همگی به کمک این نرم‌افزار صورت گرفته‌اند.

فصل چهارم
شبکه‌های نشر رمان در ایران

مقدمه

در فصل‌های گذشته به تفصیل مبانی جامعه‌شناختی ترجمه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی تبیین گردید. از آنجا که حجم آثار تالیفی در نظام ادبی یک کشور در مقایسه با آثار ترجمه شده می‌تواند بیانگر میزان توسعه یافتگی ادبیات آن کشور در ابعاد مختلف، زایایی اندیشه در آن کشور، میزان تاثیرپذیری از سایر نظام‌های ادبی جهان، و مهم‌تر از همه، وضعیت آزادی بیان و اندیشه در هر مقطع زمانی و فراهم بودن بسترهای اجتماعی و سیاسی لازم در آن کشور برای طرح آرا و نظرات مختلف در مقام تالیف آثار باشد، در این فصل ساختار شبکه‌های نشر رمان و متغیرهای مربوط به آن در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹ که مصادف با حاکمیت سه گفتمان سیاسی مختلف و بعضاً متضاد بر نظام سیاسی-اجرایی کشور است به تفصیل و با استفاده از نرم افزارهای تخصصی تحلیل شبکه تبیین و سپس تیپولوژی تخصصی آن ارایه می‌گردد.

۲-۴ شبکه‌های نشر رمان در ایران (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

همان‌گونه که در فصل پیش ذکر شد، با توجه به فقدان منبع آماری «موتق» و قابل اتکا در خصوص رمان‌های چاپ شده، منابع موجود در پایگاه اطلاعاتی

کتابخانه ملی منبع اصلی گردآوری داده‌های این تحقیق بوده‌اند. خانه کتاب هم یکی دیگر از نهادهایی است که اقدام به جمع‌آوری و ارائه آمار کتاب‌های چاپ شده می‌کند؛ اما با توجه به اینکه شروع کار این موسسه در سال ۱۳۷۷ بوده و بازه زمانی مورد مطالعه در این تحقیق از سال ۱۳۷۰ آغاز می‌شود، برای رعایت یکدستی، اطلاعات آمار رمان‌های چاپ شده از آمار کلی کتابخانه ملی در حوزه ادبیات داستانی استخراج شده است. آمار کتاب‌ها، نویسندگان، مترجمان و ناشران در بازه زمانی مورد مطالعه به قرار جدول ۳ است.

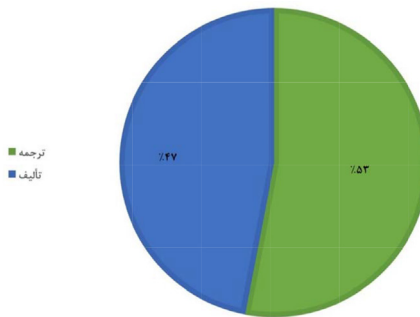
جدول ۳- آمار کلی بازار نشر رمان (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

سال	تعداد کتاب	تعداد ناشر	تعداد نویسنده	تعداد مترجم
۱۳۷۰	۱۲۳	۸۰	۲۱	۱۰۲
۱۳۷۱	۱۳۷	۸۰	۲۴	۱۱۳
۱۳۷۲	۱۶۶	۷۷	۳۹	۱۲۷
۱۳۷۳	۱۷۵	۸۸	۳۲	۱۴۳
۱۳۷۴	۱۳۷	۸۴	۲۱	۱۱۶
۱۳۷۵	۱۱۴	۶۴	۱۴	۱۰۰
۱۳۷۶	۱۶۶	۱۰۴۱	۳۷	۱۲۹
۱۳۷۷	۴۰۳	۱۸۸	۱۹۰	۲۱۳
۱۳۷۸	۴۳۷	۲۸۷	۲۱۶	۲۲۱
۱۳۷۹	۲۴۳	۹۷	۱۰۴	۱۳۹
۱۳۸۰	۳۷۴	۱۵۰	۱۸۳	۱۹۱
۱۳۸۱	۴۹۳	۲۲۴	۲۷۱	۲۲۳
۱۳۸۲	۴۷۹	۱۷۱	۲۰۹	۲۷۰
۱۳۸۳	۶۰۶	۲۶۴	۳۶۰	۲۴۶
۱۳۸۴	۶۴۶	۲۴۴	۳۵۰	۲۹۶
۱۳۸۵	۳۸۱	۱۲۵	۱۸۹	۱۹۲

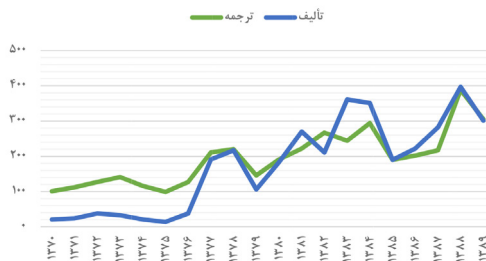
نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی ۹۵

۱۹۲	۲۲۲	۱۲۹	۴۱۴	۱۳۸۶
۲۱۸	۲۸۲	۱۴۰	۵۰۰	۱۳۸۷
۳۸۴	۳۹۵	۱۴۵	۷۷۹	۱۳۸۸
۳۰۶	۳۰۰	۹۶	۶۰۶	۱۳۸۹
۳۹۲۱	۳۴۵۹	۲۸۳۱	۷۳۸۰	جمع

نسبت چاپ رمان‌های تألیفی به ترجمه شده در بازه زمانی مورد مطالعه در شکل ۲۰ نشان داده شده است:



شکل ۲۰- نسبت ترجمه به تألیف رمان (۱۳۷۰-۱۳۸۹)



شکل ۲۱- روند تغییرات کمی ترجمه و تألیف رمان (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

روند تغییرات آماری ترجمه و تألیف رمان در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۹ را در شکل

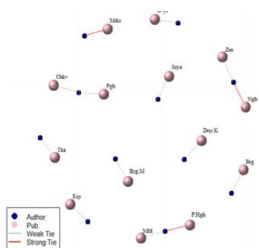
۲۱ می‌بینیم:

شکل فوق نشان می‌دهد که ترجمه و تألیف در طول زمان از نظر آماری رشد داشته‌اند؛ اما دو نکته شایان توجه است: نخست، میزان ترجمه همواره از تألیف بیشتر بوده است. دوم، در مقاطعی نسبت تألیف به ترجمه خیلی به هم نزدیک می‌شود و یا رشد ناگهانی دارد، نکته‌ای که بستر مناسبی را برای تحلیل بازار نشر رمان فراهم می‌کند. برای مثال، تا قبل از سال ۱۳۷۶ تعداد آثار ترجمه شده سهم قابل توجهی از بازار نشر رمان را به خود اختصاص داده است اما با روی کار آمدن دولت اصلاحات ناگهان ادبیات تألیفی به‌طور چشم‌گیری از نظر کمی رشد پیدا می‌کند. در سال ۱۳۸۵ و با روی کار آمدن اصولگرایان ناگهان این رشد منفی می‌شود اما با استقرار دولت و تدوین سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سال‌های انتهایی دهه ۸۰ دوباره نسبت تألیف و ترجمه به هم نزدیک می‌شود.

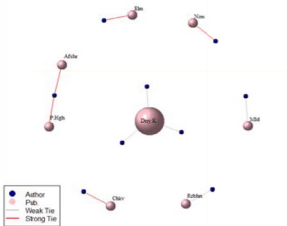
دوره سازندگی (۱۳۷۰-۱۳۷۶)

وضعیت کلی کشور در این دوره به دلیل صدمات ناشی از جنگ تحمیلی، چندان مناسب نبود. دولت تمام توان خود را صرف سازندگی و آبادانی کشور می‌کرد و حوزه فرهنگ و نشر کتاب تا حدودی به حاشیه رانده شده بود، نکته‌ای که در شکل ۲۲ به وضوح به چشم می‌خورد. (برای مطالعه اطلاعات شبکه‌ها در اندازه اصلی تصاویر به پیوست ۲ مراجعه کنید).

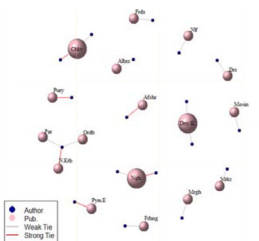
نکات زیر از آمار و گراف‌های فوق قابل‌استنباط است. نخست، تعداد بسیار اندک رمان‌های تألیفی نشان می‌دهد که شبکه رمان تألیفی در این دوره «خلوت / تُنک» است. نکته دیگر وجود تفاوت کمی چشم‌گیر در تعداد آثار ترجمه شده و تألیفی است.



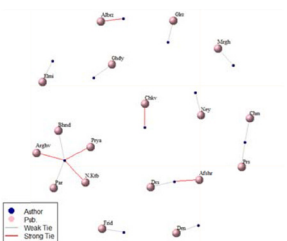
۱۳۷۰



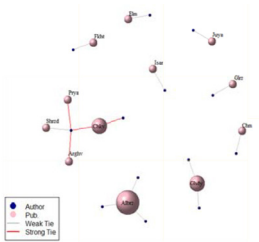
۱۳۷۱



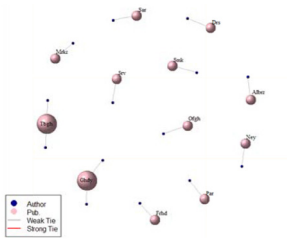
۱۳۷۲



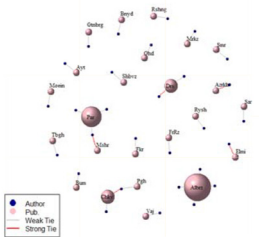
۱۳۷۳



۱۳۷۴



۱۳۷۵



۱۳۷۶

شکل ۲۲ - وضعیت شبکه نشر رمان تألیفی در دوره سازندگی (۱۳۷۰-۱۳۷۶)

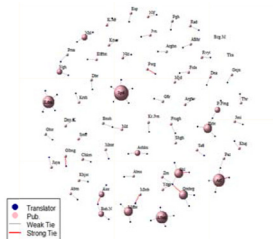
دیگر نکات قابل استنباط از آمار فوق عبارت‌اند از غلبهٔ ژانر داستان‌های کارآگاهی، تاریخی و عاشقانه و رمان‌های تألیفی، ارتباطات شبکه‌ای بسیار ضعیف بین گره‌ها، ارتباطات قوی و چشم‌گیر (قرمز رنگ) در شبکه‌ها به نسبت تعداد اندک آثار، حضور مستمر ناشران خاص در جایگاه مرکزی (ایستایی شبکه). جدول ۴ آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان تألیفی در این دوره را نشان می‌دهد. بر اساس این آمار، شبکه نشر رمان در دوره مورد نظر تغییرات قابل ملاحظه‌ای نداشته است. تعداد اندک گره‌ها و پیوندها، درصد بالای پیوندهای قوی و نیز چگالی پایین شبکه حاکی از وضعیت ایستا و رکود در بازار نشر رمان تألیفی در این دوره است.

جدول ۴- آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان تألیفی در دوره سازندگی (۱۳۷۰-۱۳۷۶)

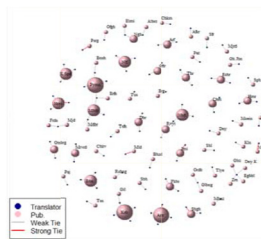
سال شاخص	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
تعداد پیوندها	۱۴	۱۰	۲۰	۱۸	۱۶	۱۴	۳۱
تعداد گره‌ها	۲۵	۱۷	۳۵	۳۰	۲۵	۲۶	۵۳
گرایش به خوشه بندی	۰٫۸۹۷	۰٫۸۲۰	۰٫۹۲۰	۰٫۸۷۰	۰٫۸۲۸	۰٫۹۰۸	۰٫۹۳۴
چگالی شبکه	۰٫۰۴	۰٫۰۷	۰٫۰۳	۰٫۰۴	۰٫۰۵	۰٫۰۴	۰٫۰۲
تعداد خرده گراف‌های کامل	۱۴	۱۰	۲۰	۱۸	۱۶	۱۴	۳۱
مرکزیت	۰٫۳۶	۰٫۱۱۳	۰٫۰۵۴	۰٫۱۳۱	۰٫۱۱۳	۰٫۰۳۶	۰٫۰۵۴
درصد پیوندهای قوی به ضعیف	۲۱/۴۲	۵۰	۳۰	۳۳/۳۳	۲۵	۰	۱۶/۱۲

شکل ۲۳ شبکه نشر رمان ترجمه شده را در بازه زمانی مورد تحقیق به تصویر می‌کشد. نکاتی چند در این زمینه قابل ذکر است. نکته نخست وجود نوعی یکدستی و تعادل در تعداد گره‌ها و ناشران مرکزی در شبکه‌هاست، جز در سال پایانی این دولت (سال ۱۳۷۶) که از این ویژگی مستثناست. نکته دوم، در سال‌های اول این دوره، خوشه‌های کمتری از ناشران مشاهده می‌شود، که دال بر عدم همکاری ناشران با مترجمان یکسان است (ر.ک. پیوست ۳). نکات دیگر عبارت‌اند از تعداد نسبتاً زیاد پیوندهای قوی و تعداد زیاد ترجمه نسبت به تألیف در این دوره که با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی، عجیب نیست. این شرایط تا حدودی با یکی از سه وضعیت و شرایط مورد اشاره ایون-ژهر درباره جایگاه مرکزی ترجمه نسبت به تألیف، مطابقت دارد.

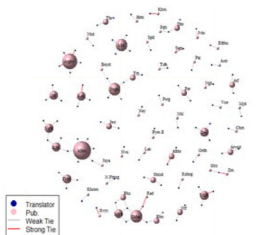
آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان ترجمه شده در این دوره در جدول ۵ نشان داده شده است. در بازه مورد نظر شبکه ترجمه نسبت به شبکه تألیف وضعیت بهتر و تعداد گره‌ها و پیوندها نیز رشد تدریجی دارد. اگرچه شاخص‌هایی مانند چگالی و مرکزیت تغییر مشهودی نداشته اما درصد پیوندهای ضعیف در شبکه ترجمه نسبت به شبکه تألیف بیشتر است. از مفاد سخنان ناشرانی که در مصاحبه شرکت کردند می‌توان نکات مهمی را در باره نشر رمان در این دوره ریافت. عدم برنامه ریزی فرهنگی یکی از نکات مورد اشاره ناشران بود. مثلاً یکی از ناشران (شماره ۶) این نکته را متذکر شد که دولت سازندگی بیشتر دولتی اقتصادی بود تا فرهنگی، که با توجه به وضعیت عمومی شرایط خاص کشور، دغدغه و مسئولیت اصلی خود را بازسازی ویرانی‌های جنگ می‌شمرد و لذا در چنین شرایطی ارزش‌های فرهنگی به حاشیه رانده شده بود. نظارت و ممیزی (سانسور) شدید یکی دیگر از نقدهای این ناشر بود که می‌گفت در زمان وزارت آقای میرسلیم، بازار کتاب مخصوصاً بازار نشر ادبی «دوران سیاهی» داشت. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۵) ضمن بیان اینکه کار در وزارت ارشاد را با روی کار آمدن دولت اصلاحات شروع کرده است،



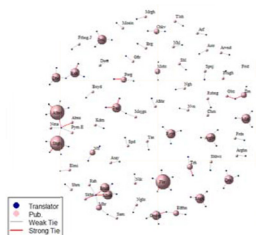
۱۳۷۰



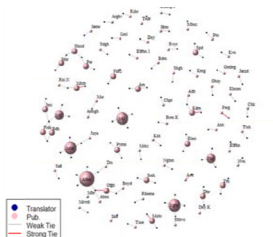
۱۳۷۱



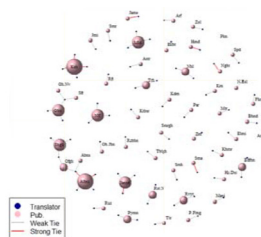
۱۳۷۲



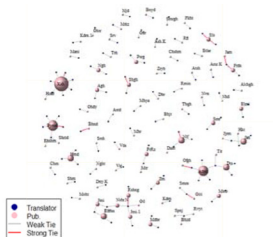
۱۳۷۳



۱۳۷۴



۱۳۷۵



۱۳۷۶

شکل ۲۳- وضعیت شبکه نشر رمان ترجمه شده در دوره سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۷۰)

به خاطر می‌آورد که برخی اتاق‌ها در وزارت ارشاد تا سقف مملو از کتابهایی بودند که در زمان دولت قبلی (دولت سازندگی) نتوانسته بودند مجوز چاپ بگیرند.

جدول ۵- آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان ترجمه شده در دوره سازندگی (۱۳۷۰-۱۳۷۶)

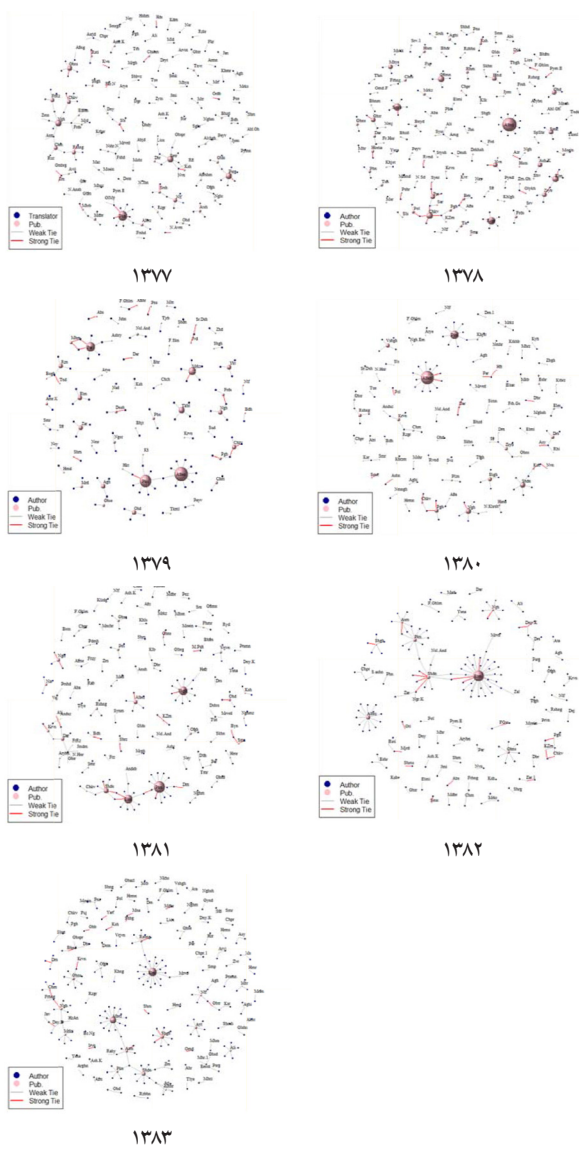
سال شاخص	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
تعداد پیوندها	۸۶	۹۹	۱۰۲	۱۰۶	۱۰۸	۷۳	۱۱۹
تعداد گره‌ها	۱۳۶	۱۵۰	۱۴۵	۱۵۳	۱۶۴	۱۲۰	۱۷۸
گرایش به خوشه بندی	۰٫۹۶۴	۰٫۹۶۷	۰٫۹۵۰	۰٫۹۵۴	۰٫۹۶۴	۰٫۹۵۷	۰٫۹۶۳
چگالی شبکه	۰٫۰۰۹	۰٫۰۰۸	۰٫۰۰۹	۰٫۰۰۹	۰٫۰۰۸	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۷
تعداد خرده گراف‌های کامل	۸۸	۹۹	۱۰۲	۱۰۷	۱۰۸	۷۵	۱۱۹
مرکزیت	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۳	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۳
درصد پیوندهای قوی به ضعیف	۸٫۱۳	۷٫۰۷	۱۱٫۷۶	۱۵٫۰۹	۵٫۵۵	۱٫۳۰	۱۰٫۰۸

قربانی کردن کیفیت در برابر کمیت در صدور مجوز یکی دیگر از نکات مورد اشاره ناشران و مصاحبه شونده‌گان بود. برای مثال یکی از ناشران (شماره ۳) بر این باور بود که در زمان دولت آقای رفسنجانی صدور مجوز نشر از نظر کمی رشد زیادی کرد که پیامدهای مثبت و منفی متعددی داشت. مانند افزایش تعداد ناشران کم‌سواد و بی‌تجربه و کیفیت پایین آثار چاپ شده. ناشر دیگری (شماره ۶) نیز ضمن تأیید رشد کمی صدور مجوز نشر بر اثر سیاست‌های حمایتی وزارت ارشاد، تنها پیش شرط لازم برای دریافت مجوز نشر یعنی دارا بودن مدرک کارشناسی، پیامد منفی خاص خود را داشته است.

دوره اصلاحات (۱۳۷۷-۱۳۸۴)

صرف نظر از رویکرد و راهبردهای سیاسی و اقتصادی دولت اصلاحات که خارج از موضوع بحث ماست، خط مشی این دولت در حوزه فرهنگ منجر به رونق وضعیت فرهنگ و هنر کشور شد. در این دوره عطاءالله مهاجرانی در دولت اول اصلاحات و احمد مسجد جامعی در دولت دوم خاتمی وزیر ارشاد بودند.

تقویت و گسترش نشر آثار ادبی در این دوره را می‌توان مدیون چند عامل عمده دانست. اتخاذ رویکرد نسبتاً آزاد در بحث ممیزی و کاهش نظارت‌های سخت‌گیرانه دولتی یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این دوره و عامل مهم رشد آمار نشر می‌توان دانست. نزدیک شدن آمار کمی نشر رمان تألیفی و ترجمه شده و تنوع ژانر رمان‌های منتشر شده از دیگر ویژگی‌های حاکم بر بازار نشر کتاب در این دوره است. ذکر یک نکته در خصوص تنوع ژانرها در این دوره مهم است. در دوره چهارساله نخست حاکمیت دولت اصلاحات، رمان‌های منتشر شده از حیث تنوع ژانر با نمونه‌های منتشر شده در دوره سازندگی مشابهت نسبی دارد؛ رمان‌های ترجمه شده عموماً آثار پر فروش دنیا مانند رمان‌های تمثیلی پائولو کوئلیو، رمان‌های عاشقانه دانیل استیل و رمان‌های علمی-داستانی آرتور سی. کلارک هستند. اما در دوره چهارساله دوم دولت اصلاحات، بازار نشر ادبی تغییرات گسترده‌ای را تجربه کرد. در حوزه رمان تألیفی، موضوعات جدید (مانند رئالیسم (واقع‌گرایی) اجتماعی و محوریت نقش زن در جامعه در آثار نویسندگانی چون امیرحسین چهلتن، مصطفی مستور و غزاله علیزاده مطرح شد. در حوزه ترجمه نیز نویسندگان آمریکای لاتین مانند گابریل گارسیا مارکز و همتای پرتهالی‌اش ژوزه ساراماگو تا حد زیادی بازار نشر رمان را تحت تأثیر خود قرار دادند. موضوعات نوظهور دیگر در ادبیات ترجمه شده این دوران، ترجمه آثار زن‌محور (فمینیستی) همچون آثار ویرجینیا ولف و آلبا دسپدس بود. شبکه‌های نشر رمان تألیفی و ترجمه شده در تصاویر ذیل نشان داده شده‌اند.



شکل ۲۴- وضعیت شبکه نشر رمان تألیفی در دوره اصلاحات (۱۳۷۷-۱۳۸۴)

چند نکته اصلی درباره شبکه نشر رمان تألیفی در این دوره قابل ذکر است. نخست، رشد کمی رمان‌های تألیفی و دیگری جایگاه مرکزیت ناشرانی است که در دوره قبل نیز مرکزیت را در اختیار خود داشتند، مانند البرز، پیکان و علم. افزایش مرکزیت گره‌ها در دوره چهارساله دوم نیز قابل توجه است. شاخص‌های آماری تحلیل شبکه رمان‌های تألیفی در این دوره به شرح جدول ۶ است:

جدول ۶- آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان تألیفی در دوره اصلاحات (۱۳۷۷-۱۳۸۴)

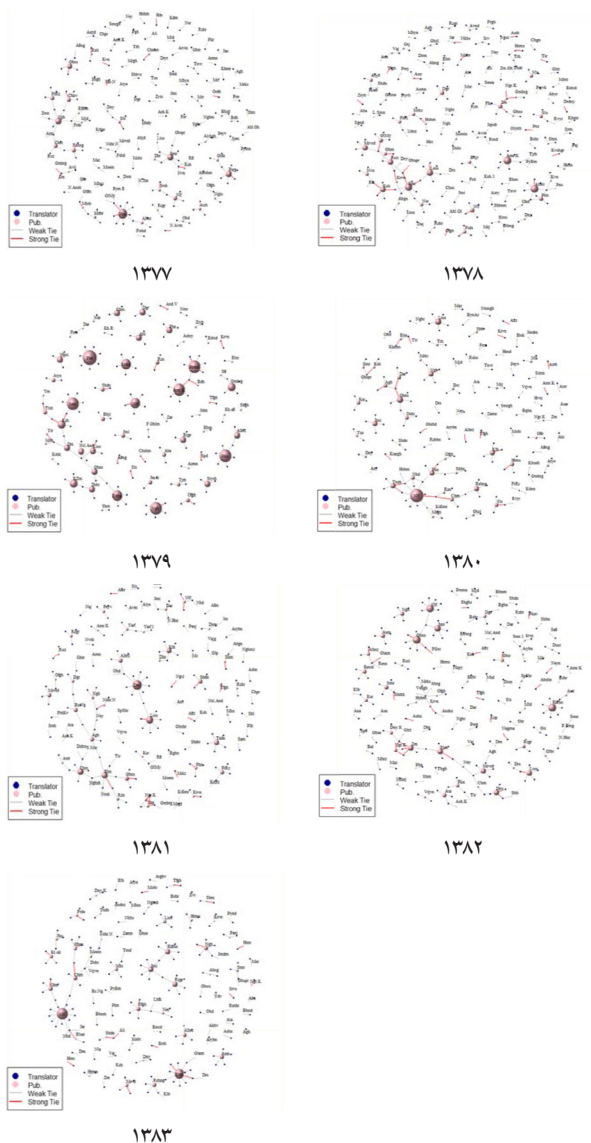
سال شاخص	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
تعداد پیوندها	۱۳۳	۱۷۱	۱۱۵	۱۳۲	۱۷۴	۱۷۴	۲۳۹	۲۳۵
تعداد گره‌ها	۱۹۶	۲۵۶	۱۶۲	۱۹۳	۲۴۳	۲۲۰	۳۱۱	۳۰۶
گرایش به خوشه بندی	۰/۹۳۷	۰/۹۷۲	۰/۹۵۳	۰/۹۶۳	۰/۹۵۹	۰/۹۱۷	۰/۹۴۷	۰/۹۵۲
چگالی شبکه	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	۰۰۰۴	۰/۰۰۵
تعداد خرده گراف‌های کامل	۱۳۵	۱۷۱	۱۱۵	۱۳۲	۱۷۴	۱۷۴	۲۴۱	۲۳۵
مرکزیت	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۵
درصد پیوندهای قوی به ضعیف	۱۸/۷۹	۱۳/۴۵	۱۶/۵۲	۱۲/۸۷	۱۳/۶۴	۱۲/۷	۸/۷۸	۸/۹۳

همان‌طور که در جدول بالا پیداست، در سال‌های ابتدایی این دوره، یعنی سال‌های

۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، بازار نشر رمان رشد کمی چشم‌گیر و ناگهانی داشته که مربوط به تغییر در کیفیت بازار نشر نبوده بلکه نتیجه آزاد شدن نشر کتاب‌های توقیف‌شده سال‌های قبل بوده است. اما از سال ۱۳۷۹ به بعد شاهد رشدی قابل ملاحظه در ادبیات تألیفی هستیم، به گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ رمان تألیفی در جایگاه مرکزی نظام چندگانه ادبی کشور جای می‌گیرد. درحالی که تعداد گره‌ها و پیوندها در این دوره رشد چشم‌گیری دارد، شاخص‌های کیفیت شبکه مانند گرایش به خوشه‌بندی، چگالی و مرکزیت، تغییر چندانی ندارد.

شکل ۲۵ وضعیت شبکه نشر رمان ترجمه‌شده را در بازه زمانی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ نشان می‌دهد. مشخصه‌های کلی شبکه مزبور در این دوره عبارت‌اند از تمرکز زدایی از مرکزیت ناشران خاص، رشد قابل ملاحظه تعداد گره‌ها و پیوندها، شکل‌گیری خوشه‌های ارتباطی بین ناشران و کاهش تعداد پیوندهای قوی میان گره‌های اصلی. شاخص‌های تحلیل شبکه نشر رمان ترجمه‌شده در بازه زمانی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ به شرح جدول ۷ است. آمار این شاخص‌ها تقریباً به آمار نشر رمان تألیفی نزدیک است.

یکی دیگر از نکات مهم و قابل ذکر درباره این دوره آن است که اکثر ناشرانی که در مصاحبه شرکت کردند این دوره را «دوره طلایی» نشر ادبی عنوان کردند. نقطه نظرات ناشران درباره ویژگی‌های مهم بازار نشر در این دوره به شرح زیر است: نکته نخست سیاست‌های حمایتی وزارت ارشاد است که بر اساس یکی از آن‌ها، کارگروهی از وزارت ارشاد پس از ارزیابی کتاب‌ها حدود ۳۰۰ تا ۷۰۰ نسخه از هر کتاب را از ناشر خریداری می‌کرده است. نکته دیگر افزایش تعداد نویسندگان رمان و نیز تعداد رمان‌های تألیفی در این دوره است، تا جایی که عامه مردم به بازار نشر گرایش پیدا کردند. به قول یکی از ناشران، حتی یک خانم خانه‌دار برای چاپ رمانی درباره زندگی خودش به ناشران مراجعه می‌کرد.



شکل ۲۵- وضعیت شبکه نشر رمان ترجمه شده در دوره اصلاحات (۱۳۷۷-۱۳۸۴)

جدول ۷- آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان ترجمه شده در دوره اصلاحات (۱۳۷۷-۱۳۸۴)

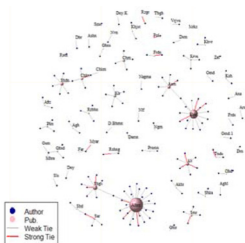
سال شاخص	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
تعداد پیوندها	۱۸۸	۲۱۸	۱۵۳	۱۵۷	۱۸۲	۲۰۰	۱۹۴	۲۱۵
تعداد گره‌ها	۲۶۳	۲۹۴	۲۰۱	۲۱۶	۲۳۶	۲۶۸	۲۵۸	۲۶۹
گرایش به خوشه بندی	۰٫۹۵۳	۰٫۹۴۷	۰٫۹۲۷	۰٫۹۳۶	۰٫۹۳۸	۰٫۹۵۲	۰٫۹۶۴	۰٫۹۳۷
چگالی شبکه	۰٫۰۰۸	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۷	۰٫۰۰۶	۰٫۰۰۶	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۵
تعداد خرده گراف‌های کامل	۱۸۸	۲۱۸	۱۵۳	۱۵۷	۱۸۲	۲۰۰	۱۹۴	۲۱۵
مرکزیت	۰٫۰۲	۰٫۰۱	۰٫۰۲	۰٫۰۳	۰٫۰۳	۰٫۰۲	۰٫۰۴	۰٫۰۳
درصد پیوندهای قوی به ضعیف	۱۰٫۶۳	۱۴٫۲۲	۱۴٫۳۷	۱۵٫۲۸	۱۰٫۹۸	۱۴	۱۰٫۳۰	۱۶٫۲۷

علاقه یک مادر به رمان نویسی، صرف نظر از میزان دانش حرفه‌ای و ادبی او و در کنار مسئولیت تربیت فرزندان، برای جامعه بسیار نوید بخش بود. سازوکار نظارت و ممیزی معتدل و معقول، افزایش شمارگان کتاب‌ها، افزایش تعداد جوایز ادبی خصوصی و برقراری گفت‌وگو با عاملان نشر از دیگر نکات برجسته مورد اشاره ناشران در باره وزارت ارشاد در این دوره است.

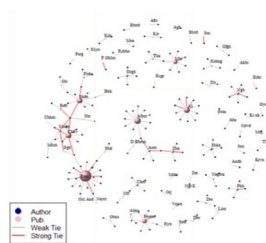
دوره اصولگرایی (۱۳۸۵-۱۳۸۹)

در این دوره وضعیت چاپ و نشر، به‌ویژه در حوزه ادبیات، با نظارت گسترده دولت در و نیز کنترل شدید اجتماعی و سیاسی همراه بود. همان‌گونه که در شکل‌های ۲۵ و ۲۶ می‌بینیم، ساختار شبکه‌ها به کلی با دوره قبل متفاوت است.

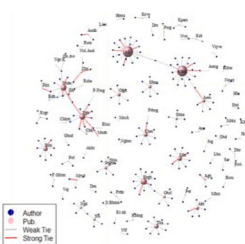
مشخصه‌های اصلی بازار نشر ادبی در این دوره عبارت‌اند از کاهش چشم‌گیر تعداد گره‌های شبکه تألیف (چشم‌گیرتر از کاهش در شبکه ترجمه)، مرکزیت قابل ملاحظه برخی ناشران و نیز «رکود نشر ادبی»، بنا به نظر مصاحبه‌شوندگان.



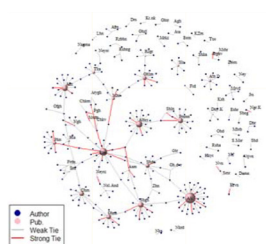
۱۳۸۵



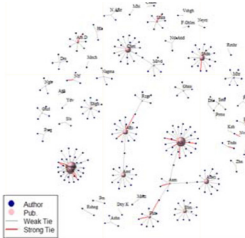
۱۳۸۶



۱۳۸۷



۱۳۸۸



۱۳۸۹

شکل ۲۶- وضعیت شبکه نشر رمان تألیفی در دوره اصولگرایی (۱۳۸۹-۱۳۸۵)

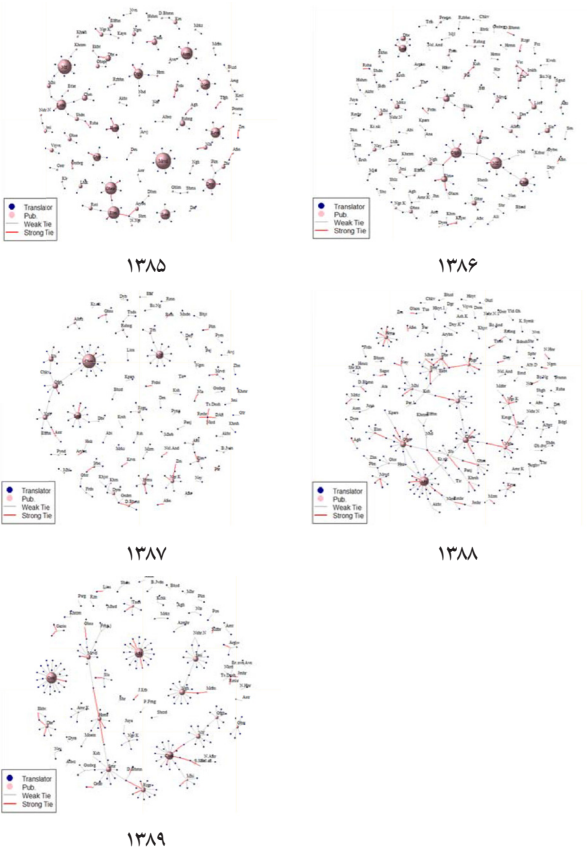
آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان تألیفی در این بازه زمانی به قرار جدول ۸ است:

جدول ۸- آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان تألیفی در دوره اصولگرایی (۱۳۸۵-۱۳۸۹)

سال / شاخص	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
تعداد پیوندها	۱۵۷	۱۹۱	۲۳۹	۳۶۴	۲۹۴
تعداد گره‌ها	۲۱۰	۲۳۰	۲۸۳	۰/۸۹۱	۳۱۳
گرایش به خوشه بندی	۰/۹۳۶	۰/۹۲۲	۰/۹۴۰	۰/۰۰۵	۰/۹۲۳
چگالی شبکه	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۳۳۶	۰/۰۰۶
تعداد خرده گراف‌های کامل	۱۵۸	۱۹۱	۲۳۹	۰/۰۸	۲۹۴
مرکزیت	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۰۵	۱۳/۳۹	۰/۰۸
درصد پیوندهای قوی به ضعیف	۱۶/۵۶	۱۴/۱۳	۱۴/۲۲	۳۶۴	۷/۸۲

آمار شاخص‌های تحلیل شبکه در این دوره با دوره قبل متفاوت است. در سال‌های ابتدایی این دوره، سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، بازار نشر رمان شاهد نوعی رکود بوده است. کاهش تعداد گره‌ها و پیوندها بیانگر کاهش تعداد رمان‌های چاپ شده در این سال‌هاست و درصد پیوندهای قوی که در سال‌های ابتدایی افزایش داشته، به تدریج کاهش یافته است.

مشخصه‌های اصلی شبکه نشر رمان ترجمه شده در این دوره، مرکزیت قوی برخی گره‌ها و افزایش پیوندهای قوی بین ناشران و مترجمان است، خصوصیات که تا حد زیادی به شبکه تألیف در این دوره شباهت دارد. نکته مهم درباره این دوره رشد ادبیات عامه‌پسند و ادبیات دفاع مقدس است. جدول ۹ شامل آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان ترجمه شده در این دوره است.



شکل ۲۷- وضعیت شبکه نشر رمان ترجمه شده در دوره اصولگرایی (۱۳۸۹-۱۳۸۵)

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد، آمار شاخص‌های شبکه ترجمه و شبکه تألیف تا حدودی همخوانی دارد. شاخص‌های شبکه نشر رمان ترجمه شده هم مانند شبکه رمان تألیفی، در سال‌های ابتدایی این دوره کاهش ناگهانی داشته اما به تدریج افزایش یافته است.

جدول ۹- آمار شاخص‌های تحلیل شبکه رمان ترجمه شده در دوره اصولگرایی (۱۳۸۵-۱۳۸۹)

سال / شاخص	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
تعداد پیوندها	۱۵۶	۱۸۵	۱۷۷	۳۰۱	۲۵۷
تعداد گره‌ها	۲۰۰	۲۴۴	۲۳۷	۳۴۶	۲۹۸
گرایش به خوشه بندی	۰٫۹۴۹	۰٫۹۴۹	۰٫۹۴۷	۰٫۹۰۴	۰٫۹۲۷
چگالی شبکه	۰٫۰۰۷	۰٫۰۰۶	۰٫۰۰۶	۰٫۰۰۵	۰٫۰۰۵
تعداد خرده گراف‌های کامل	۱۵۶	۱۸۵	۱۷۷	۳۰۱	۲۵۷
مرکزیت	۰٫۰۳	۰٫۰۳	۰٫۰۶	۰٫۰۶	۰٫۰۷
درصد پیوندهای قوی به ضعیف	۱۶٫۰۲	۱۰٫۲۷	۱۵٫۸۱	۱۹٫۶۰	۱۳٫۲۲

سایر شاخص‌های شبکه تغییر قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند. شایان ذکر است که ناشران در جلسات مصاحبه، از این دوره با عنوان «دوره رکود نشر» نام می‌بردند. نکات اصلی مستخرج از مصاحبه‌ها و نیز اطلاعات گردآوری شده از منابع مختلف در باره این دوره را می‌توان در قالب موارد زیر دسته‌بندی کرد. اولین نکته امنیتی شدن بازار نشر است. طبق اطلاعات موجود، در تیرماه سال ۱۳۸۹، «اندیشکده راهبردی امنیت نرم» در جزوه «زمزمه‌های رنگی» تعدادی از ناشران و نویسندگان را به عنوان «برانداز» معرفی می‌کند. در این جزوه که با نام «واکاوی براندازی نرم در حوزه نشر» هم معروف است، چندین ناشر مطرح و ده‌ها نویسنده و مترجم به استناد عملکردشان به تلاش برای «براندازی» جمهوری اسلامی متهم می‌شوند. ناشرانی مانند نی، چشمه، کویر، عطایی، لاهیجی، روشنگران، ققنوس و اختران از جمله این ناشران بودند.^۱ در همین دوره، معاون امور فرهنگی وقت وزارت

فرهنگ و ارشاد از لغو امتیاز نشر چشمه به استناد عدم صدور مجوز نشر برای تعداد زیادی از آثار این ناشر نشانه «انحراف ناشر و تبلیغ تفکری خاص و مضّر»^۱ خبر می‌دهد.

تضعیف بخش خصوصی واقعی و تقویت بخش دولتی یا ناشران خصوصی طرفدار دولت یکی دیگر از نکات مورد اشاره ناشران در باره این دوره است. برای مثال، خلجی و دیگران (۲۰۱۱) بر این باورند که انجمن قلم ایران در مقابل کانون نویسندگان ایران، به مثابه تنها موسسه مستقل ناشران، نویسندگان و مترجمان کشور، تأسیس شد. یکی از ناشران نیز کاهش یارانه‌های دولتی برای موسسات نشر خصوصی در مقابل ناشران دولتی را مصداق این رویکرد وزارت ارشاد در این دوره می‌دانست. برگزاری جوایز ادبی دولتی برای رقابت با جوایز بخش خصوصی یکی دیگر از مصداق‌های تضعیف بخش خصوصی قلمداد می‌شود. به نظر یکی از ناشران، جایزه ادبی جلال آل احمد برای رقابت با جوایز ادبی خصوصی مانند مهرگان و گلشیری و به نوعی جایگزینی آن‌ها، شکل گرفته است؛ در مقایسه با جوایز ادبی خصوصی، بودجه بسیار گزافی برای جایزه ادبی جلال در نظر گرفته می‌شود. در تأیید رویکرد کلی تقویت بخش دولتی یا ناشران طرفدار دولت، یکی دیگر از ناشران بر این باور است که جوایز ادبی نقش مهمی در بالا بردن انگیزه ناشران و اهل قلم دارد اما به دلیل شرایط داوری نایکسان، داوری‌ها به سمت ناشران و یا ایدئولوژی‌های خاص، متمایل می‌شود.

کاهش چشم‌گیر شمارگان کتاب‌ها یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه نشر ادبی در این دوره است. یکی از ناشران ضمن تأکید بر نقش مهم سیاست حمایتی خرید کتاب‌های ناشران بخش خصوصی توسط ارشاد خاطر نشان می‌کند که در دوره اصولگرایان، کارگروه انتخاب و خرید کتاب در ارشاد بر مبنای مشرب فکری و ایدئولوژیک دولت کتاب‌های ناشران خاصی را خریداری می‌کرد، اقدامی که تأثیر

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920828001259>

بزرگی بر کاهش شمارگان کتاب‌های برخی ناشران گذاشت.

اعمال سیاست سختگیرانه در ممیزی و توقیف کتاب یکی دیگر از ویژگی‌های مورد اشاره ناشران درباره نشر ادبی در این دوره است. به گفته یکی از ناشران، کثرت موارد نیازمند ممیزی در کتاب‌های ارسالی برای اخذ مجوز و عدم صدور مجوز برای تعداد زیادی از آثار این ناشر، دلیل لغو و باطل شدن مجوز نشر وی اعلام شده است. شایان ذکر است که در همین دوره کتاب‌های زیادی که از وزارت فرهنگ و ارشاد در دولت قبل مجوز چاپ گرفته بودند از نمایشگاه کتاب سال ۱۳۸۹ کنار گذاشته شدند، که یکی از آن‌ها رمان خانواده نیک اختر اثر نویسنده برجسته ایرج پزشکشزاد بود.

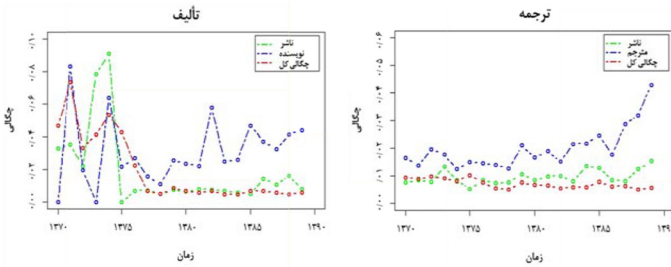
ویژگی دیگر نشر ادبی در این دوره ارتباط ضعیف بین وزارت ارشاد و فعالان حوزه نشر است. برای مثال، یکی از ناشران پیشینه غیر فرهنگی معاون فرهنگی وقت وزارت ارشاد را یکی از دلایل این ارتباط ضعیف و عدم برقراری گفتگو و درک مشترک با اهل قلم می‌دانست. دو تن از ناشران نیز ادعا کرده‌اند که در طی سال‌ها فعالیت و ارتباط با وزارت ارشاد برای اخذ مجوز نشر کتاب و یا پرس‌وجو درباره علت عدم صدور مجوز، در میان مسئولان ذی‌ربط در ارشاد کسی نبوده که بتوان با او درباره کتاب و به‌ویژه ادبیات حرف زد.

متغیرهای شبکه نشر رمان

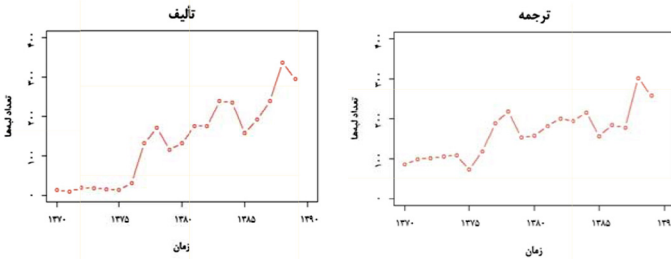
نمودارهای گرافیکی تحلیل شبکه که در بخش قبلی به تفکیک بازه‌های زمانی ارائه شد اطلاعات ارزش‌مندی را درباره آمار کمی چاپ رمان، ساختار کلی بازار نشر و جایگاه ناشران، نویسندگان و مترجمان و نیز ارتباط میان آن‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد. در این قسمت متغیرهایی را بررسی می‌کنیم که کیفیت شبکه نشر را در بازه زمانی بیست ساله مورد تحقیق نشان می‌دهد، شاخص‌هایی مانند تعداد گره‌ها، تعداد پیوندها (لبه‌ها)، چگالی و پیوندهای وزن‌دار.

گره‌ها و پیوندها: همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، گره‌های اصلی این شبکه‌ها

عبارت‌اند از ناشران و نویسندگان، در شبکه رمان تألیفی؛ و ناشران و مترجمان، در شبکه رمان ترجمه شده. بنابراین، تعداد گره‌ها نشان دهنده تعداد کنشگران اصلی هر سال در شبکه رمان است.



شکل ۲۸- روند تغییر تعداد گره‌ها در شبکه نشر رمان تألیفی و ترجمه شده (۱۳۷۰-۱۳۸۹)



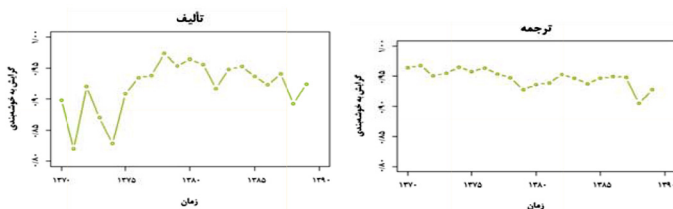
شکل ۲۹- تعداد پیوندها در شبکه رمان تألیفی و رمان ترجمه شده (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

همان‌گونه که در شکل بالا مشخص است، در بازه زمانی مورد مطالعه، در بیشتر دوره‌ها تعداد گره‌ها رو به افزایش بوده است. با در نظر گرفتن رشد سالانه انتشار کتاب، این افزایش طبیعی است. اما نکته قابل تأمل در اینجا مقایسه میزان رشد تألیف و ترجمه است: میزان تغییرات در شبکه رمان تألیفی شدیدتر از شبکه رمان ترجمه شده است.

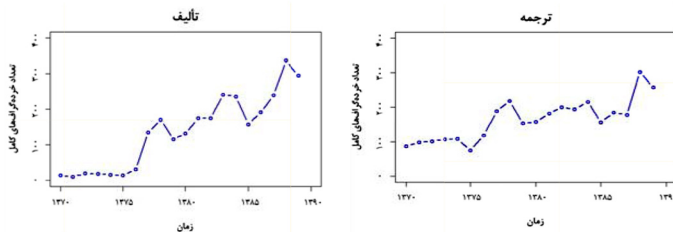
در شکل ۲۹ تعداد پیوندها (لبه‌ها) را در شبکه رمان تألیفی در مقایسه با شبکه رمان ترجمه شده در طول بازه تحقیق نشان می‌دهد. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، پیوند به معنای تعامل و ارتباط بین دو گره در شبکه است. همان‌طور که می‌بینیم

تعداد پیوندها بین ناشران و نویسندگان در شبکه رمان تألیفی به مراتب تغییرات بیشتری نسبت به تعداد پیوندها بین ناشران و مترجمان در شبکه رمان ترجمه شده، دارد.

گرایش به خوشه‌بندی: گرایش به خوشه‌بندی یکی از شاخص‌های ساختاری شبکه‌ها و گراف‌هاست که برای سنجش قدرت تقسیم بندی شبکه ارتباطات به ماژول‌های مختلف (گروه‌ها، خوشه‌ها و اجتماعات) استفاده می‌شود. تعداد ماژول‌های بیشتر در شبکه‌ها بدین معناست که ارتباطات محکم‌تری بین گره‌ها برقرار است. گرایش به خوشه‌بندی یکی از روش‌های بهینه‌سازی تشخیص ساختاری اجتماعات در شبکه‌ها می‌باشد.



شکل ۳۰- گرایش به خوشه‌بندی در شبکه نشر رمان تألیفی و ترجمه شده (۱۳۷۰-۱۳۸۹)



شکل ۳۱- روند تغییرات تعداد خرده‌گراف‌های کامل در

شبکه نشر رمان تألیفی و ترجمه شده (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

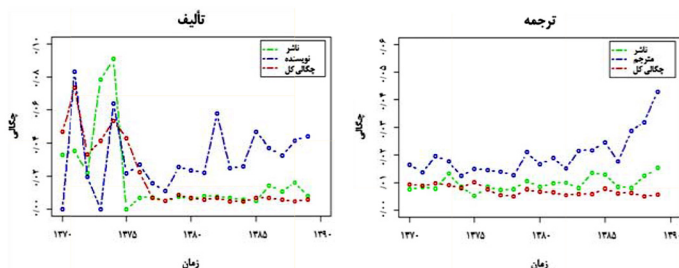
هر خرده‌گراف کامل حداقل دو عضو دارد. با در نظر گرفتن نتایج خوشه‌بندی شبکه (ر.ک. پیوست ۳)، اغلب خوشه‌های دو گرهی (خرده‌گراف‌های کامل)

از یکدیگر جدا و از دیگر خوشه‌های شبکه متمایز هستند. به همین دلیل سطح انسجام شبکه در طول زمان بهبود نیافته است.

هموفیلی: مک پرسون و همکاران (۲۰۰۱) بر این باورند که ارتباط نتیجه و برآیند شباهت است و بر این اساس هموفیلی را ارتباط و پیوند بین افراد مشابه می‌دانند، مانند ارتباط بین اعضای یک خانواده یا قبیله و یا پیروان یک دین. لازارد و مرتون (۱۹۵۴) دو نوع هموفیلی را بر می‌شمارند: هموفیلی وضعیت و هموفیلی ارزشی. در هموفیلی وضعیت، شباهت بر اساس وضعیت رسمی، غیر رسمی یا وابستگی است، در حالی که هموفیلی ارزشی بر مبنای ارزش‌ها، نگرش‌ها و عقاید مشابه و مشترک به وجود می‌آید. هموفیلی وضعیت ابعاد مهم جامعه‌شناختی را که مبنای طبقه‌بندی جامعه است، در بر می‌گیرد؛ ابعادی مانند: نژاد، قومیت، جنسیت یا سن و نیز ویژگی‌های اکتسابی مانند دین، تحصیلات، شغل یا الگوهای رفتاری. هموفیلی ارزشی شامل طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها، سوگیری‌ها و باورهای مشترک افراد یا گروه‌ها است. در شبکه نشر رمان کشور، هموفیلی ارزشی یکی از ویژگی‌های برجسته در خوشه‌ها (یا اجتماعات) است (ر.ک. پیوست ۳). برخی از ناشران خط فکری مشترکی دارند و لذا در انتخاب آثار از مشاوران مشترک کمک می‌گیرند. برای مثال، در شبکه خوشه‌ای نشر، نشر چشمه و نیلوفر به مثابه موسسات انتشاراتی برجسته ادبیات داستانی، اغلب به دلیل انتخاب برخی موضوعات و عناوین مشابه و یکسان در یک خوشه یا شبکه ارزشی قرار دارند.

چگالی: منظور از چگالی عبارت است از تراکم پیوندهای موجود در شبکه که نشانگر تعداد پیوندهای بالفعل در مقایسه با تعداد ارتباطات بالقوه در شبکه است. هرچه عدد چگالی بیشتر باشد، شبکه متراکم‌تر و در نتیجه منسجم‌تر است (پرل، ۲۰۱۲). به بیانی دیگر، چگالی عبارت است از نسبت تعداد پیوندهای موجود در شبکه به حداکثر تعداد پیوندهای ممکن. بنابراین، هرچقدر تعداد پیوندهای موجود در شبکه بیشتر و به حداکثر تعداد ممکن نزدیک‌تر باشد، گره‌ها به خوبی

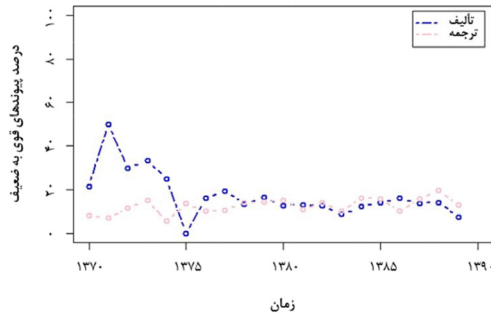
به یکدیگر مرتبط شده و شبکه متراکم خواهد بود. بازه تغییرات چگالی بین صفر تا یک است. چگالی یک به معنای آن است که همه اعضای شبکه کاملاً به یکدیگر مرتبط هستند و چگالی صفر به معنای نبود هیچ گونه ارتباط بین اعضای شبکه. شکل ۳۲ تغییرات این سنجه را در بازه زمانی مورد مطالعه در دو شبکه ترجمه و تألیف نشان می‌دهد.



شکل ۳۲- روند تغییرات چگالی شبکه نشر رمان تألیفی و ترجمه شده (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

در شکل فوق، علاوه بر چگالی کل شبکه (منحنی قرمز)، چگالی شبکه ناشران (منحنی سبز) و چگالی شبکه نویسندگان (منحنی آبی) نیز محاسبه شده است. سطوح بالای چگالی شبکه ناشران به این معناست که تعداد اندکی از نویسندگان با طیف متنوعی از ناشران کار کرده‌اند و برعکس چگالی بالای شبکه نویسندگان به این معناست که عده زیادی از نویسندگان با تعداد معدودی از ناشران کار کرده‌اند. در نهایت، مقادیر بالای چگالی شبکه کل (در مورد شبکه‌های دو وجهی) بدین معناست که تقریباً اکثر نویسندگان با اکثر ناشران در ارتباط بوده‌اند.

پیوندهای ضعیف: وزن پیوندها، بسامد ارتباطات بین گره‌های مرتبط باهم را نشان می‌دهد. برای مثال، نویسنده یا مترجمی که در بیش از دو کار با ناشری همکاری کرده باشد یعنی پیوندی قوی با آن ناشر دارد.



شکل ۳۳- درصد پیوندهای قوی در شبکه نشر رمان تألیفی و ترجمه شده (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

همان‌گونه که در شکل بالا می‌بینیم، قبل از سال ۱۳۷۵ تعداد پیوندهای قوی در شبکه رمان تألیفی بسیار زیاد بوده است. البته میزان پیوند قوی در شبکه ترجمه و تألیف بعد از سال ۱۳۷۵ تقریباً یکسان بوده است. به‌طور کلی، شبکه ترجمه بر اساس شاخص‌های آماری تحلیل شبکه، از نوعی پایداری و یکدستی در بازه تحقیق برخوردار بوده در حالی که شبکه رمان تألیفی همواره بیش از شبکه ترجمه تحت تأثیر عوامل بیرونی (شرایط سیاسی-اجتماعی) و عوامل درونی بوده است. مطالعه دقیق‌تر این سنج‌های آماری نشان می‌دهد که متغیرهای مزبور بالقوه می‌توانند وضعیت زیرنظام‌ها و فرآیندهای تغییر نظام و تصویری کلی از ارتباطات شبکه‌ای را نشان دهند. با دقت در انواع ارتباطات در نمودارها و گراف‌ها می‌توان جایگاه گره‌ها (مرکزی، حاشیه‌ای یا پیرامونی)، شیوه‌ها یا الگوهای ارتباطی و تراکم منابع و سایر ابعاد دخیل در تغییر نظام را مورد بررسی نقادانه قرار داد. نتایج به دست آمده در فصل بعد به‌طور مفصل مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

تیپولوژی شبکه نشر رمان

شبکه‌های اجتماعی منبع اطلاعاتی خوبی برای ارائه تصویر کلی بازار نشر رمان در یک سال و نیز نشان دادن ارتباطات بین عوامل اصلی نشر هستند. در بخش قبل، شبکه‌ها بر اساس گفتمان سیاسی غالب هر دوره تحلیل شد. در این بخش شبکه‌ها

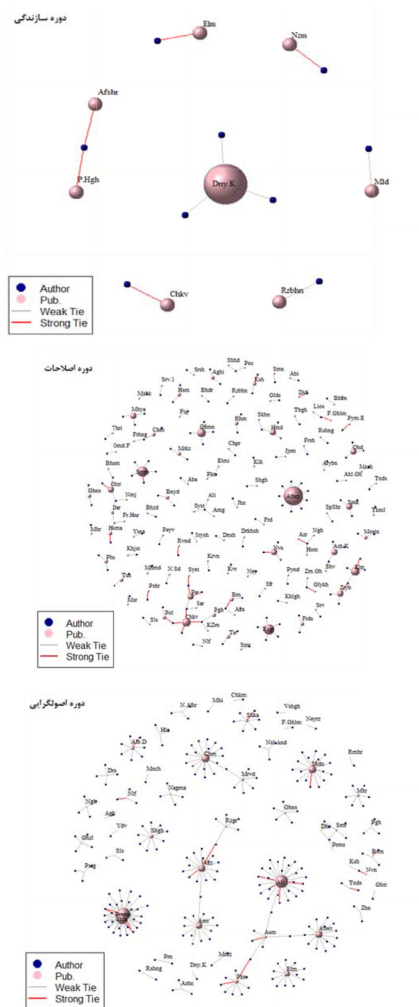
به لحاظ ساختاری تحلیل و تقسیم بندی می‌شوند.

به‌طور کلی ساختار هر شبکه، مجموعه‌ای از روابط بین عناصر گوناگون شبکه است؛ بنابراین، تغییرات در ساختار بر عملکرد کلی نظام تأثیرگذار است. مقایسه شبکه‌های نشر رمان تألیفی و ترجمه شده نشان می‌دهد که شبکه ترجمه کمابیش پایداری و یکدستی بیشتری در طول زمان در مقایسه با شبکه تألیف داشته است. به‌رغم بالا و پایین رفتن تعداد گره‌ها و پیوندها، نوعی نظم و قاعده‌مندی در شبکه ترجمه دیده می‌شود در حالی که شبکه‌های رمان تألیفی تغییرات بیشتری را در طول این بازه زمانی داشته‌اند.

شکل ۳۴ سه نوع ساختار متفاوت از شبکه‌های نشر رمان را در طول بازه زمانی مورد مطالعه نشان می‌دهد که هرکدام از این شبکه‌ها متعلق به یک دوره سیاسی است. شبکه اول مربوط به ساختار کلی شبکه نشر رمان در زمان دولت سازندگی، شبکه دوم مربوط به دوره دولت اصلاحات و شبکه سوم مربوط به زمان دولت اصولگرایان است. به‌طور کلی در شبکه اول تعداد گره‌ها و در نتیجه پیوندها بسیار اندک است. در این شبکه بیشتر پیوندها از نوع پیوند قوی است، بدین معنا که یک نویسنده بیش از سه اثر خود را برای نشر به یک ناشر سپرده است، مانند احمد محقق، نویسنده رمان‌های کارآگاهی و جنایی. همان‌طور که در شبکه اول می‌بینیم احمد محقق با دو ناشر (پیام حق و افشار) پیوند قوی دارد یعنی این ناشران بیش از سه اثر از او را در طول یک سال منتشر کرده‌اند.

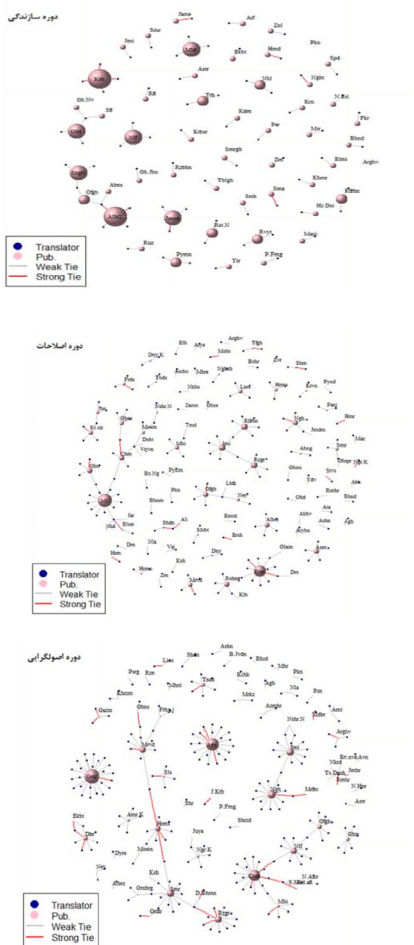
افزایش تعداد گره‌ها و پیوندها، تمرکز زدایی از گره‌های ناشران، افزایش تعداد پیوندهای ضعیف از ویژگی‌های قابل توجه شبکه دوم است. این ویژگی‌ها نشانه پویایی شبکه است که یکی از پیامدهای آن را می‌توان دموکراسی نشر نامید. در این دوره تعداد بیشتری از موسسات انتشاراتی امکان یافتند رمان ادبی منتشر کنند و لذا در مقایسه با شکل شبکه در دوره گذشته شاهد افزایش ارتباطات و گره‌های اصلی هستیم. این شبکه متعلق به دوره اصلاحات است؛ دوره‌ای که بسیاری آن را

دوره شکوفایی نشر دانستند. شبکه سوم متعلق به سال‌های پایانی دهه ۱۳۸۰ در زمان دولت اصولگرایان از مشخصه‌های شبکه‌ای این دوره می‌توان از افزایش پیوندهای قوی و مرکزیت ناشرانی خاص نام برد.



شکل ۳۴- تیپولوژی شبکه نشر رمان تألیفی (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

در شکل ۳۵ سه نوع متفاوت از شبکه‌های ترجمه را در بازه زمانی مورد نظر می‌بینیم که مانند شکل قبلی، بازتابی از سیاست نشر در هر دوره سیاسی را نشان می‌دهد: شبکه اول متعلق به دولت سازندگی، شبکه دوم متعلق به دولت اصلاحات و شبکه سوم تعاملات شبکه‌ای در دولت اصولگرا را نشان می‌دهد.



شکل ۳۵- تیپولوژی شبکه رمان ترجمه شده (۱۳۷۰-۱۳۸۹)

در شبکه اول، جز در دو مورد، شاهد گره‌های مرکزی و پیوندهای قوی هستیم ولی ارتباط و همکاری بین گره‌ها دیده نمی‌شود. در شبکه دوم، تعداد گره‌ها و پیوندها به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته‌اند و از ناشران خاص، مرکزیت زدایی شده است. در این شبکه شاهد همکاری بسیاری از مترجمان با ناشران مختلف هستیم. در شبکه سوم، خوشه‌ها به جزیره تبدیل شده‌اند و پیوندهای قوی بیش از پیش به چشم می‌خورند.

فرضیه بنیادین در تحلیل شبکه‌های اجتماعی، مطالعه ساختارهای پنهان بافت اجتماعی است. در نظریه شبکه، به «مدل»‌هایی از روابط شبکه‌ای بین گره‌ها دست می‌یابیم که به‌نوعی استعاره‌هایی از جهان واقع‌اند. سه مدل شبکه‌ای در هر یک از شکل‌های ۳۴ و ۳۵، سه مدل ارتباطی بین ناشران و نویسندگان در شبکه رمان تألیفی، و سه مدل ارتباطی بین ناشران و مترجمان در شبکه رمان ترجمه شده را در سه بازه و دوره سیاسی مورد مطالعه، نشان می‌دهند. عدم توجه یا کم‌توجهی به مسائل فرهنگی مانند نشر کتاب در دولت سازندگی، آزادی نسبی سیاسی- اجتماعی و شکوفایی نشر در دولت اصلاحات و اعمال نظارت و محدودیت‌های سختگیرانه در دولت اصولگرا مهم‌ترین مشخصه سیاست فرهنگی هر دوره است که بازتاب آن در شکل ارتباط میان عاملان اصلی بازار نشر نمود یافته است.

فصل پنجم
رویکرد تلفیقی به نشر رمان

مقدمه

در هر کار تحقیقی ذکر نتایج و یافته‌ها بدون تحلیل و تبیین آن‌ها بر اساس مفروضات و پرسش‌های تحقیق کفایت نمی‌کند. تبیین و تحلیل یافته‌های پژوهش در چارچوب رویکرد مورد نظر موضوع این فصل است که به دو بخش تقسیم می‌شود. در بخش نخست به تبیین تیپولوژی شبکه نشر رمان در حوزه تألیف و ترجمه و در بخش دوم به بررسی وضعیت بازار نشر رمان در این حوزه از منظر رویکرد عاملیت و ساختار بررسی خواهیم پرداخت. در پایان نیز نکاتی درباره نوآوری‌های روشی و محتوایی این پژوهش و نیز توصیه‌هایی درباره تحقیقات آینده مطرح می‌کنیم.

تقابل عاملیت و ساختار در حوزه نشر ادبی

هدف غایی این مطالعه نه ارائه نظریه‌ای جامع در مورد بافت اجتماعی-فرهنگی کشور بلکه بررسی بازار نشر ادبی به مثابه یک امر اجتماعی و منطق حاکم بر آن بوده است. از نظر بوردیو در صورتی می‌توان منطق حاکم بر امر اجتماعی را درک کرد که آن را خاص، بافت‌مند و گزینه‌ای از میان گزینه‌های احتمالی بدانیم (بوردیو، ۱۹۹۸، ص ۲). بر این اساس، هدف از بررسی بازار نشر ادبی به مثابه یک

امر اجتماعی در بازه مورد تحقیق این است که ساختارها و عوامل پیدا و پنهانی که به لحاظ تاریخی و زمانی در شکل‌گیری ارتباطات در شبکه نشر ادبی نقش داشته‌اند، مورد شناسایی قرار گیرند. از منظر مبانی نظری، ایون-ژهر در مدل خود قدرت دولتی، تولید کننده و مصرف کننده را عاملان و کنشگران متمایز از هم معرفی می‌کند که از طریق محصولات فرهنگی با هم مرتبط می‌شوند؛ اما از منظر گیدنز و نظریه ساختمندی او، عاملیت و ساختار دو روی یک سکه و دارای روابط دیالکتیک و دوسویه‌اند که هر یک بر شکل‌گیری طرف دیگر تأثیر دارد.

«ارتباط» کلیدواژه نظریه تحلیل شبکه است. منظور از ارتباط، تعامل متقابل در بین گره‌ها یا عناصر و کنشگران دخیل در شبکه است. در موضوع مورد نظر در این تحقیق، گره‌ها عبارت‌اند از ناشران، مترجمان و نویسندگان که ارتباط بین آن‌ها جایگاه‌شان را در شبکه تعیین می‌کند. در این بخش ابتدا روابط درون‌سیستمی و سپس روابط میان‌سیستمی (تأثیر عوامل بیرونی در شکل‌دهی به شبکه) را مورد واکاوی قرار می‌دهیم. یکی از مهم‌ترین موضوعات در تحلیل شبکه‌های اجتماعی مفهوم «هموفیلی» است که به تمایل افراد و گره‌ها به ایجاد رابطه با گره‌های مشابه اشاره دارد و مثل معروف «کبوتر با کبوتر، باز با باز» را تداعی می‌کند. اگر از منظر این مفهوم به شبکه نگاه کنیم گروه‌ها و افرادی را با یکدیگر مرتبط می‌بینیم که عموماً خط فکری و انتخاب‌های مشابه دارند و در تقسیم‌بندی شبکه‌ای در خوشه «یکسان» قرار می‌گیرند (ر.ک. پیوست ۳). این نکته در شبکه نشر رمان کشور به خوبی مشهود است. معمولاً افرادی که در حوزه نشر ادبی در کشور فعالیت دارند از طبقه اجتماعی «روشنفکران» هستند. این افراد در تشکیل حلقه‌های اجتماعی بر مبنای علائق، تمایلات و ارزش‌های اجتماعی مشترک خود اقدام می‌کنند. برای مثال، موسسات انتشاراتی «دبیر» و «سمیر» عموماً رمان‌های تاریخی چاپ می‌کنند و خوشه‌ای خاص را در شبکه تشکیل می‌دهند. عامل دیگر، نقش سرمایه اجتماعی در شکل‌دهی به ساختار کلی شبکه است.

برخی ناشران به دلیل برخورداری از پیوندهای ارتباطی زیاد از سرمایه اجتماعی و در نتیجه اعتماد اجتماعی بالایی در شبکه بهره می‌برند. شایان ذکر است که کسب سرمایه اجتماعی در گرو تعداد «پیوندهای ضعیف» با تعریف مورد قبول در ادبیات تحلیل شبکه است. ممکن است ناشری در یک سال دوازده رمان از یک نویسنده / مترجم و ناشر دیگری چهار رمان از چهار نویسنده / مترجم مختلف منتشر کند؛ در این حالت از منظر مبانی تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی (یا «جایگاه مرکزی») ناشر دوم به مراتب از ناشر اول بیشتر است. دلیل این امر آن است که ناشر اول، دوازده اثر از یک نویسنده و احتمالاً در یک ژانر منتشر کرده یعنی پیوند قوی میان نویسنده و ناشر برقرار بوده است، اما ناشر دوم چهار رمان از نویسندگانی متفاوت و احتمالاً در ژانرهای متفاوت منتشر کرده است. بنابراین، ناشر دوم نقش مهم‌تری در ظهور و بروز جریان‌های ادبی خواهد داشت.

بر همین مبنا، تحلیل گران شبکه همواره بر نقش مهم و تأثیرگذار پیوندهای ضعیف تأکید کرده‌اند زیرا این پیوندها در ظهور ایده‌های جدید و بالطبع تغییرات اجتماعی-فرهنگی نقش دارند. اگر چه جایگاه ناشران در شبکه نتیجه عملکرد حرفه‌ای آنان است اما برخی عوامل بیرونی نیز جایگاه ساختاری آنان در شبکه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. توصیف و تبیین بازار نشر رمان کشور را می‌توان در دو سطح مجزا اما مرتبط تحلیل کرد. سطح تحلیل درون‌سیستمی و سطح تحلیل بین‌سیستمی. در سطح تحلیل اول، تعاملات و روابط درونی نشر مورد بررسی قرار می‌گیرند اما در سطح تحلیل دوم، وابستگی تعاملات و ارتباطات بازار نشر به نظام‌های دیگر مانند نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مقاطع زمانی متفاوت و در بازه زمانی مورد نظر مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

تأثیر گفتمان سیاسی بر حوزه نشر رمان

نشر کتاب یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌رود به‌طوری که طبق آمار غیر رسمی روزانه ۳۵۰ ناشر جدید وارد

بازار نشر کتاب می‌شوند و در طول ۳۵ سال گذشته بیش از یک میلیون عنوان کتاب به چاپ رسیده است (ر.ک. نگاهی به صنعت نشر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵). علاوه بر نویسندگان و مترجمان، عوامل زیاد دیگری نیز در بازار نشر ادبی دخیل هستند. مهم‌ترین بازیگران و عاملان دخیل در این حوزه عبارت‌اند از ناشران، طراحان گرافیکی، مدیران موسسه‌های انتشاراتی، توزیع‌کنندگان کتاب، اتحادیه‌های ناشران، نویسندگان و مترجمان. همه این بازیگران با حمایت و پشتیبانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نقش مهمی در سه مرحله نشر کتاب دارند: مرحله پیشاتولید، تولید و پساتولید. بحث عاملیت و ساختار در حوزه نشر مخصوصاً نشر ادبی همواره محل مناقشه بوده است. اگرچه دولت پیوسته از سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی برای رونق بازار کتاب و ترویج فرهنگ کتابخوانی در بین عامه مردم سخن به‌میان می‌آورد، اما در عمل اقدامات نظارتی از مرحله صدور مجوز چاپ تا ممیزی و گاه توقیف محصول نهایی در تضاد با سیاست‌گذاری مزبور بوده است.

وابستگی حوزه نشر به قدرت سیاسی از زوایای گوناگون قابل بحث است. نخست اینکه انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از یک منظر رسانسی فرهنگی بود. شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئول تعیین سیاست‌گذاری فرهنگی از جمله در حوزه نشر و تطبیق آن با موازین ایدئولوژیک و مذهبی بودند. دوم، از سال ۱۳۶۲ به بعد ناشران ملزم شدند برای گرفتن مجوز نشر به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رجوع کنند. سوم، در سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی قانون «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» را تصویب و اجرای آن را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محول کرد که بر اساس آن وزارت فرهنگ مسئول صدور مجوز چاپ و نظارت بر محتوای کتاب‌ها شد. چهارم، ناشران (حتی ناشران خصوصی) از نظر اقتصادی به شدت به دولت وابسته‌اند. در دوران سازندگی، سیاست دولت نزدیکی به سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی به

خصوص بانک جهانی بود و از آنجایی که میزان رشد چاپ و نشر کتاب و دیگر محصولات فرهنگی یکی از عوامل نشان دهنده توسعه‌یافتگی یک کشور بود، مجوزهای چاپ زیادی به افراد داده شد که تنها شرط آن داشتن مدرک کارشناسی توسط متقاضی بود. البته، افزایش تعداد ناشران بی تجربه و ناآشنا به حوزه نشر، مشکلات متعددی به همراه داشت. از مهم‌ترین مشکلات و معضلات آن می‌توان به چاپ کتاب بدون در نظر گرفتن علاقه عامه مردم اشاره کرد. همچنین، نداشتن مهارت لازم در نشر کتاب و عدم شناخت حرفه‌ای بازار نشر منجر به تولید انبوه کتاب‌های بی کیفیت، چه به لحاظ ساختاری و چه به لحاظ محتوایی، شد. اگرچه بسیاری از ناشران به تدریج این حوزه را رها می‌کردند، در عین حال درخواست اخذ پروانه نشر به دلایل زیر ادامه داشت تا جایی که تعداد پروانه‌های نشر به حدود ۹ هزار پروانه رسید:

۱- با حمایت شورای شهر تهران، دارندگان پروانه نشر می‌توانستند به‌طور قانونی در ساختمان‌های مسکونی کار کنند. این بدان معنی بود که پروانه نشر می‌توانست پوششی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی باشد.

۲- برای کمک به افزایش کمی تولید کتاب، دولت از طریق اعطای یارانه‌های مختلف به ناشران مانند وام‌های کم بهره، وام‌های بلند مدت و سهمیه کاغذ (که معمولاً دو تا سه برابر ارزان‌تر از قیمت بازار آزاد بود) به ناشران کمک می‌کرد.

۳- دولت حدود ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ نسخه از هر عنوان کتاب چاپ شده را خریداری می‌کرد.

۴- ناشران امکان شرکت در نمایشگاه‌های ملی کتاب (مانند نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، شهرستان‌ها، و نمایشگاه‌های مناسبتی مانند هفته کتاب، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و غیره) را داشتند.

۵- موسسات و سازمان‌های دولتی اقدام به خرید کتاب می‌کردند. با روی کار آمدن دولت اصلاحات در سال ۱۳۷۶، حوزه نشر کتاب وارد دوره

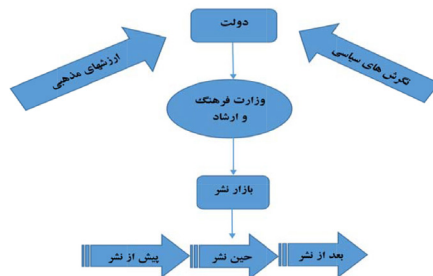
جدیدی شد. کم شدن حساسیت‌های دولتی در بحث نظارت و نیز حضور عطاالله مهاجرانی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی فضای مناسبی را برای چاپ بیشتر کتاب‌ها فراهم کرد. البته، این افزایش همراه با شکوفایی نشر نبود چون مشکلات گذشته همچنان پابرجا بود. فشارهای محافظه کاران و افزایش انتقادات به فرایند نشر منجر به استعفای مهاجرانی و از سرگیری ممیزی و سانسور کتاب‌ها شد. به دلیل وجود محدودیت‌ها و نیز برخورداری ناشران از برخی امتیازها، حوزه نشر در چرخه تقلب و فساد گرفتار شد. واردات بی رویه کاغذ باعث ورود کاغذ دولتی به بازار آزاد و موجب اعتراض اعضای اتحادیه ناشران شد که خواستار قطع سهمیه کاغذ دولتی و تعیین قیمت کاغذ بر اساس بازار آزاد بودند تا سوء استفاده‌های مالی کاهش یابد. اما تا پایان دوره ریاست جمهوری خاتمی به این درخواست‌ها ترتیب اثر داده نشد.

با به قدرت رسیدن اصولگرایان و انتخاب احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور، تغییر و تحولات در حوزه نشر آغاز شد. صفارهرندی، ویراستار و سردبیر روزنامه کیهان، به عنوان وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شد. در این دوره سهمیه کاغذ قطع شد و سختگیری در چاپ برخی کتاب‌ها در حوزه ادبیات، تاریخ و جامعه‌شناسی افزایش یافت و سازوکار خرید کتاب توسط وزارت ارشاد از ناشران تغییر کرد. سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در حوزه نشر در این دوره بیشتر بر اساس حمایت از ناشرانی بود که قرابت فکری و ایدئولوژیک بیشتری با رویکرد فرهنگی دولت داشتند. لذا، منابع حمایتی محدود به ناشران خاصی شد و نارضایتی جمع کثیری از فعالان حوزه نشر را به دنبال داشت.

در دولت یازدهم، سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. او در زمان دولت اصلاحات در قامت نماینده مجلس از مخالفان و منتقدان سیاست‌های فرهنگی اصلاح طلبان بود. در دوره وزارت وی محدودیت‌ها و سختگیری‌ها به مراتب افزایش یافت، اگرچه نظارت‌های سختگیرانه دولت به دلایل زیر خیلی پایدار

نبود. اولاً، شبکه‌های اجتماعی و کتاب‌های الکترونیکی موجب افزایش ارتباط بین ایرانیان و جهان شدند. ثانياً، به دلیل رشد سطح تحصیلات، دانش عمومی و مهارت زبان‌های خارجی در میان مردم، دسترسی به منابع خارجی نسبت به گذشته افزایش چشم‌گیری یافته بود. افزایش منابع اطلاعاتی، اثر نظارت‌های سختگیرانه دولتی را تضعیف کرد.

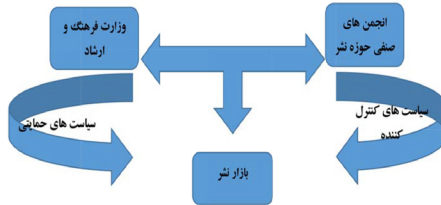
رابطه قدرت (ساختار) و عاملیت در بستر فرهنگی کشور رابطه عمودی است (شکل ۳۶). درگفتمان مذهبی و سیاسی غالب در کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مثابه یکی از عالی‌ترین مراجع سیاست‌گذاری فرهنگی باید در مورد مسائل فرهنگی از جمله انتشار کتاب تصمیمات مناسب اتخاذ کند. بر این اساس، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به اولویت‌های فرهنگی دولت، سیاست مناسب را برای تقویت یا محدود کردن عوامل ذی‌ربط تعیین می‌کند. این رویکرد سنتی و رایج نسبت به انتشار کتاب در ایران می‌تواند با رویکردی متناسب جایگزین شود.



شکل ۳۶- ساختار حوزه نشر بر اساس رابطه عمودی قدرت-عاملیت

طبق شکل بالا روند امور مبتنی بر تصمیم‌گیری عالی‌ترین مقام درباره دیگران است، دیگرانی که به نظر مقام عالی، فاقد صلاحیت، اعتبار و آزادی تصمیم‌گیری هستند، زیردست به‌شمار می‌آیند و باید هدایت شوند. ساختار جایگزین برای سیاست‌گذاری فرهنگی عمودی، ساختار پیشنهادی در شکل ۳۷ است که بر

اساس رابطه افقی قدرت و عاملیت استوار است.



شکل ۳۷- ساختار نشر بر اساس رابطه افقی قدرت و عاملیت

تیین دو گونه ساختار قدرت را می‌توان در نظر اوسلن (۲۰۰۶)، متفکر مدیریت سازمانی، بهتر درک کرد. او میان دو مفهوم نزدیک، رهبری^۱ و راهنمایی^۲ تفاوت قائل می‌شود. مفهوم «رهبر» به فرد یا افرادی دلالت می‌کند که از موقعیت برتر و قدرت و اختیار تصمیم‌گیری خود برای فرماندهی، کنترل، برقراری نظم و نظارت در سازمان استفاده می‌کنند. اما ماهیت «راهنمایی» با ماهیت رهبری به‌شدت متفاوت و متباین است. تباین بین این دو ناشی از اصول و ارزش‌هایی است که ذاتا و به لحاظ نظری و عملی، ناسازگار و آشتی ناپذیرند. راهنمایی از نظر اوسلن عبارت است از: «استقلال در تصمیم‌گیری‌های فردی در حوزه مسئولیت خود و همزمان، مشارکت در تصمیمات مشترک» (اوسلن، ۲۰۰۶، ص ۶). با توجه به این دیدگاه، «راهنمایی» عبارت است از مدیریت از طریق اشتراک قدرت با دیگران و فراهم آوردن امکان قدرتمند شدن دیگران. این استدلال که بیشتر روان‌شناختی است تا جامعه‌شناختی، در مدیریت بازار نشر کاربرد دارد. از منظر اوسلن، «راهنمایی» مستلزم نوعی درونی سازی قدرت است:

هنگامی که ساختار افقی قدرت به‌طور واقعی و رسمی در سازمان اجرا شود، عاملان به‌طور مساوی و هم‌سطح، با هم ارتباط برقرار می‌کنند. بر این اساس، وقتی

1. Leadership
2. Leadingship

برای اولین بار از تبادل نظرات استفاده می‌کنند، می‌توانند آنچه خود دارند و آنچه از دیگران به‌دست می‌آورند را بدون نگرانی از دست دادن چیزی و بدون ترس از مجازات، به اشتراک بگذارند. شکل‌گیری این ساختار قدرت، پیروزی بزرگی برای بشریت خواهد بود. استاندارد اصلی برای انجام کار، برابری روابط بین افرادی است که با ملاحظه ارزش‌های انسانی کار می‌کنند (اوسلن، ۲۰۰۶، ص ۲۹).

در زمینه بازار نشر، اظهار نظر فوق به معنای «استقلال نسبی» عوامل و کنشگران این بازار برای دستیابی به توافق، هویت‌یابی و خودمختاری است. استقلال و خودمختاری ناشران، نویسندگان، مترجمان و سایر عوامل فعال در توانمندسازی اتحادیه‌های ناشران و کتابفروشان و انجمن نویسندگان ایرانی بازتاب می‌یابد. این نوع اتحادیه‌ها به نویسندگان و مترجمان احساس شخصیت و هویت می‌دهد. همان‌طور که موريسون (۲۰۰۵) تأکید می‌کند، جامعه و عناصر آن به‌طور شبکه‌ای به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند و لذا اهمیت ارتباطات و بازخورد در توسعه اجتماعی شایان توجه است. کاربرد این دیدگاه در بازار نشر به‌مثابه یک عنصر فرهنگی مهم در ایران منوط به پذیرش این اصل خواهد بود که شکوفایی فرهنگی جز از طریق ارتباطات و هم‌افزایی امکان‌پذیر نیست.

پویایی درون‌سیستمی در شبکه رمان

بر اساس شاخص‌های تحلیل شبکه که در فصل قبل ارائه شد، می‌توان وجود نوعی «بحران» را در حوزه نشر ادبیات به‌ویژه رمان، استنباط کرد. بر اساس نظریه نظام‌های چندگانه و با توجه به آمار آثار داستانی منتشر شده، خزاعی فر و اشرفی (۱۳۹۱) بر این باورند که جایگاه مرکزی رمان ترجمه شده در مقایسه با رمان تألیفی، بیانگر نوعی بحران مداوم در نظام چندگانه ادبی ایران است که ریشه آن به سال‌ها پیش و عوامل مختلف باز می‌گردد. عوامل ذی‌ربط را می‌توان به دو دسته عمده عوامل سیاسی-اجتماعی و عوامل فرهنگی تقسیم کرد.

عوامل سیاسی-اجتماعی عمدتاً به گفتمان سیاسی غالب بستگی دارند.

زیرمجموعه‌های این عوامل را می‌توان وابستگی صنعت چاپ و نشر به ساختار سیاسی، وابستگی اقتصادی ناشران به دولت، فقدان همگرایی ایدئولوژیک بین ناشران (به‌ویژه ناشران ادبی برجسته) و دولت و عدم رشد فرهنگ کتابخوانی در بین عامه مردم ذکر کرد.

اما عوامل فرهنگی دخیل در بروز و استمرار بحران نشر در ایران عمدتاً شامل تعاملات داخلی و عملکرد عوامل چاپ و نشر مانند ناشران، نویسندگان و مترجمان است. نخستین نکته قابل ذکر در این ارتباط آن است که نگارش و نشر در ایران، به‌ویژه در حوزه ادبی، به‌مثابه فعالیتی حرفه‌ای و ممر کسب درآمد مستمر و نیز عامل ایجاد امنیت شغلی، شناخته نمی‌شود. نویسندگان و مترجمان ایرانی نمی‌توانند نگرانی‌های مالی و معیشتی خود را از طریق نویسندگی و ترجمه کردن رفع کنند. نکته دوم به پتانسیل عاملان برای تاثیرگذاری بر بازار کتاب بازمی‌گردد. یکی از ناشران درباره دلیل عدم پیشرفت در نشر رمان‌های تألیفی، به بیان پاسخی ساده و دقیق اکتفا کرد: «نویسندگان ما سواد ادبی به‌روز و غنی ندارند». اگرچه تمام ناشران مورد مصاحبه بر این واقعیت تأکید داشتند که حمایت از رمان تألیفی مهم است، اما به نظر می‌رسد هزینه این حمایت بسیار زیاد بوده باشد. عبارتی مانند «دوست داریم که بیشتر کارهای تألیفی چاپ کنیم، اما...» در بیان ناشران مورد مصاحبه، پر بسامد بود.

در حالی که انتظار می‌رود نشر رمان ترجمه شده هزینه و دردسر بیشتری از نشر رمان تألیفی داشته باشد، اما گویا موضوع چنین نیست و جنبه‌های پیچیده‌تری دارد. حداقل سه دلیل اصلی را می‌توان برای این موضوع بیان کرد. اول اینکه خواندن کتاب‌های ترجمه شده به فارسی برای ایرانیان اعتبار و یا شأنیت فرهنگی می‌آورد. این استنباط فقط محدود به «خواندن» نیست؛ دانستن زبان خارجی یا صحبت کردن به زبان خارجی هم نوعی اعتبار و شأنیت برای فرد به‌همراه می‌آورد. در چنین وضعیتی به‌طور طبیعی انتظار نمی‌رود بازار رمان تألیفی در برابر بازار رمان

ترجمه شده از رونق برخوردار باشد. دلیل دوم این است که انتشار ترجمه بر خلاف تألیف، نکته‌ای مثبت در ترازنامه مالی ناشر به‌شمار می‌رود زیرا فروش آن تضمین شده است. دلیل سوم دشواری بیشتر انتشار رمان تألیفی از انتشار رمان ترجمه شده است. نویسنده ممکن است چندین سال از عمرش را صرف نگارش رمان کند اما نتواند مجوز نشر آن را بگیرد، امری که در ایران مسبوق به سابقه بوده است. لذا می‌توان با ناشران و نویسندگان هم‌دلی کرد که چرا انگیزه‌ای برای نگارش و انتشار رمان ندارند. ناگفته نماند که برای اکثر موسسات انتشاراتی در ایران که در تلاش برای بقای خود هستند، حمایت از انتشار رمان‌های تألیفی، ریسک بزرگی است.

فصل ششم
فرهنگ و ادبیات داستانی

مقدمه

صالحی امیری (۱۳۹۰) آسیب فرهنگی را نوعی کژکرداری در سطح سیاست‌ها، نظام‌ها، ساختارها، مدیریت، اهداف، برنامه‌ها و کارآمدی نظام فرهنگی در مسیر دستیابی به آرمان‌ها و اهداف نظام فرهنگی تعریف می‌کند. با توجه به شرایط بحرانی نظام ادبی در ایران، در این بخش با اتخاذ نگاهی کلان‌نگر به ریشه‌یابی این کژکرداری می‌پردازیم.

آسیب‌شناسی فرهنگی نشر ادبیات داستانی

شکی نیست که فرهنگ به همان اندازه که برآیند، برساخته و تحت تأثیر عاملیت و ساختار است، بر کنش‌های فردی و بازتولید ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اثرگذار نیز هست. با وجود این، حوزه فرهنگی همواره در سایه تغییرات اجتماعی-سیاسی بوده است. بازار نشر ادبی هم به مثابه یکی از مهم‌ترین صحنه‌های فرهنگی کشور همواره دستخوش تغییر و تحولاتی بوده که بعضاً باعث ایستایی و عدم رشد این حوزه شده است. چنان که می‌دانیم دایره معنایی فرهنگ بسیار گسترده است و تمامی فعالیت‌های انسانی را در برمی‌گیرد. قره‌باغی (۱۳۸۳، ص. ۲۹)، مفهوم فرهنگ را به چهار نوع معنا می‌کند:

- ۱- فرهنگ به مثابه مقوله‌ای آگاهی‌بخش و شعور انسانی که اندیشه، کمال، هدف و آرمان و اعتلای دستاوردهای انسانی را در بر می‌گیرد.
 - ۲- فرهنگ به مثابه گفتمانی که ضمن برخورداری از موارد فوق، اسباب بیداری شعور یا رشد اخلاقی جامعه را نیز فراهم می‌آورد.
 - ۳- فرهنگ به مثابه مقوله‌ای توصیفی که شامل آثار هنری و تمامی آثار مبتنی بر شعور و دانایی انسان است.
 - ۴- فرهنگ به مثابه گفتمان اجتماعی که ناظر بر جوانب گوناگون زندگی انسان است.
- ویلیامز (۱۹۷۶)، از پیشگامان مطالعات فرهنگی، برای واژه فرهنگ سه معنا ذکر می‌کند:
- ۱- فرهنگ به معنای کلی رشد فکری، معنوی و زیبایی‌شناختی (دیدگاه اومانستی)؛
 - ۲- فرهنگ به معنای شیوه خاص زندگی یک ملت یا گروه که در روح مشترک جامعه جلوه می‌کند (دیدگاه مردم‌شناختی)؛
 - ۳- فرهنگ به معنای آثار و فعالیت‌های فکری و به ویژه هنری عالی که در مقابل فرهنگ عامیانه قرار می‌گیرد (متداول‌ترین معنای فرهنگ)
- البته بعدها این تعاریف باهم ادغام شدند و ذیل دو مفهوم مجزا در مطالعات فرهنگی قرار گرفتند: نخست فرهنگ به مثابه هنر که به‌طور خاص ویژگی هنری دارد و دوم فرهنگ به مثابه شیوه زندگی که ویژگی انسان‌شناختی دارد (جانسون آر، ۱۹۷۰، ص ۵۱-۵۲). گیدنز (۱۹۸۴) هم با دیدگاهی مشابه، فرهنگ را متشکل از ارزش‌های مشترک، هنجارهای پذیرفته شده و کالاهای مادی و تولید شدهٔ اعضای یک گروه معین می‌داند. ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها عبارت‌اند از بایدها و نبایدهای زندگی اجتماعی و اصول و قواعد معینی که انتظار می‌رود مردم آن‌ها را رعایت کنند. با توجه به تغییر و تحولات و پیشرفت‌های فناورانه

شگرف خارج از کنترل، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در معرض تهدید و خطر قرار دارد. از یک سو، جوامع پیشرفته برای تسلط بر منابع جوامع کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه، با شناخت و بررسی فرهنگ جوامع مزبور و از طریق مهندسی فرهنگی اقدام به تغییر فرهنگ آن‌ها در راستای منافع خود می‌کنند. از سوی دیگر جوامع در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته نیازمند آسیب‌شناسی فرهنگ خود هستند تا بتوانند با جوامع دیگر به گونه‌ای تعامل کنند که با خطر هویت‌زدایی فرهنگی مواجه نشوند. آسیب‌شناسی فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت برای رفع آسیب‌ها در این جوامع مستلزم مطالعه علمی، دقیق و جامعه‌شناختی عناصر فرهنگی توسط متخصصان جامعه‌شناسی فرهنگی است. جامعه‌شناسی فرهنگی درصدد است تا با مطالعه علمی جامعه و فرهنگ و ارائه تحلیل جامعه‌شناختی از پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی، شناختی دقیق از عناصر فرهنگ و کارکرد و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، علل و پیامدهای تغییر و تحول فرهنگی، و نیز چگونگی سازگاری با تغییرهای سریع و یا مقاومت در برابر آن‌ها، ارائه دهد.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد هدف ایون-ژهر ارائه چارچوبی نظری و روش‌شناختی برای مطالعه «نقش ادبیات ترجمه شده» به مثابه فعالیتی نظام‌مند، پیچیده و پویا بود. بر اساس این رویکرد، ادبیات به عنوان یک نظام پویا در نظام چندگانه فرهنگ قرار می‌گیرد که در آن هر کالای فرهنگی به‌طور عام و ادبیات به‌طور خاص، علاوه بر جایگاه ادبی، موقعیت فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و ایدئولوژیک خود را دارد. به این دلیل از نظر این رویکرد، مطالعه ادبیات بدون در نظر گرفتن بافت خاص آن، غیرقابل توجیه می‌نماید.

زمانی که ایون-ژهر چارچوب نظریه‌پردازی خود را از مطالعات ترجمه به سمت پژوهش فرهنگی سوق داد، به پیروی از سنت روشنگری بریتانیا سه تعریف از فرهنگ را ارائه کرد. وی ابتدا تعریف متیو آرنولد (۱۹۶۰، ص. ۶) را مطرح می‌کند که فرهنگ را «مجموعه‌ای از معارف یا بهترین اندیشه‌ها و کردارهای آدمیان»

می‌داند. تعریف دوم از آن ادوارد تایلور است که برای نخستین بار فرهنگ را از تعریف کلاسیک آن خارج کرد و مترادف با تمدن دانست. از نظر او، فرهنگ «کلیت در هم تنیده‌ای از دانش، دین، هنر، اخلاقیات، و آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت است که آدمی به‌عنوان عضوی از جامعه آن را کسب می‌کند» (آشوری، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۲-۱۱۳). نکاتی که در این برداشت از فرهنگ گفته شده تا حد زیادی مورد اجماع جامعه‌شناسان و اندیشه‌ورزان علوم اجتماعی نیز هست. دیدگاه فرهنگی سوم که به‌شدت بر مفهوم کارکردهای زبانی استوار است، فرهنگ را مترادف با زندگی اجتماعی و «جهانی از ارتباطات نمادین» می‌داند (پوور، ۱۹۶۸، ص. ۶). سویدلر (۱۹۸۶، ص. ۲۷۳) فرهنگ را مجموعه‌ای از اشکال نمادین و در دسترس عموم می‌داند که مردم به کمک آن‌ها معنا را درک و بیان می‌کنند (سویدلر، این برداشت نشانه‌شناختی از فرهنگ اساس دیدگاه فرهنگی ایون-ژهر (۲۰۰۵) را شکل می‌دهد. بر همین اساس، او فرهنگ را گنجینه‌ای (یا سرمایه ادبی)^۱ از عادت‌ها، مهارت‌ها و سبک‌ها می‌داند که «راهبردهای عملی»^۲ افراد را شکل می‌دهد (سویدلر، ۱۹۸۶، ص. ۲۷۳). «گنجینه ادبی» که یکی از کلیدواژه‌های مهم ایون-ژهر و مفهوم کلیدی در نظریه فرهنگی او به‌شمار می‌رود، مجموعه‌ای از انتخاب‌هایی است که گروه‌ها یا افراد برای سازماندهی زندگی از آن استفاده می‌کنند. ایون-ژهر (۲۰۰۵، ص. ۷۷) «ابتکار» و «واردات» را دو سازوکار اصلی در ایجاد گنجینه‌های جدید می‌داند. واردات یا «انتقال» بیشتر وقتی اتفاق می‌افتد که یا کمبودی در نظام مقصد باشد و «(میل به استفاده از کالای جدید)» احساس شود، یا فرهنگ مقصد با موقعیتی جدید روبرو شود که گنجینه‌های بومی پاسخگوی نیاز مزبور نباشد و یا گنجینه فرهنگی «وارداتی» تا حد زیادی نزد اکثریت جامعه مقصد، غنی و معتبر تلقی شود.

در حالی که سازوکار «واردات» بیشتر بر وجود کمبود و نقصان در گنجینه

1. Repertoire
2. Strategies of action

فرهنگی مقصد تأکید دارد، سازوکار «ابتکار» عبارت است از کنش «افرادی که در ساخت گنجینه فرهنگی یک ملت نقش اساسی دارند و عامل فرایند انتقال هستند» (ایون-زُهر، ۲۰۰۵، ص ۷۹). با توجه به اینکه تأکید ایون-زُهر بر متون مکتوب است، عوامل این کنش فرهنگی هم کسانی مانند نویسندگان، مترجمان، شاعران، متفکران، منتقدان هستند که در شکل‌گیری و ثبات یک ایده نقش اساسی دارند. متفکران حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی تقریباً اتفاق نظر دارند که کنش روشنفکری فی نفسه صبغهٔ سیاسی دارد (آهیرن، ۲۰۰۴). این موضوع به‌ویژه در فرانسه دیده می‌شود که در آن مفهوم «روشنفکر» (برخلاف مفاهیمی چون صاحب‌نظر، دانشمند، کارشناس یا استاد)، به‌طور دقیق به استفاده از سرمایه فرهنگی برای ایجاد تأثیرات وسیع در حوزه سیاسی بازمی‌گردد. از اظهار نظر معروف شلی نیز می‌توان همین نکته را دریافت: «شاعران، قانون‌گذاران ناشناخته جهان هستند» (شلی، ۱۹۳۱، ص ۱۰۹). با این همه، ایون-زُهر که در ابتدا با معرفی نظریه نظام‌های چندگانه، کار خود را از ترجمه ادبی آغاز کرده بود، پس از توسعه حوزه پژوهشی خود به مطالعات فرهنگی، بار دیگر به ارتباط تنیده میان زبان و فرهنگ اشاره می‌کند و این جاست که از ترجمه سخن به میان می‌آید: با توجه به نقش مهم زبان در شکل‌دهی به گنجینه فرهنگی یک ملت و بالطبع «ترجمه» به مثابه یکی از مهم‌ترین ارتباطات بین‌فرهنگی، این پدیده تا چه اندازه در شکل‌دهی به هویت ملی نقش دارد؟ او سیاست‌گذاری فرهنگی را مجموعه‌ای مهم از کنش‌ها یا مداخله‌های نهاد قدرت و یا عوامل دخیل برای نهادینه کردن گنجینه فرهنگی در جامعه می‌شمارد. به دیگر سخن، سیاست‌گذاری فرهنگی یعنی داشتن یک «طرح» از پیش تعیین شده برای «توسعه فرهنگی». در ایران، تعدد نهادهای فرهنگی و تأثیرگذار در فرهنگ، موجب شده است برنامه ریزی و تعیین اولویت‌های چنین «طرحی» با مشکل مواجه شود. صالحی امیری (۱۳۹۰)، از مفهوم «منظومه فرهنگی» نام می‌برد و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «حرکت طبیعی نظام

فرهنگی در مسیر پویایی و تعامل با سایر اجزای نظام اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی به نحوی که تعادل در برآیند این تبادلات و تقابلات برقرار شود» (ص ۱۱۰). وی برای دستیابی به منظومه فرهنگی و تحقق نظم متعادل، پویایی و حرکت آفرینی، وجود سه مولفه اساسی را لازم می‌داند (همان، ص ۱۱۱): بنیان‌های نظری، اصول و راهبرد فرهنگی و مدیریت فرهنگی.

این مولفه‌های سه‌گانه در عین کلی بودن بسیار مهم و اساسی هستند. اما به نظر می‌رسد زمان آن رسیده است که عینی‌تر و جزئی‌تر وارد این «منظومه فرهنگی» شویم. حوزه‌های فرهنگی ما از هنر گرفته تا سینما، موسیقی، تئاتر و کتاب‌همگی نیازمند آسیب‌شناسی اصولی، بازنگری و اصلاح هستند. آمار و ارقامی که درباره سرانه مطالعه در کشور ارائه می‌شود نه تنها فعالان حوزه نشر بلکه سایر مسئولان را هم نگران کرده تا آنجا صد اوسیمای نیز دست به کار تولید برنامه‌هایی برای تقویت ذائقه فرهنگی مردم و ایجاد انگیزه برای کتاب و کتابخوانی در سطح جامعه و عامه مردم شده است. کارکرد اجتماعی-فرهنگی کتابخوانی در کاهش آمار جرم، افزایش طراوت جامعه و اعتلای فرهنگی آن از یک سو و ارائه تصویری فرهنگی از کشوری که درگیر نزاع‌های سیاسی است از سوی دیگر، باید جامعه دانشگاهی و به‌ویژه اندیشمندان حوزه علوم انسانی را بر آن دارد تا با رویکردی علمی به توسعه و پیشرفت فرهنگ کتاب و کتابخوانی کمک کنند. به گواهی یافته‌های این تحقیق، نقش ترجمه در بازار نشر ادبیات داستانی ما همواره پررنگ‌تر از نقش تألیف بوده است، چه به لحاظ کمی و چه حتی کیفی! برتری ادبیات داستانی ترجمه شده در وهله نخست حاکی از وجود ضعف، نقصان و موانع در فرایند تولید ادبیات داستانی اصیل است. اما با نگاهی موشکافانه‌تر و استفاده از نظریات متخصصان و فعالان دخیل در این حوزه درمی‌یابیم که ادبیات تألیفی چه از نظر تنوع ژانری و چه از نظر عوامل یا موانع دخیل در چرخه نشر نمی‌تواند با ادبیات ترجمه شده رقابت کند. مهم‌ترین عوامل و علل را می‌توان در پنج سرفصل کلی بیان کرد:

- ۱- نبود بستر حرفه‌ای در زمینه تولید ادبیات داستانی؛
 - ۲- نبود برنامه‌ریزی برای رشد ادبیات داستانی؛
 - ۳- اعمال نظارت‌های سلیقه‌ای در بحث ممیزی و توقیف آثار داستانی؛
 - ۴- اعمال نظارت شدیدتر بر ادبیات تألیفی در مقایسه با ادبیات ترجمه شده؛
 - ۵- عدم توجه به ساماندهی بازار نشر ادبی؛
- همان‌گونه که قبلاً اشاره شد ایون-ژهر استفاده فرهنگ مقصد از واردات ادبی را در سه موقعیت بحرانی، طبیعی می‌داند اما به گفته خزاعی فر و اشرفی (۱۳۹۱)، به نظر می‌رسد وضعیت بحرانی در بافت فرهنگی ایران تداوم پیدا کرده و تبدیل به «بحرانی مداوم» شده است. این بحران را باید از منظرهای گوناگون ریشه‌یابی کرد و لذا نمی‌توان حوزه فرهنگ را مستقل از دیگر نظام‌های دخیل مانند نظام اقتصادی، سیاسی، آموزشی یا اجتماعی مورد بررسی قرار داد. در عمل، سازوکار این نظام‌ها چنان در هم تنیده است که نمی‌توان برای هر کدام هویتی مستقل قائل شد. اگر از منظر نظریه نظام‌های چندگانه به وضعیت فعلی بازار نشر ایران بنگریم، افراد دخیل در این حوزه را عمدتاً قشر روشنفکر تشکیل می‌دهند. روشنفکر به معنای عام کلمه، یعنی فردی که در عین آگاهی در صدد اصلاح وضعیت موجود جامعه خود است. بها دادن به این رسالت خود نشانگر پویایی فرهنگی نظام است در حالی که در شرایط فعلی نظارت‌های شدید و بعضاً سلیقه‌ای به تداوم بحران در حوزه ادبیات داستانی منجر شده است. از منظر نظریه ایون ژوهر، وضعیت فعلی حوزه نشر ادبیات داستانی در ایران مرهون «واردات» داستان‌های ترجمه شده است، اگرچه حوزه شعر مرکزیت خاص خود را داراست. بیشک نمی‌توان از نقش مثبت داستان‌های ترجمه شده در معرفی گونه‌ها و ژانرهای داستانی جدید، و البته زنده نگه داشتن بازار نشر داستان به‌ویژه در برهه‌های زمانی خاص مانند نیمه نخست دهه ۱۳۷۰، یاد نکرد. اما به نظر می‌رسد در کنار واردات داستان، زمان آن فرا رسیده که سیاست‌های فرهنگی در راستای حمایت از ابتکار و نوآوری در

حوزه داستان‌جهت‌دهی شود. نتایج یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نقش دولت به مثابه یک قدرت سیاسی در تغییرات حوزه فرهنگ به‌طور کلی و در بازار نشر به‌طور خاص بسیار مهم است. برای مثال، پیش از سال ۱۳۷۶، ادبیات تألیفی به میزان چشم‌گیری کمتر از ادبیات ترجمه شده بود ولی در سال ۱۳۷۶ شاهد رشد کمی ناگهانی و «انفجاری» در بازار نشر به‌ویژه در حوزه تألیف هستیم. این‌گونه تأثیرگذاری‌های سیاسی محدود به یک سال خاص نیست. در سال ۱۳۸۴ که تقریباً دو سال از پیشی گرفتن کمی تولید ادبیات تألیفی از ادبیات ترجمه شده می‌گذرد، ناگهان ادبیات تألیفی با اُفت شدید مواجه می‌شود.

به نظر می‌رسد تغییرات ایدئولوژیک و سیاسی در حوزه نشر، بیشتر بر ادبیات تألیفی اثرگذار است تا بر ادبیات ترجمه شده؛ موضوعی که قابل تأمل و واکاوی است. از یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان نتیجه گرفت که این‌گونه اثرگذاری، آسیبی اجتماعی-فرهنگی است که درمان آن در گرو استقلال از سیاست و سیاست‌زدگی است؛ برای نیل به این هدف در ابتدا بایستی بسترسازی فرهنگی در دو سطح میان‌سیستمی و درون‌سیستمی صورت گیرد. در مورد اول، باید خُرده‌نظام‌های دخیل در شکل‌گیری نظام فرهنگی، زمینه استقلال فرهنگ از سیاست را فراهم آورند. برای مثال نظام آموزش و پرورش می‌تواند هم دانش‌آموزان را به کتاب و کتابخوانی ترغیب کند و هم با آموزش صحیح و پرورش استعدادهای ادبی، در تربیت تدریجی نویسنده و مترجم و فعال فرهنگی نقش آفرینی کند. عوامل درون‌سیستمی از صدر تا ذیل، از مدیران ارشد تا عوامل جزء، می‌توانند به اندازه وسیع خود در دستیابی به استقلال فرهنگ از سیاست و سیاست‌زدگی اثرگذار باشند. در این راستا می‌توان موارد زیر را مهم‌ترین مولفه‌های اثرگذار به‌شمار آورد:

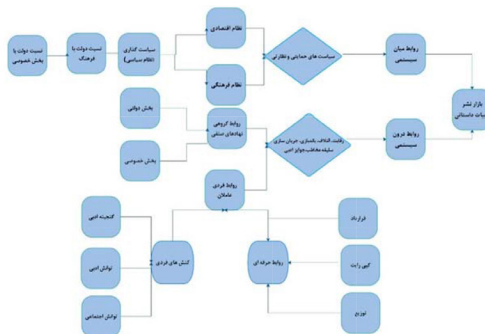
- استقلال هویتی حوزه فرهنگ؛

- تقویت نقش اصناف فرهنگی در برقراری ارتباط بین مدیریت دولتی و ناشران خصوصی؛

- استفاده از افراد متخصص، روزآمد و آشنا به ادبیات جهان؛
- بازرنگری و آسیب‌شناسی قوانین حاکم بر بازار نشر مانند قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان؛
- پذیرش قوانین جهانی مانند حقوق مولف (کپی رایت) و عضویت در مجامع ادبیات جهان؛
- معرفی و ارائه ادبیات داستانی بومی فاخر به جهان؛

الگوی نظری بازار نشر ادبیات داستانی

محققان برای توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی از الگوهای نظری استفاده می‌کنند. با دقت در یافته‌های این تحقیق، اعم از یافته‌های آماری، اسنادی و مصاحبه‌ها، به نکاتی رسیدیم که نقشی تعیین کننده در بازار نشر ادبیات داستانی دارند. بررسی و آسیب‌شناسی ارتباط میان این پدیده‌ها (عاملان) می‌تواند موضوع تحقیقات آینده باشد.



شکل ۳۸- الگوی نظری بازار نشر ادبیات داستانی

گزاره‌های نظری این الگو عبارت‌اند از:

- ۱- نظام نشر، تابعی از روابط بیناسیستمی و درون‌سیستمی است. بر این اساس، روابط بیناسیستمی تابعی از سیاست‌گذاری‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... است. میزان اثرگذاری نظام اقتصادی و فرهنگی نیز تابعی از نظام

سیاسی است که خود تابعی از نسبت دولت با فرهنگ است. نسبت دولت با فرهنگ نیز برآیندی است از نسبت میان دولت، بازار و بخش خصوصی.

۲- نظام فرهنگی از طریق اعمال سیاست‌های حمایتی و نظارتی بر بازار نشر تأثیر می‌گذارد. سیاست‌گذاری‌های حمایتی و نظارتی نیز تابعی از رویکرد سیاسی رایج به مسائل فرهنگی است. سازوکارهای حمایتی دولت به حوزه فرهنگ و بالطبع سازوکار حمایتی نظام فرهنگی به حوزه نشر به دو صورت کلی حمایت مستقیم و غیر مستقیم انجام می‌شود. در روش‌های حمایتی غیر مستقیم تمرکز از کالای فرهنگی به سمت تولید فرهنگی است.

۳- روابط درون‌سیستمی در بازار نشر تابعی از روابط گروهی مانند روابط نهادی صنفی و نیز روابط فردی عاملان بازار نشر است. نهادهای صنفی از طرفی تابعی از روابط بیناسیستمی و از طرف دیگر تابعی از روابط درون‌سیستمی هستند. روابط عاملان بازار نشر تابعی از ارتباط عوامل حرفه‌ای با کنشگران و نیز کنش فردی عاملان است. کنش فردی عاملان بازار نشر تابعی از توانش‌های اجتماعی (ارتباطی)، توانش‌های ادبی و گنجینه ادبی و زبانی نظام ادبی است. عوامل حرفه‌ای تابع مسائلی چون قراردادها، حق نشر (کپی‌رایت) و نیز توزیع و پخش آثار چاپ شده است.

سخن پایانی

در این کتاب به بررسی ساختار اجتماعی نشر رمان معاصر از منظر تحلیل شبکه‌های اجتماعی با مقایسه تعاملات اجتماعی در خرده‌نظام‌های ترجمه و تألیف در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۹ پرداختیم. نکات مهم قابل ذکر به‌طور خلاصه به شرح زیر است. نخست اینکه از تحلیل شبکه به مثابه ابزاری تحلیلی برای درک منطق حاکم بر روابط میان ناشر و مولف و ناشر و مترجم در شبکه تألیف و ترجمه استفاده شد. با استفاده از ترسیم گراف و شاخص‌های تحلیلی، می‌توان شبکه‌های ارتباطی و نقش عوامل و بازیگران مختلف و ساختار کلی درون شبکه را نشان داد.

ارائه اطلاعات کتاب‌شناسی در مورد رمان‌های منتشر شده در بیست سال اخیر یکی از دستاوردهای بسیار مهم این تحقیق است. انجام تحقیقات میدانی، و به‌ویژه جستجوی آماری، یکی از سخت‌ترین مراحل و مهم‌ترین مشکلات در انجام تحقیق در ایران است. در این مطالعه، با توجه به بازه زمانی مورد نظر، یافتن این آمار بسیار سخت‌تر بود. با توجه به فقدان این اطلاعات در پایگاه‌های موجود مانند کتابخانه ملی و خانه کتاب، آمار گردآوری شده در این مطالعه می‌تواند در تحقیقات آینده مورد استفاده قرار گیرد.

علاوه بر ویژگی‌های روش شناختی، برخی از ویژگی‌های دیگر نظام نشر ادبیات داستانی نیز در این مطالعه مشخص شد که «تداوم بحران» در زمینه چاپ رمان تألیفی یکی از مهم‌ترین نکات بود. مشخص گردید که دو عامل نقش مهمی در تداوم بحران مزبور ایفا می‌کنند: اول، وابستگی کامل نشر به منابع دولتی و دخالت قدرت سیاسی در چاپ و توزیع کتاب؛ و دوم، برتری کمی و کیفی رمان‌های ترجمه شده.

اقدامات واکنشی به جای کنش‌های سنجیده در حوزه نشر یکی دیگر از ویژگی‌های نظام نشر ادبیات داستانی است. به دلیل وجود محدودیت‌های ساختاری در حوزه نشر، عملکرد ناشران ادبیات داستانی در نشر آثار تألیفی یا ترجمه شده، بیشتر واکنشی بوده است. آنان نتوانسته‌اند به مثابه کنشگران فعال در حوزه تخصصی خود تأثیر‌گذاری فرهنگی-ادبی داشته باشند و یا از طریق نشر آثار ادبی اقدام به معرفی جریان‌ها و یا ژانرهای ادبی جدید کنند.

یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق این بود که «اعتماد» حلقه گمشده میان دولت و ناشران ادبی است. از یک سو، ناشران خصوصی مورد اعتماد قدرت (وزارت ارشاد و نظام سیاسی) نیستند و لذا آثارشان تحت نظارت و ممیزی جدی قرار می‌گیرد؛ از سوی دیگر، ناشران به دلایلی که برخی از آن‌ها قبلاً اعلام شد، آثار رمان نویسان بومی را منتشر نمی‌کنند و به نشر ترجمه روی می‌آورند و رمان فارسی

رشد نمی‌کند.

یکی دیگر از نتایج این تحقیق ارائه پیشنهادی است برای رفع مشکل نظام مدیریتی جاری نشر در ایران که منجر به وضعیت موجود و عدم اعتماد میان دولت و ناشران شده است، پیشنهاد تغییر الگوی مدیریت عمودی به مدیریت افقی. همان‌گونه که ذکر شد، مسئولان دولتی بارها آمادگی خود را برای حمایت از فرهنگ کتابخوانی و تشویق جامعه به این موضوع اعلام کرده‌اند. در عین حال، سازوکار ممیزی و مجازات‌های شدید با سیاست گسترش فرهنگ کتابخوانی در تضاد مستقیم است و بنیاد صنعت مستقل نشر کتاب در ایران را تضعیف می‌کند. الگوی پیشنهادی می‌تواند مشکل نظام مدیریتی موجود در نشر کتاب را تا حدودی رفع کند. در این الگو، نه قدرت سیاسی (وزارت ارشاد) بلکه اتحادیه ناشران (شامل ناشران، نویسندگان، مترجمان، ویراستاران، توزیع‌کنندگان و دیگر عاملان دخیل) مسئولیت حوزه نشر را بر عهده می‌گیرد. این اقدام می‌تواند به استقلال نسبی بازار نشر و ایجاد تحرک، نوآوری و خلاقیت در آن منجر شود.

در این تحقیق به نتایج مهمی در زمینه نشر ادبی در ایران و رابطه میان ترجمه و تألیف رمان دست یافتیم. ولی گستردگی موضوع نشر ادبیات داستانی ایجاب می‌کند که برخی موضوعات مرتبط که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفتند، موضوع پژوهش‌های آتی باشند. نخست آنکه با توجه داده‌های فراوان در مورد ادبیات داستانی چاپ شده، در این مطالعه فقط آثار رمان و داستان بلند مورد بررسی قرار گرفتند. یکی دیگر از حوزه‌های تحقیق می‌تواند حوزه داستان کوتاه باشد. نکته دوم اینکه در این مطالعه، ژانر آثار تألیفی و ترجمه شده مورد بررسی قرار نگرفت؛ واکاوی ژانر آثار تألیفی و ترجمه شده می‌تواند نکات قوت و ضعف ادبیات بومی را نمایان سازد. یکی دیگر از زمینه‌های پیشنهادی تحقیق در آینده، بررسی تحول عملکرد و روابط یک ناشر خاص در یک بازه زمانی مشخص است. همان‌گونه که قبلاً بیان شد این مطالعه ماهیت تطبیقی و مقایسه‌ای داشت که در آن

ارتباط ترجمه و تألیف در حوزه رمان از منظر نظریه تحلیل شبکه مورد بررسی قرار گرفت؛ اما در تحقیقات آینده می‌توان شبکه ترجمه و تألیف را به تنهایی و به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد.

کتابنامه

- ادیبی سده، مهدی؛ یزدخواستی، بهجت؛ ربانی خوراسگانی، علی و لطفی زاده، عباس (۱۳۸۹). سنجش سرمایه اجتماعی میان گروهی (طیف سام). رفاه اجتماعی. شماره ۳۸. صص ۱۹۳-۲۲۰.
- اسکات، جان. (۱۳۹۶). تحلیل شبکه اجتماعی. ترجمه محسن نوغانی دخت بهمنی و مهسا صادقی نژاد. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- باستانی، سوسن و رئیس، مهین (۱۳۹۰). روش تحلیل شبکه: استفاده از رویکرد شبکه‌های کل در مطالعه اجتماعات متن باز. مجله مطالعات اجتماعی ایران. ۲، ۳۲-۵۹.
- بالایی، ک. (۱۳۷۷). پیدایش رمان فارسی. (م. قدیمی و ن. خطا، مترجم). تهران: انتشارات معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۳). تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی. فصلنامه علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره ۵ و ۶: ۹-۴۹.
- خزاعی فر، علی، اشرفی، نسرین. (۱۳۹۱). «نگاهی توصیفی به وضعیت ترجمه و تألیف ادبی در نظام چندگانه ادبی ایران در دهه ۱۳۸۰». مطالعات زبان و ترجمه. شماره ۸، صص ۱۹-۴۱.
- رمضانی، ابوالفضل و میرزا محمدی، علی (۱۳۹۲). تحلیل شبکه‌های اجتماعی به همراه آموزش نرم افزار UCINET، تهران، جامعه‌شناسان.
- صادقی، فرشته (۱۳۸۵). بنیانگذاران نگرش سیستمی. ماهنامه تدبیر، شماره ۱۷۸ (اسفند). صص ۱۰۳-۱۰۵.
- صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فرهنگی در ایران. تهران. انتشارات ققنوس.
- قره باغی، علی اصغر (۱۳۸۳). فرهنگ و ماتریالیسم فرهنگی. ماهنامه ادبی گلستانه. شماره ۶۰. صص ۲۵-۳۴.

میرزایی، خلیل و لطفی زاده، عباس. (۱۳۹۳). نظریه جامعه‌شناسی مدرن. چاپ دوم. تهران: جامعه شناسان.

میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۰). سیر تاریخی ترجمه داستان و تاثیر آن بر ادبیات ملی. مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران، به اهتمام دکتر علی خزاعی فر، مشهد: نشر بنفشه، صص ۲۶۸-۲۵۹.

Abdallah, K. (2012). Translators in production networks: Reflections on agency, quality and ethics. *Dissertations in Education, Humanities and Theology*, 21. Joensuu: University of Eastern Finland.

Abdallah, K., & Koskinen, K. (2007). Managing trust: Translating and the network economy. *Meta. Translators' Journal*, 52(4), 673-687.

Adams, B. N., & Sydie, R. A. (2001). *Sociological Theory*. California: Pine Forge Press.

Ahearne, J. (2004). Between Cultural Theory and policy: The cultural policy thinking of Pierre Bourdieu, Michel de Certeau and Régis Debray (Research papers No.7). University of Warwick: Centre for Cultural Policy Studies.

Allen, E. (2007). Translation, globalization and English. In E. Allen (Ed.), *To be translated or not to be* (pp.17-33): PEN/IRL Report on the International Situation of Literary Translation. Barcelona: Institute Ramon Lull.

Aral, S., Muchnik, L. & Sundararajan, A. (2013). Engineering social contagions: Optimal network seeding in the presence of homophily. *Network Science*, 43.

Archer, M. (1988). *Culture and agency: The place of culture in social theory*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Atwood, B. (2016). *Reform Cinema in Iran: Film and Political Change in the Islamic Republic*. Columbia University Press.
- Aveling, Harry. (2008). Culture research in the recent work of Itmar Even-Zohar. *Celt*. 8(2), 154-169.
- Bassnett, S. (1993). *Comparative Literature: A Critical Introduction*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Bassnett, S. (2002). *Translation studies*. London and New York: Routledge.
- Berger, P. & Luckmann, T. (1996). *The social construction of reality: A treatise in the Sociology of Knowledge*. Garden City. NY: Doubleday
- Bernstein, R. J. (1989). Social theory as critique. In Held, D. & Thompson, J. B. (Eds), *Social theory of modern societies: Anthony Giddens and his critics*(pp.19-33). Cambridge: Cambridge University Press.
- Bogic, A. (2010). Uncovering the hidden actors with the help of Latour: The ‘making’ of the second sex. *MonTI2*, 2, 173–192. doi: 10.6035/MonTI.2010.2.9.
- Borgatti, S. P., & Foster P. (2003). The network paradigm in organizational research: A review and typology. *J. Management*, 29(6), 991–1013.
- Borgatti, S. P., & Halgin, D.S. (2011). On network theory. *Organization Science, Articles in advance*, 22 (5), 1-14. Retrieved from <http://steveborgatti.com/papers/orsc.1110.0641.pdf>
- Borgatti, S. P., Everett, M. G., & Freeman, L.C. (2002). *Ucinet for windows: Software for social network analysis*. Harvard, MA: Analytic Technologies.

- Borgatti, S., Mehra, A., Brass, D. & Labianca, G. (2009). Network analysis in the social sciences. *Science*, 323(5916), 892–895.
- Bourdieu, P. & Johnson, R. (1993). *The field of cultural production: Essays on art and literature*. New York: Columbia University Press.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital, In J. E. Richardson (Ed.) *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp.241-258), New York: Greenwood.
- Bourdieu, P. (1998) *Acts of resistance: Against the new myths of our times* (R. Nice, Trans), Cambridge: Polity Press.
- Bourdieu, P. (1977b/1972) *Outline of a theory of practice* (R. Nice, Trans) Cambridge: Cambridge University Press.
- Brisset, A. (1996). *A Socio critique of Translation*. Toronto: University of Toronto Press.
- Burt, R. S. (1992). *Structural holes: The social structure of competition*. Harvard University Press. Cambridge, MA.
- Buzelin, H. (2007). Translations “in the Making”. In M. Wolf and A. Fukari (Eds), *Constructing a sociology of translation* (pp. 135-170). Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.
- Buzelin, H. (2006). Independent publisher in the networks of translation. *TTR* 19(1), 135–173.
- Buzelin, H. (2007). Repenser la traduction à travers le spectre de la coédition. *Meta. Translators’ Journal*, 52(4), 688–723.
- Buzelin, H. (2005). Unexpected allies: How Latour’s network theory could complement Bourdieusian analyses in Translation Studies. *The Translator*, 11(2), 193–218.
- Castro-Prieto, M. R. & Dolores Olvera, M. (2007). *Panorama*

intelectual de la terminología a través del análisis de redes sociales. *Meta. Translators Journal*, 52(4), 816–838.

Centola, D., Gonzalez-Avella, G. C., Eg'íluz, V. M., & San Miguel, M. (2007). Homophily, cultural drift, and the co-evolution of cultural groups. *Journal of Conflict Resolution*, 51(6), 905, 2007.

Chang, N. F. (2011). In defense of polysystem theory. *Target*, 23(2), 311- 347.

Chesterman, A. & Wagner, E. (2002). *Can Theory Help Translators?* Manchester: St. Jerome Publishing.

Chesterman, A. (2006). Questions in the sociology of translation. In J. Ferreira Duarte, A. Assis Rosa & T. Seruya (Eds), *Translation studies at the interface of disciplines* (pp.9-27). Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.

Chlldress, B. (2011). Hawthorne experiments. Retrieved 02.11.2011, from

<http://www.referenceforbusiness.com/encyclopedia/Gov-Inc/Hawthorne-Experiments.html>

Cohen, I. J. (2000). Theories of Action and Praxis. In B. S. Turner (Ed.), *The Blackwell companion to social theory* (2nd edn, pp.73-105). Oxford: Blackwell.

Córdoba, S., & Sierra, M. (2007). La fiction québécoise traduite en Espagne: une question de réseaux. *Meta. Translators' Journal*, 52(4), 763-792.

Craib, I. (1992). *Anthony Giddens*. London: Routledge.

Cranmer, S. J. & Desmarais, B. A. (2011). Inferential network analysis with exponential random graph models. *Political Analysis*, 19(1), p.66-86. <http://people.cs.umass.edu/~wallach/>

courses/s11/cmpsci791ss/readings/cranmer11inferential.pdf.

Cronin, M. (2005). Bourdieu Review. *The Journal of Specialized Translation*, 6.

D'Exelle, B. & N. Holvoet. (2011). Gender and network formation in rural Nicaragua: A village case study. *Feminist Economics*, 17(2), 31–61.

<http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13545701.2011.573488>.

Dam, H. V., Engberg, J. & Schjoldager, A. (2005). Modelling semantic networks on source and target texts in consecutive interpreting: A contribution to the study of interpreters' notes. In H. V. Dam, J. Engberg & H. Gerzymisch-Arbogast (Eds) (2005). *Knowledge Systems and Translation* (pp. 227-254). Berlin/New York: de Gruyter.

Dawe, A. (1978). Theories of social action. In T. Bottomore & R. Nisbet (Eds), *A history of sociological analysis* (pp. 362-417). New York: Basic Books.

Degenne, A., & Forsé, M. (1999). *Introducing Social Networks*. London: Sage Publications.

Delisle, J. & Woodsworth, J. (Eds.) (1995). *Translators through history*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.

Even-Zohar, I. (1978). *Papers in historical poetics*. Tel Aviv: The Porter Institute for Poetics and Semiotics.

Even-Zohar, I. (1978). The Position of Translated Literature within the Literary Polysystem. *Papers in Historical Poetics*. Tel Aviv: Porter Institute, 21-28.

Even-Zohar, I. (1990). The position of translated literature within the literary polysystem. *Poetics Today*, 11(1), 45-51.

Even-Zohar, I. (2005). Papers previously published in various places and collected at http://www.tau.ac.il/~itmarez/ez_vita/ez-publications.htm

Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.

Faridi, M. (2011). *A Critical Study of the Potentials of Polysystem Theory as a Comparative Research Methodology in the Literary Scene of Iran: The Case of the System of Persian Prose Fiction* (Master's thesis). Retrieved from <http://idochp2.irandoc.ac.ir/FulltextManager/fulltext15/th/167/167862.pdf>

Folaron, D. & Buzelin, H. (2007). Introduction. *Connecting Translation and Network Studies*. *Meta: Translators' Journal*, 52(4), 605–642.

Fowler, J. H. (2006). Connecting the congress: A study of cosponsorship networks. *Political Analysis*, 14(4), 456–487. <http://pan.oxfordjournals.org/cgi/doi/10.1093/pan/mpl002>

Freeman, L. C. (1979). Centrality in social networks: Conceptual clarification. *Social Networks*, 1(3), 215–239.

Gentzler, E. (2008). *Translation and identity in the Americas: New directions in translation theory*. London & New York: Routledge

Giddens, A. (1976). *New Rules of Sociological Method: A Positive Critique of Interpretive Sociologies*. London: Hutchinson.

Giddens, A. (1981). *A Contemporary Critique of Historical Materialism*. Vol. 1: *Power, Property and the State*, Macmillan, London/Basingstoke.

- Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*. Berkeley, University of California Press.
- Goodreau, S. M., James A. K., & Morris, M. (2009). Birds of a feather, or friend of a friend? Using exponential random graph models to investigate adolescent social networks. *Demography*, 46(1), 103–125.
- <http://link.springer.com/article/10.1353/dem.0.0045>
- Gouanvic, J. (1997). Translation and the shape of things to come: The emergence of American science fiction in post-war France. *The Translator*, 3 (2), 125–152.
- Gouanvic, J. (2002). The stakes of translation in literary fields. *Across Languages and Cultures*, 3 (2), 159–168.
- Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. *Amer. J. Sociol.* 78(6), 1360–1380.
- Groß, M. L. (2012). Networked lone fighters? Knowledge flows and functional support in social networks of freelance translators. In L. Zybatow, A. Petrova & M. Ustaszewski (Eds) *Translationswissenschaft: alte und neue Arten der Translation in Theorie und Praxis* (pp.391-396). Frankfurt: Peter Lang.
- Haddadian Moghaddam, E. (2012). Agents and their network in a publishing house in Iran. In A. Pym & D. Orrego-Carmona (Eds) *Translation Research Projects 4* (37-50). Tarragona: Intercultural Studies Group, Universitat Rovira i Virgili.
- Hanappi, D. (2014). Revisiting field theory: On taking Bourdieu to envisioned futures. In A. Christoforou & M. Laine (Eds.), *Re-Thinking Economics: Exploring the Work of Pierre Bourdieu* (pp. 161-173). London and New York: Routledge.
- Hanna, S. (2016). *Bourdieu in translation studies: The socio-*

political dynamics of Shakespeare translation in Egypt. London and New York: Routledge.

Hatim, B., & Mason, I. (1990). *Discourse and the Translator*. London: Longman.

Hays, Sh. (1994). Structure and agency and the sticky problem of culture. *Sociological Theory*, 12, 57-72.

Heilbron, J. (2000). Translation as a Cultural World System. *Perspectives*, 8(1), 9-26.

Hekkanen, R. (2009). Fields, Networks and Finnish prose: A Comparison of Bourdieusian Field Theory and Actor-Network Theory in Translation Sociology. In D. De Crom (Ed.) *Selected Papers of the CETRA Research Seminar in Translation Studies 2008*.

<http://www.arts.kuleuven.be/cetra/papers/files/hekkanen.pdf>

Hermans, T. (1985). Introduction: Translation Studies and a New Paradigm. In T. Hermans (Ed.), *The Manipulation of Literature: Studies in Literary Translation*. New York: St. Martins Press.

Hermans, T. (1999). *Translation in systems: Descriptive and systemic approaches explained*. Manchester: St. Jerome.

Hermans, T. (2007). *The conference of the tongues*. Manchester: St Jerome Publishing.

Hermans, T. (Ed.) (1985). *The Manipulation of Literature: Studies in Literary Translation*. New York: St. Martins Press.

Hoff, P. D., Raftery, A. E., & Handcock, M.S. (2002). Latent space approaches to social network analysis. *Journal of the American Statistical Association*, 97(460), 1090-1098. <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1198/016214502388618906>

Hofstede, Geert (1991). *Cultures and organizations: Software of*

the mind. London: McGraw-Hill.

Holz-Mänttari, J. (1984). *Translatorisches Handeln: Theorie und Methode*. Helsinki: Suomalainen Tiedeakatemia.

Ibarra, H. (1992). Homophily and Differential Return: Sex Differences in Network Structure and Access in an Advertising Firm. *Administrative Science Quarterly*, 37, 422–447. <http://www.jstor.org/stable/10.2307/2393451>.

Inghilleri, M. (2003). Habitus, field and discourse: Interpreting as a socially situated activity. *Target*, 15 (2), 243–268.

Inghilleri, M. (2005). The sociology of Bourdieu and the construction of the ‘object’ in translation and interpreting studies. *The Translator*, 11 (2), 125–145.

Jackson, M. O., & Lopez-Pintado D. (2013). Diffusion and contagion in networks with heterogeneous agents and homophily. *Network Science*, 1(01), 49–67. http://www.journals.cambridge.org/abstract_S2050124212000070

Jay-Rayon, Laurence (2007). “Traduire les réseaux métaphoriques chez Nuruddin Farah.” *Meta. Translators’ Journal*, 52(4), 839–858.

Jixing, L. (2012). Changes of translation definition and turns of translation studies. *Cross-Cultural Communication*, 8(5), 35–43.

Johnson, R. (1999). The problem is always one of method: Cultural materialism, Political economy and cultural studies. 2.

Jones, F. (2009): Embassy networks: Translating post-war Bosnian poetry into English. In J. Milton & P. Bandia (Eds.), *Agents of Translation* (pp. 301–325). Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins.

Khalaji, M., Robertson, B., & Aghdami. M. (2011). Cultural

Censorship in Iran: Iranian Culture in a State of Emergency.

London: Small Media Foundation.

Khazaefar, A. & Ashrafi, N. (2013). A descriptive analysis of Iran's literary polysystem in the 2000s: A case of national and translated novels (Text in Persian). *Language and Translation studies*, 45 (1), 19-41.

Kirkland, J. H. (2011). The relational determinants of legislative outcomes: strong and weak ties between legislators. *The Journal of Politics*, 73(03), 887–898. http://www.journals.cambridge.org/abstract_S0022381611000533

Kossinets, G. & Watts, D. J. (2009). Origins of homophily in an evolving social network. *American Journal of Sociology*, 115(2), 405–450.

<http://www.jstor.org/stable/10.1086/599247>.

Krafft, P., Moore, J., Desmarais, B. A., & Wallach, H. (2012). Topic-partitioned multi-network embeddings. *Advances in Neural Information Processing Systems Twenty-Five*.

http://machinelearning.wustl.edu/mlpapers/paper_files/NIPS2012_1288.pdf

Kolaczyk, E.D. and Csardi, G. (2014). *Statistical Analysis of Network Data with R*. New York, Springer.

Kuhn, T. S. (1970). *The Structure of scientific revolutions* (2nd ed.). London: The University of Chicago Press, Ltd.

Lambert, J. (1995). Translation, systems and research: The contribution of polysystem studies to translation studies. *TTR*, 8 (1), 105-152.

Lambert, J. (1996). Language and Translation as General Management Problems. In C. Dollerup & V. Appel (Eds.),

Teaching Translation and Interpreting 3: New Horizons (pp. 271–293). Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.

Latora, V., & Marchiori, M. (2001). Efficient behavior of small-world networks. *Physical review letters*. [Http: //prl.aps.org/abstract/PRL/v87/i19/e198701](http://prl.aps.org/abstract/PRL/v87/i19/e198701)

Latour, B. (1987). *Science in action: How to follow engineers and scientists through society*. Open University Press: Milton Keynes.

Latour, B. (2005). *Reassembling the social: An introduction to Actor-Network-Theory*, Oxford: Oxford University Press.

Laumann, E. O., Marsden, P.V., & Prensky, D. (1983). The boundary specification problem in network analysis. In R. S. Burt, & M. J. Minor (Eds.), *Applied network analysis: A methodological introduction* (pp. 18-34). Sage: Beverly Hills.

Lazarsfeld, P., & Merton, R. K. (1954). Friendship as a social process: A substantive and methodological analysis. In M. Berger, T. Abel, & C. H. Page (Eds.), *Freedom and control in modern society* (pp.18-66). Van Nostrand: NewYork.

Lefevere, A. (1992). *Translation, rewriting, and the manipulation of literary fame*. London and New York: Routledge.

Lefevere, A. (1998). Translation practice(s) and the circulation of cultural capital: Some Aeneids in English, In S. Bassnett & A. Lefevere (Eds), *Constructing cultures: Essays on literary Translation* (pp.41-56). Clevedon: Multilingual Matters.

Lefevere, André. (1992). *Translation, rewriting, and the manipulation of literary fame*. London: Routledge.

Levin, D. Z., & Cross, R. (2004). The strength of weak ties you can trust: The mediating role of trust in effective knowledge

transfer. *Management Science*, 50(11), 1477–1490.

<http://mansci.journal.informs.org/cgi/doi/10.1287/mnsc.1030.0136>

Lorenz, E. N. (1963). Deterministic nonperiodic flow. *J. Atmospheric Sci.*, 20, 130-141.

Lubin, B., Shore, J., & Ishakian, V. (2013). Communication Network Design: Balancing Modularity and Mixing via Extremal Graph Spectra.

http://mackinstitute.wharton.upenn.edu/wp-content/uploads/2013/07/Shore-Jesse_Communication-network-design.pdf

Luhmann, N. (1986). The Autopoiesis of social systems. In F. Geyer and J. Van d. Zeuwen (Eds.), *Socio-cybernetic paradoxes: Observation, control and evolution of self-steering systems* (pp.172-192). London: Sage.

Luhmann, Niklas (1990). *Essays on Self-Reference*. New York: Columbia University Press.

Marwell, G., Oliver, P. E., & Prahl, R. Social networks and collective action: A theory of the critical mass. *American Journal of Sociology*, 3, 502–534.

Mason, I. (2000). Audience design in translating. *The Translator*, 6(1), 1–22.

Mason, W., & Watts, D. J. (2012). Collaborative learning in networks. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 109 (3), 764–769.

<http://www.pnas.org/content/109/3/764.short>.

Maturana, H. R. & Varela, F. J. (1980). *Autopoiesis and Cognition: The realization of The Living*, Dordrecht: D. Reidel

Publishing Company.

Maturana, H. R., & Varela, F. G. (1980). *Autopoiesis and cognition: The Realization of the Living*, Reidel, Dordrecht.

McDonald, S. (2011). What's in the old boy's network? Accessing social capital in gendered and racialized networks. *Social Networks*, 33(4), 317–330. <http://linkinghub.elsevier.com/retrieve/pii/S0378873311000554>.

McDonough, J. (2007). How do language professionals organize themselves? An overview of translation networks. *Meta*, 52(4), 793-815.

URL:<http://www.erudit.org/revue/meta/2007_v52/n4/017697ar.pdf> (Accessed May 2008)

McPherson, M., Smith-Lovin, L., & Cook, J. M. (2001). Birds of a Feather: Homophily in Social Networks. *Annual Review of Sociology*, 27(1), 415-444. doi:10.1146/annurev.soc.27.1.415

Merkle, D. (2008). Translation constraints and the “sociological turn” in literary translation studies. In A. Pym, M. Shlesinger, & D. Simeoni (Eds.) *Beyond Descriptive Translation Studies: Investigations in homage to Gideon Toury* (pp.175-186). Amsterdam and Philadelphia: Benjamins.

Mestrovic, S. G. (1998) *Anthony Giddens: The Last Modernist*. London: Routledge.

Mingers, J. (1995). *Self-producing systems: Implications and applications of autopoiesis*. New York: Plenum.

Moody, J. (2001). Race, school Integration, and friendship segregation in America. *American Journal of Sociology*, 107(3), 679–716.

Moreno, J. L. (1934). *Who Shall Survive?* Washington, DC:

Nervous and Mental Disease Publishing Company.

Moreno, J.L. (1934, 1993). *Who Shall Survive?* Rounoke, VA: Royal Publishing Company.

Morini, M. (2013). *The pragmatic translator: An integral theory of Translation*, London, New Delhi, New York, Sydney: Bloomsbury.

Moslem, M. (2002). *Factional Politics in Post-Khomeini Iran*. NewYork: Syracuse University Press.

Munday, J. (2001). *Introducing translation studies: Theories and applications*. London and New York: Routledge.

Nam Fung Chang. (2001). Polysystem theory: Its prospect as a framework for translation reserch. *Target*. 13(2), 317-332.

Neves, G., Cooke, S. F., & Bliss, T. V. P. (2008) Synaptic plasticity, memory and the hippocampus: a neural network approach to causality. *Nature reviews: Neuroscience*, 9(1), 65–75. <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/18094707>.

Newman, M. E. J. (2003). The structure and function of complex networks. *SIAM review*, 167–256.

Nida, Eugene A. (1964). *Toward a science of translating*. Leiden: Brill.

Plassard, F. (2007). La traduction face aux nouvelles pratiques en réseaux. *Meta*, 52(4), 643-657.

Pöllabauer, S. (2012). Tragfähige Ansätze? Wissens- und Kooperationsnetzwerke im Bereich Community Interpreting. *MDÜ*, 58(3), 14–20.

Poltermann, A. (1992). Normen des literarischen Übersetzens im System der Literatur. In H. Kittel (Ed.), *Geschichte, System, Literarische Übersetzung. Histories, Systems, Literary*

Translation (pp. 5–31). Berlin: Erich Schmidt.

Pouwer, J. (1968). Translation at sight: The job of a social anthropologist. Victoria University of Wellington

Prigogine, I. (1980). From being to becoming. New York: W. H. Freeman and Co.

Pym, A. (2007). Cross-cultural networking: translators in the French-German network of petites revues at the end of the nineteenth century. *Meta. Translators' Journal*, 52(4), 744-762.

Raftery, A.E., Niu, X., Hoff, P. D. & Yeung, K. Y. (2012). Fast inference for the latent space network model using a case-control approximate likelihood. *Journal of Computational and Graphical Statistics*, 21(4), 901–919.

<http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10618600.2012.679240>.

Reiss, K. & Vermeer, H. J. (1984). *Grundlegung einer allgemeinen Translationstheorie*. Tübingen: Niemeyer.

Risku, H. & Dickinson, A. (2009). Translators as networkers: The role of virtual communities, *Hermes* [Special issue], 49-70.

Risku, H. & Freihoff, R. (2000). Kooperative Textgestaltung im translatorischem Handlungsrahmen. In A. Chesterman, N. G. San Saldavor, & Y. Gambier (Eds.), *Translation in Context* (pp. 49–59). Amsterdam: Benjamins.

Risku, H. (1998). *Translatorische Kompetenz. Kognitive Grundlagen des Übersetzens als Expertentätigkeit*. Tübingen: Stauffenburg.

Risku, H., Rogl, R., & Pein-Weber, C. (2016). Mutual dependencies: centrality in translation networks. *The Journal of Specialized Translation*, 25, 232-253.

Ritzer, G. (2004). *The Globalization of Nothing*. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.

Rodriguez, M., Leskovec, J. & Krause, K. (2010). Inferring networks of diffusion and influence. *Proceedings of the 16th ACM SIGKDD international conference, Knowledge discovery and data mining*.

<http://dl.acm.org/citation.cfm?doid=1835804.1835933>

Schmidt, S. J. (1982). *Foundations for the empirical study of literature: The components of a basic theory* (R. Beaugrande, Trans). Hamburg: Buske.

Scott, J. (2000). *Social network analysis: A handbook*. SAGE Publications. Available at <http://books.google.com/books?id=okSev70ua3gC>

Seidl, D. (2004). *Luhmann's theory of autopoietic social systems*, Published presentation, Munich School of Management, Munich Business Research.

Shelley, P.B. (1931). *A defense of poetry* (with P. Sidney, *An apology for poetry*), (ed.) H.A. Needham, Ginn and Co., London.

Simeoni, D. (1998). The pivotal status of the translator's habitus. *Target*, 10 (1), 1–39.

Simeoni, D. (2005). Translation and society: The emergence of a conceptual relationship. In P. St-Pierre & P.C. Kar (Eds.), *Translation: reflections, refractions, transformations* (3-14), Delhi: Pencraft International.

Simeoni, D. (2007). Between sociology and history: Method in context and in practice. In M. Wolf and A. Fukari (Eds.) *Constructing a Sociology of Translation* (pp. 187-204). Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.

Snell-Hornby, M. (2006). *The turns of translation studies: New paradigms or shifting viewpoints*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.

Sprung, R. C. (Ed.) (2000). *Translating into Success*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.

Stackman, R. W. & Pinder, C. C. (1999). Context and sex effects on personal work networks. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16, 39–64.

<http://spr.sagepub.com/content/16/1/39.short>

Stähle, P. (2009). The dynamics of self-renewal: A systems-thinking to understanding organizational challenges in dynamic environments. In A. Bounfour (Ed.), *Organizational capital: modelling, measuring and contextualizing* (pp. 119-146). London: Routledge.

Straits, B. C. (1996). Ego-net diversity: Same- and cross-sex coworker ties. *Social networks*, 18, 29–45.

<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/0378873395002545>

Sundararajan, A, Provost, F., Oestreicher-Singer, G. & Aral, S. (2012). Information in Digital, Economic and Social Networks. *SSRN Electronic Journal*, 3.

<http://www.ssrn.com/abstract=2141682>.

Suri, S., & Watts, D. J. (2011). Cooperation and contagion in web-based, networked public goods experiments. *PloS one*, 6(3), e16836.

<https://doi.org/10.1371/journal.pone.0016836>

Swidler, Ann. (1986). Culture in action: Symbols and strategies. *American Sociological Review*. 51(2), 273-286.

Tahir-Gürçağlar, Ş. (2007). Chaos before order: Network maps and research design in DTS. *Meta. Translators' Journal*, 52(4), 724–743.

Thompson, J. B. (1989). The Theory of Structuration. In D. Held & J. B. Thompson (Eds), *Social theory of modern societies: Anthony Giddens and his critics* (pp.56-76). Cambridge: Cambridge University Press.

Toury, G. (1995). *Descriptive Translation Studies and beyond*. Amsterdam: John Benjamins.

Tymoczko, M., & Gentzler, E. (Eds.) (2002). *Translation and power*. Amherst: University of Massachusetts Press.

Tymoczko, Maria (2002). Connecting the two infinite orders: Research methods in Translation Studies. In T. Hermans (Ed.), *Crosscultural Transgressions* (pp. 9–25). Manchester: St. Jerome Publishing.

Tynjanov, J. (1978). On Literary Evolution. In L. Matejka and K. Pomorska (Eds), *Readings in Russian Poetics: Formalists and Structuralists Views*. Ann Arbor.

Tyulenev, S. (2012). *Applying Luhmann to translation studies*. London and New York: Routledge.

Vermeer, H. J. (2006). Luhmann's 'Social Systems' theory: Preliminary fragments from a theory of translation, Berlin: Frank & Timme.

Vermeer, Hans J. (1996). *A skopos theory of translation*. Heidelberg: TEXTconTEXT.

Ward, M. D., Stovel, K., & Sacks, A. (2011). Network analysis and political science. *Annual Review of Political Science*, 14(1), 245–264.

<http://www.annualreviews.org/doi/abs/10.1146/annurev.polisci.12.040907.115949>

Watts, D. J., Dodds, P. S., & Newman, M. E. (2002). Identity and Search in Social Networks. *Science* (New York, N.Y.), 296(5571), 1302–5.

<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/12016312>.

Webb, J., Schirato, T. & Danaher, G. (2002). *Understanding Bourdieu*, London: Sage.

Wellman, B. (1998) “Structural Analysis: From Method and Metaphor to Theory and Substance”, in *Structural Analysis: A network Approach*, Cambridge University.

Wellman, B., J. Salaff, D. Dimitrova, L. Garton, M. Gulia and C. Haythornthwaite (1996) “Computer Networks as Social Networks: Collaborative Work, Telework, and Virtual Community”, *Annual Review of Sociology*, 22: 213-38.

Wikipedia. (2011, October). Social network: Social network analysis. Retrieved 02.11.2011, from http://en.wikipedia.org/wiki/Social_network#Social_network_analysis

Williams, Raymond. (1963). *Culture and Society 1780-1950*. Harmondsworth: Penguin.

Wolf, M. (2006). The female state of the art: Women in the translation field. In A., Pym, M., Shlesinger & Z. Jettmarová (Eds.), *Sociocultural Aspects of Translating and Interpreting*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.

Wolf, M. (2007). Introduction: The emergence of a sociology of translation. In M. Wolf and Fukari (Eds.), *Constructing sociology of translation* (pp.1-31). Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.

Zachary, W. W. (1977). An information flow model for conflict and fission in small groups. *Journal of Anthropological Research*, 33(4), 452–473.

<http://www.maths.tcd.ie/~mnl/store/Zachary1977a.pdf>.

Zhang, Y., Friend, A. J., Traud, A., Porter, M. A., Fowler, J. H., & Mucha, P. J. (2008). Community structure in congressional cosponsorship networks. *Physica A*, 387(7), 1705–1712.

<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S037843710701206X>

پیوست‌ها

پیوست ۱: کوتاه‌نوشت نام ناشران در گراف‌ها

کوتاه‌نام	نام ناشر	کوتاه‌نام	نام ناشر	کوتاه‌نام	نام ناشر
Pdmh	پردیس مهر	Arj	آراج	Chkm	آوای چکامه
Prsmn	پرسمان	Arj	آراج	Ebtk	ابتکار نو
Prsmn	پرسمان	Arzmg	آرزمیگن	Akht	اختران
Prvn	پروین	Arvj	آرویج	Akhv	اخوان
Pej	پژواک کیوان	Arybn	آریابان	Ert.nvn	ارتباط نوین
Phn	پژوهنده	Arygh	آریان قلم	Ordb	اردبیهشت
Pgh	پگاه	Azmhr	آزادمهر	Arghn	ارغنون
Pol	پل	Asn	آسونه	Arghv	ارغوان
Plk	پلیکان	Asy	آسیا	Armg	ارمگان
Prshd	پورشاد	Asm	آسیم	Rahr	ارومیه: راهروان قلم
Pynd	پونده	Ashn	آشنایی	Astr	اساطیر
Pyng	پویه‌نگار	Ashr	آشوری	Arsh	استکھلم: آرش
PyEm	پیام امروز	Ashn	آشیان	Ostr	اسطوره
Pym	پیام پویا	Ash.K	آشیانه کتاب	Eshr	اشاره
Pym.E	پیام عدالت	Afrn	آفرینش	Dad	اصفهان: دادیار
Pkav	بیک آوین	Afrn	آفرینش	Sdand	اصفهان: صدای اندیشه
P.Frng	بیک فرهنگ	Afrn	آفرینش	Glbn	اصفهان: گلبن
Pkn	بیکان	Afrng	آفرینگان	Ashn	اصفهان: آشنا
Peyv	پیوسته	Afrne	آفرینه	Eflat	اطلاعات
Akht	تبریز: اختر	Agh	آگه	Afra	افرا

Rahy	تبریز: رهیافت	Amt	آموت	Afirz	افراز
Hshsm	تبریز: هاشمی سودمند	Ana	آنا	Afst	افست گرافیک
Tpsh	تپش نو	Srn	آوای سورنا	Ofgh	افق
Trfn	ترفند	Klr	آوای کلار	Afkr	افکار
Tka	تکا	Avn	آوین	Aghi	اقاقی
Tnds	تندیس	Avn	آوین	Ekbt	اکباتان
Tnvr	تنویر	Ahng	آهنگ دیگر	Albrz	البرز
Tus	توس	Ayt	آیات	Alb.D	البرز فردانش
Ts.Dnsh	توسن دانش	Bdnsh	بارش دانش	Elsat	الست فردا
Tfgh	توفیق آفرین	Bz.And	بازتاب اندیشه	Alms	الماس دانش
Thr	تهران	Bz.Ng	بازتاب نگار	Emtd	امتداد
Tir	تیر	Bghn	باغ نو	Omd	امید ایرانیان
Sls	ثالث	Bal	بال	Omd	امیدان
Jjrm	جاجرمی	B.Jvdm	بدرقه جاویدان	Amr.K	امیر کبیر
Jar	جار	Bdh	بدیهه	Elfrhn	انتشارات علمی و فرهنگی
Jmdrn	جامه‌دران	Bshr	بشیر علم و ادب	Ghlm	انجمن قلم ایران
Jmi	جامی	Bstn	بوستان	Andsb	اندیشه سبز
Jvd	جاویدان	Bhfrn	به آفرین	Andk	اندیشه کهن
Jrs	جرس	Bhjt	بهجت	Andn	اندیشه نو
Jmhr	جمهوری	Bhzd	بهباد	Andsz	اندیشه‌سازان
Juya	جویا	Bhnm	بهنام	Ansh	انوشه
J.Ktb	جهان کتاب	Bhnd	بهنود	Ohd	اوحدی
Jhn	جیحون	BynAz	بیان آزادی	Irskh	ایران سخن

نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی ۱۷۵

Chpr	چاپارفرزانگان	Byn	بیان نو	Irbn	ایران‌بان
Chm	چشمه	Bdgl	بیدگل	Irvn	ایروانی
Chkv	چکاوک	Prms	پارمیس	Irn	ایرون
Hfiv	حافظ نوین	Khvr	پاریس: انتشارات خاوران	Aba	آبا
Hfz	حافظیه	Pzn	پازینه	Abshn	آبشن
Hafz	حفظ	Psrg	پاسارگاد	Abgn	آبگون
Hkvt	حکایتی دگر	Plzn	پالیزان	Ryn	آبگین رایان
Hmd	حمیدا	Pnz	پانید	Abi	آبی
Khtn	خاتون	Par	پر	Atye	آتیه
Hkt	حکایت	Prv	پرپرواز	Azrb	آذربان
Shr.Kh	شهر خورشید	Ryd	رویداد	Khjst	خجسته
Shrzd	شهرزاد	Zal	زال	Khls	خلوص
Shrkt	شهر کتاب	Zar	زر	KhI	خیلیان
Tkht	شیراز: تخت جمشید	Zryb	زریاب	Khrzm	خوارزمی
Shr	شیراز: نوید شیراز	Zrn	زرین	Khng	خوش‌نگار
Shmh	شیرمحمدی	Dhlv	زرین شهر: دهلاویه	Khush	خوشه
Shrn	شیرین	Zeim	زعیم	Dat	دات
Hdyt	صادق هدایت	Zbgh	زبنق	Dar	دادار
Sbst	صبح سعادت،	Zvr	زوار	Drn	دارینوش
Sbh	صبحم	Zhd	زهد	Drn	دازینه
S.Msr	صدای معاصر	Zhr	زهره	Damn	دامون

S.Msr	صدای معاصر	Tbgh	سازمان تبلیغات اسلامی	Dyre	دایره
Sar	صریر	Ersh	سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد	Dbr	دبیر
Sfr	صفار	Smj	سازمان ملی جوانان	Drs	درسا
Safi	صفی‌علیشاه	Svz	ساویز	Dej	دژ
Snm	صنم	Synm	سایه نیما	Dstn	دستان
Trh	طرح نو	Sbz	سبزبان	Dsht	دشتستان
Tlye	طلایه	Arng	سبزآرنگ	Dshts	دشتستان
Tmr	طومار	Ymn	سبزوار: ابن یمن	Tmd	دفتر پژوهش‌های فرهنگی: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها
Abs	عباسی	Omhr	سبزوار: امیدمهر	Dlfn	دلفین
Orj	عروج	Sphr	سپهر ادب	DAft	دنیای آفتاب
Ata	عطائی	Spft	سپهر فاطمی	Dny.D	دنیای دانش
Efaf	عفاف	SpShr	سپیده سحر	Dny.K	دنیای کتاب
Aghl	عقیل	Skhn	سخن	Dny.K	دنیای کتاب
Elm	علم	S.ashn	سخن آشنا	Dny	دنیای نو
Elmi	علمی	SkhG	سخن گستر	Dst	دوست
Ali	علی	Artm	سرای آریتمان	Dust	دوستان
Emd	عماد	Srn	سرئی	Dltm	دولتمند
Ghazl	غزل اصفهان	Sr.Dsh	سروای دانش	Dyb	دیباچه

نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی ۱۷۷

Ghzl	غزل‌سرا	Srvs	سروستان	Dgr	دیگر
Frd	فرادید	Srsh	سروش	Zhn	ذهن آویز
Frdn	فرادیدنگار	Srvn	سروینه	Zhn	ذهن آویز
Far	فراروی	Smp	سمپاد	Rab	رابعه
Fruy	فراروی	Sam	سمر	Rmhr	رادمهر
FGst	فراسوگستر	Smn	سمن	Rst.N	راستی نو
FrdS	فردوس	Smr	سمیر	Rstn	راستین
FrdSi	فردوسی	Mhr	سوره مهر	Rvnd	راوند
F.Ghlm	فروغ قلم	Sgnd	سوگند	Kml	راه کمال
Frhg.j	فرهنگ جاوید	Sbl	سی بال هنر	Rmn	راه مانا
FrhKv	فرهنگ کاوش	Simn	سیمین	Rhi	راهی
Fhmr	فرهنگ ماهرخ	Smn	سیمین دخت	Rja	رجاآ تهران
Frhng	فرهنگ معاصر	Shdn	شادان	Ilia	رشت: فرهنگ ایلیا
HZR	فرهنگ هزاره سوم	Shln	شالان	Rft	رفعت
Frh.Gs	فرهنگ گستر	Shalz	شالیزه	Rvyt	روایت
Fuj	فوزان فاخر	Shd	شاهد	Rzbhn	روزبهان
Frz	فیروزه	Shrkh	شاهرخ	Rzgr	روزگار
Ghzi	قاضی	Shbg	شب گیر	Rzgr	روزگار
Ghdy	قدیانی	Shng	شبهانگ	Rzn	روزنه
Sagst	قزوین: سایه گستر	Shrg	شراگیم	Rzkr	روزنه کار
Ghse	قصه	Shgh	شقایی	Rsha	روشا

Ghspr	قصه پرداز	Shms	شمس	Rshn	روشان
Ghsde	قصیده	Shghs	شوقستان	Rsh	روشان
Ghsd	قصیده‌سرا	Shka	شوکا	Rshng	روشنگران
Mna	می‌نا	Ghshd	گوهرشاد	Ghtr	قطره
Naj	ناژ	Gynd	گوینده	Ghns	ققنوس
Nmk	نامک	Ghb	گهبد	Gh.dvr	قلم داور
Nhd	ناهید	Gti	گیتی	Ghlm	قلم علم
Nkhs	نخستین	Gsm	گیسوم	Adb	قم: گلستان ادب
Nzr	نذیر	Lhn	لحن نو	Ghou	قو
Nsl.And	نسل نواندیش	Lhfk	لوح فکر	Krn	کارنامه
Nsl.aft	نسل آفتاب	Lios	لیوسا	Krvn	کاروان
Asar	نشر آثار	Maz	مازیار	Kvsh	کاوش پرداز
Avm	نشر آوام	Mkn	ماکان	KtEmr	کتاب امروز
Shd	نشر شاهد	Mhrng	ماهرنگ	Kayn	کتاب آیین
Shr	نشر شور	Mhrz	ماهریز	Kpars	کتاب پارسه
Kchk	نشر کوچک	Mhrz	ماهریز	Panj	کتاب پنجره
Gstr	نشر گستر	Mhi	ماهی	Ktkhb	کتاب خوب
Nmhr	نشر مهر	Msbt	مثبت	Khrsh	کتاب خورشید
Nshr.N	نشر نو	Mjl	مجال	Ktbrz	کتاب روز
Ney	نشر نی	Mjrd	مجرد	Krsh	کتاب روشن
FrRz	نشر و پژوهش فرزان روز	Rvsh	مجله روش	Zamn	کتاب زمان
Nghmz	نغمه زندگی	Mjd	معجد	Ndr	کتاب نادر
N.Afkr	نقد افکار	Mhrb	محراب دانش	Nghm	کتاب نغمه
	نقد افکار	Mhsn	محسن	Neyst	کتاب نیستان

Smrgh	نقش سیم‌رغ	Moht	محیط	Khmr	کتاب همراه
Nghsh	نقش و نگار	Mdbr	مدبر	Ktbsr	کتاب‌سرا
Bbk	نقش آفرینان بابکان	Mrj	مرجان	Kt.nk	کتابسرای نیک
Nght	نقطه	Mrgh	مرغ آمین	Ktargh	کتابهای ارغوانی
Nkrd	نکوراد	Mrkz	مرکز	D.Bhmn	کرج: در دانش بهمن
Nagma	نگار و نیما (نگیما)	Jng	مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ	D.Bhmn	کرج: در دانش بهمن
Ngr.K	نگارستان کتاب	Mrvd	مروارید	Flh	کرج: مدیر فلاح
Ngrn	نگارینه	Ms	مس	Kshv	کشاورز
Ngrn	نگارینه	Sfa	مشهد: مهر صفا	Sfd	کلاغ سفید
Ngh	نگاه	Paj	مشهد: پاژ	Klb	کلبه
Ngh.Em	نگاه امروز	Glnsh	مشهد: گل نشر	Klzdg	کلک آزادگان
Ngsz	نگاه سبز	Frze	مشهد: شهر فیروزه	KZrn	کلک زرین
Nvsh	نوای شهرام	Mshr	مشیری	Kmgr	کمالگیر
Nmoj	نوای مجیب	M.Psh	مصطفی پاشنگ	Ksr	کوثر
Nsn	نورسان	Mzm	مضمون	Ksh	کوشش
N.Hnr	نوروز هنر	Mtb	معتبر	Kyh	کیهان
Nvn	نوبین	Myar	معیار اندیشه	Kshk	گر مساز: کوشک
Neyrz	نیریز	Moein	معین	Gftr	گفتار
Neyrz	نیریز	Mghsh	مقشع	Gftmn	گفتمان
Nka	نیکا	Mkb	مکعب	Gibt	گل بیتا
Nkpy	نیک پیام	Mgst	مگستان	GIMy	گل مریم

Nla	نیلا	Mndn	منشاءدانش	Glr	گلاره مهر
Nlf	نیلوفر	Mnch	منوچهری	Glazn	گل آذین
Nmnggh	نیم نگاه	Mnchr	منوچهری	Gazin	گل آذین
Neyn	نی‌نامه	Mhtb	مهتاب	Glbrg	گلبرگ
N.Ngr	نی‌نگار	Mhra	مهرآ	Glp	گلپونه
Vajg	واژگان	Mhrd	مهرداد	Glds	گلدیس
Vaj	واژه‌آرا	Mrfm	مهرفام	Glrz	گلرئز
Vshgh	واشقان	Mtr	می‌ترا	Glshn	گلشن‌راز
Vrjvn	ورجاوند	Ksr	میرکسری	Glmhr	گلمهر
Vst	وسعت	Mad	می‌عاد	Gndm	گندمان
Elh	هدایت الهی	Mld	می‌لاد	Gtnbrg	گوتنبرگ
Pznd	پازند	Rvnd	راوند	Hrm	هرم
Glbng	گلبانگ	Sar	سریر	Hrms	هرمس
Smra	سمیرا	Homa	هما	Afsn	هزار افسان
Avze	آوازه	Mshk	مشکوه	HzaN	هزاره سوم اندیشه
Frggh	فروغ آزادی	Mhya	محیا	Hmrz	همراز
Abyr	آبیار	Klk	کلک خیال	Prn	هنر پارینه
Ghrn	گوهرین	Synt	صیانت	Hnk	هنر کده
Tndr	تندر	Tkml	تکامل	Hnz	هنوز
Sgnd	سوگند	Bhdr	امیربهدار	Hvtz	هوای تازه
Ahng	آهنگ	Stysh	ستایش	Hrmn	هیرمند
Paj	پازنگ	Fr.Hnr	فرهنگ و هنر	Hla	هیلا
Irepub	مجتمع انتشاراتی ایران	Smk	کتاب سیامک	Yarf	یادعارف
Dryt	درایت	Bnyd	بنیاد مستضعفان	Ydv	یادواره کتاب

نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی ۱۸۱

Nsr	نسرین	Glykh	گل یخ	Ysna	یسنا
Fkr	فکرروز	N.Sd	نشر صدا	Yld.Gh	یلدا قلم
Chgn	چوگان	Hsm	حسام	Afshr	افشار
Abjd	ابجد	Omd.F	امیدفردا	Jshn	جشنواره هنر
Hzaft	هزار آفتاب	Thri	طهوری	Ashty	آشتیانی
Msr	معاصر	Shgh	شقایق	Dnsh	دانش آرا
Rft	رفعت	Drkhsh	اندیشه درخشان	Pns	پانوس
Kvn	کیوان	Srsh	سروش	Tkml	تکامل
L.Smn	لوح سیمین	Khlggh	گفتمان خلاق	Bhr	بهار علم
Armn	آرمین	Srv	سروا	Bogh	بقعه
Cnr	سینور	Hstn	هستان	Mrd	مرداد
Shl	سهیل	Jhn	جهان آرا	Kfi	کافی
Tjk	نشر تاجیک	Syst	سیاست	Tjrb	تجربه
Fnun	فنون معاصر	Msr	مسیر	Mhrn	مهرانشهر
N.Gh	نون و القلم	Dnsh	دانش	Ykt	یکتا
Abrshm	جاده ابریشم	Srv	سرواد	Nmr	نامیرا
Tuse	نشر توسعه	Shhd	شهیدی‌پور	F.Skn	فراسخن
Majm	نشر مجموعه	Brn	باران	Nad	نادی
Azrkh	آذرخش	Pns	پانویس	Mln	می‌لان
Kht	خط سوم	Rhm	رهام	Chch	چلچله
Jan	جانان	Mhmd	نشر محمد	Zhd	زهد
Ghlmr	قلمرو	Zrn.Gh	زرین قلم	Sud	سوده
Rvk	راوک	Nmj	نامجو فرد	Tlsh	تلاش
Glfm	گلفام	Shv	شیوه	Kh.R	خود رنگ
Khvrn	خاوران	Frsh	فرشید	Kh.aft	خانه آفتاب

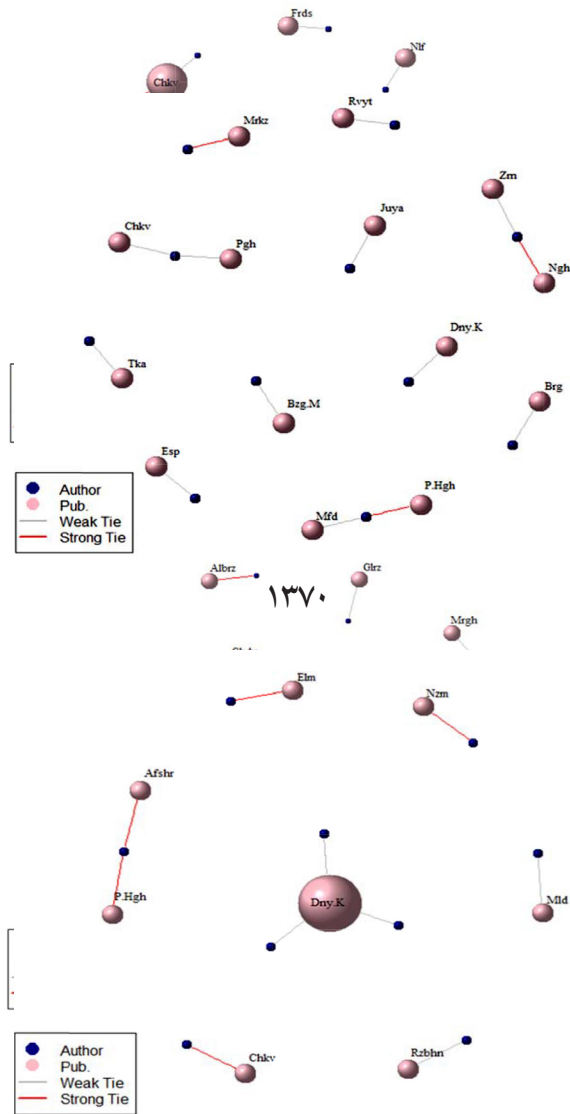
Pdid	پدیده	Azr	آذر	Eshtd	اشتاد
Ayn	مهرآیین	Ahl.Gh	اهل قلم	Ehsn	احسان
Zhra	زهرا	Asdi	یادواره اسدی	Azmn	آزمون
K.Irn	کتاب ایران	Hmn	هامان	Kshk	میانکوشک
Naghsh	نقش قلم	Ksh	کاوش	Chshm	چشم انداز
Tbn	تابان	Kvshgr	کاوشگر	And.V	اندیشه وران
Ngn	نگین	Drdny	دور دنیا	Jm.Ir	جامعه ایرانیان
Njn	ناژین	Gnj	گنجینه فرهنگ	Frd	فردا
Avij	نشر آویژه	Glykh	گل یخ	Yrn	یاران
	سیمرخ	Asmn	آسمان آبی	Spd	سپیده
Ruz	روز	Avnd	نشر فام آوند	Stysh	ستایش
Atsh	نشر آتش	Pejvk	پژواک فرهنگ	Pshr	پیشرو
Kdrn	کتاب درنا	Dej	دژ	Smru	سیمرو
Hds	حدیث	Shbnm	شینم دانش	Kvr	کویر
Mhnz	کتاب مهناز	Azry	آذریون	Did	دید
Prs	پارسی	N.Ktb	نشر کتاب	N.Avrn	نوآوران
Arst	آرست	Frid	فرید	Shbvz	شباویز
Kml	کمال علم	Paz	پاییز	Zytn	برگ زیتون
Adb	ادیب	Shl	ساحل	Sghr	ساغر
Sdgh	صدوق	Frhng.J	فرهنگ جامع	Arvin	آروین
Rhnma	رهنما	Sam	سمور	Frshtd	فرشید
Armgh	ارمغان	Arvnd	اروند	Sur	سوره
Bstn.K	بوستان کتاب	Mojgn	مژگان	Fkr.N	فکرنو
Krng	کارنگ	Rah	رها	Zmn	زمانه
Ske	سکه	Yas	یاسمن	Pne	پونه

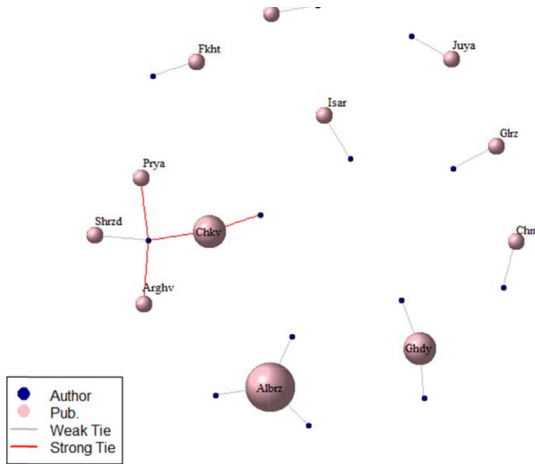
Mnsr	منصوری	Frugh	فروغی	Asrjd	عصر جدید
Dna	دانا	Nik	نیک	Pymn	پیمان
Ydgr	یادگار	Nma	نیما	N.Ansh	نقش‌اندیش
Jvn	جوان	Brg	برگ	N.Jhn	نقش جهان
Khaj	خواجه	Pury	پوریا	Fshd	فرشاد
N.Khrsh	اصفهان: نقش خورشید	Kln	کلینی	Mrf	معارف
Ahr	اهورا	N.Frhng	نشر فرهنگ	Bum	بوم
Frzn	فیروزان	Tsfñ	تیسفون	Rysh	رویش
Bdm	بیداران	Rad	راد	Rmin	رامین
Abns	آبنوس	Jvhr	جوهری	Vda	ویدا
Arf	عارف	Vstr	ویستار	Fkht	فاخته
N.Esl	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	Lak	لک لک	Alchgh	آلاچتی
Prya	نشر پریا	Nzm	نظم	Astd	اساتید
Isar	کانون فرهنگی، علمی و هنری اینارگران	P.Hgh	پیام حق	Gil	گیل
Kt.Jvn	کتاب جوانه	Eghbl	اقبال	Spnj	سپنج
Abtn	آبتین	Tsn	توسن	Jam	جام
Md	ماد	Sph	سپهر	Ehshm	احتشام
Prsa	پارسا	Aryn	آرین	Mani	نشر معانی
Nkt	نکته	Erfñ	عرفان	Frhd	فرهاد
H.z.Dst	هزارستان	Bnsh	بینش	Janzd	جائزاده
Gh.Jhn	قصه جهان‌نما	Bzg.M	بزرگ‌مهر	Jame	جامعه

Gnjn	گنجینه	Esp	اسپرک	Gh.Nv	قائم نوین
Ashkn	اشکان	Mfd	مفید	Zol	زالال
Krsh	کوروش	Beh.N	به‌نگار	Sma	سما
				Nhl	نهاد نویدان

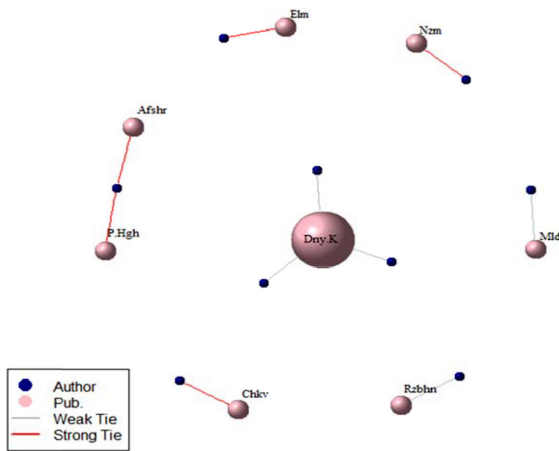
پیوست ۲: گراف‌های مرکزیت درجه‌ای (با اندازه واقعی)

الف) گراف‌های شبکه نشر رمان‌های تألیفی

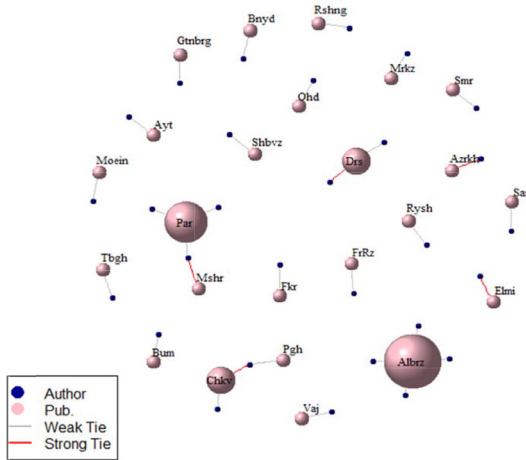




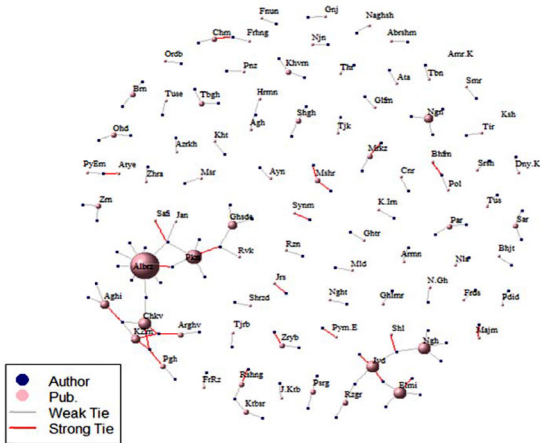
۱۳۷۴



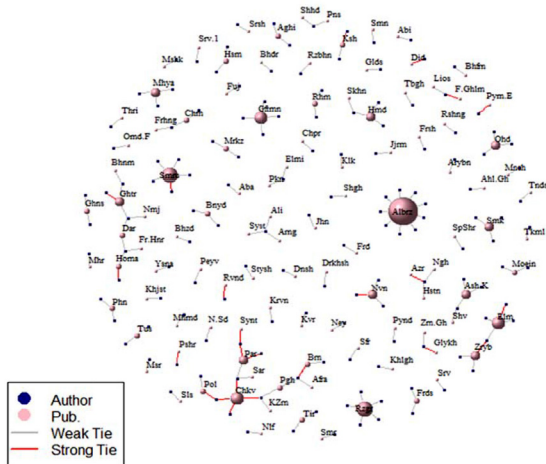
۱۳۷۵



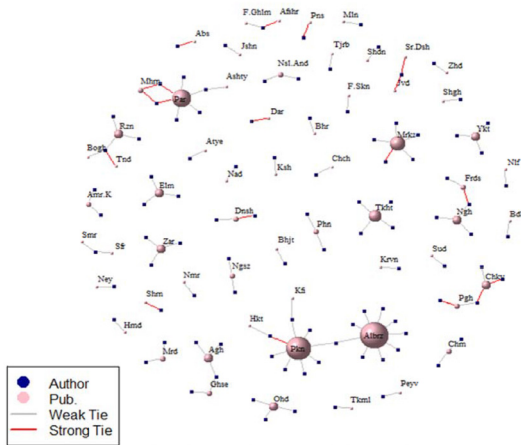
۱۳۷۶



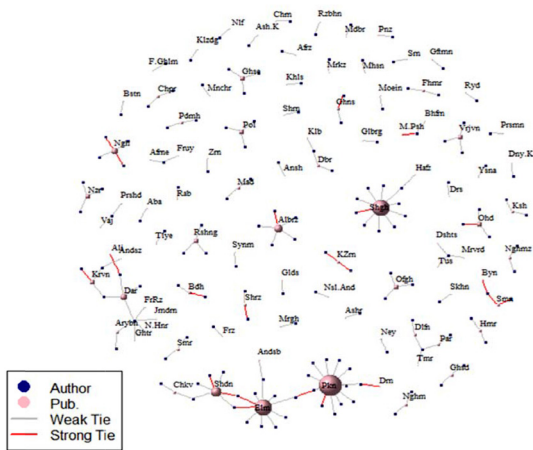
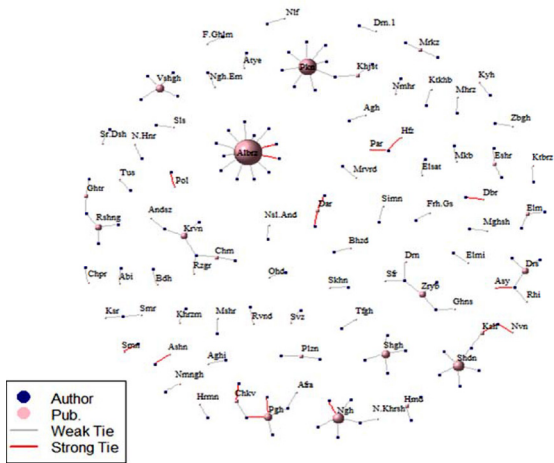
۱۳۷۷

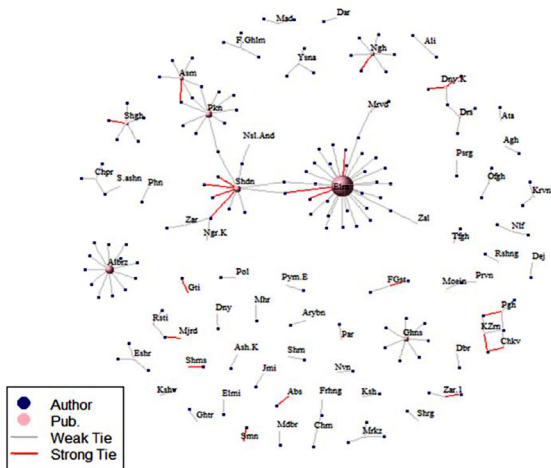


۱۳۷۸

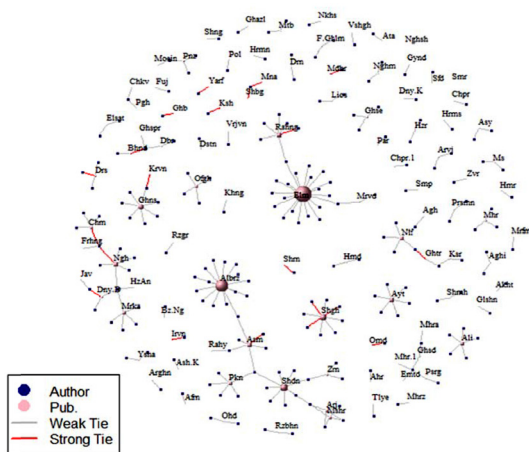


۱۳۷۹



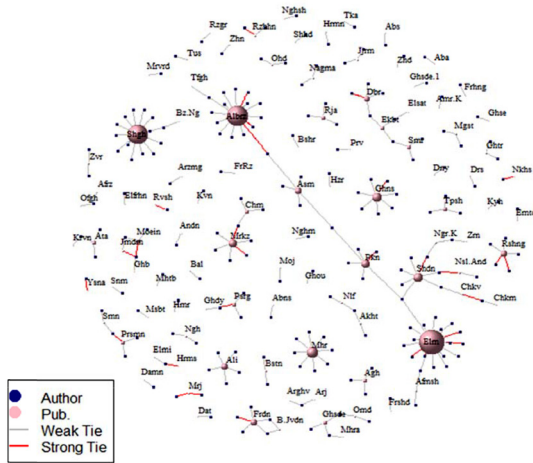


۱۳۸۲

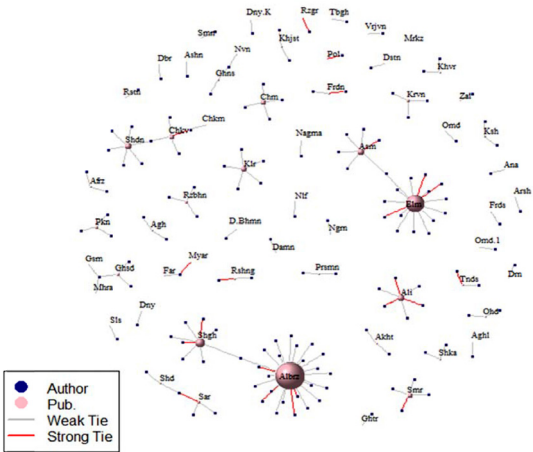


۱۳۸۳

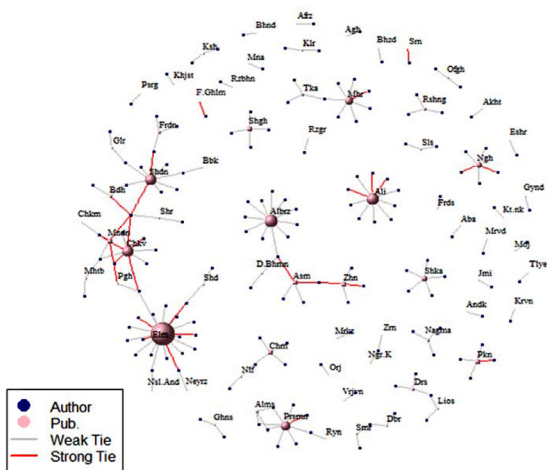
نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی ۱۹۱



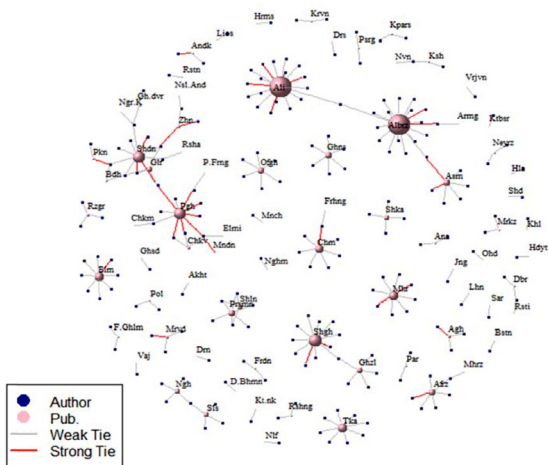
۱۳۸۴



۱۳۸۵

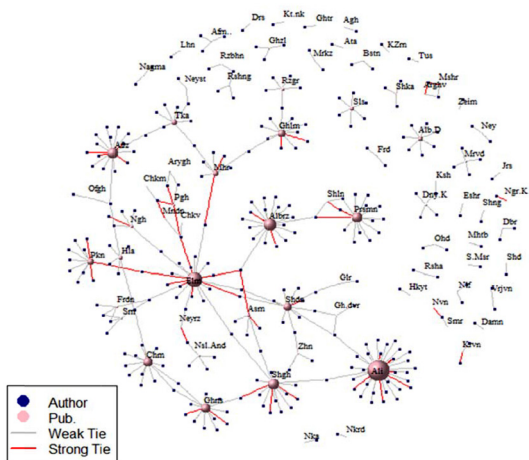


۱۳۸۶

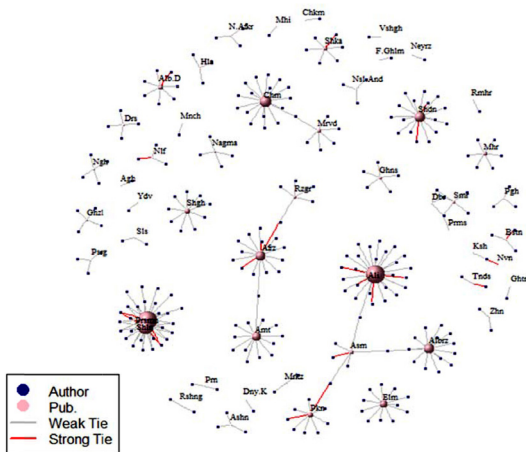


۱۳۸۷

نظام‌های چندگانه و شبکه‌های نشر ادبی ۱۹۳

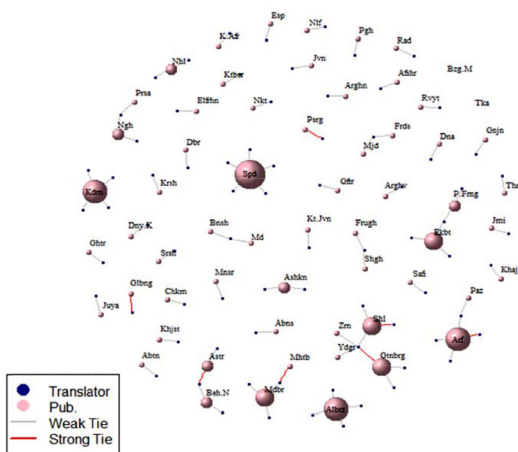


۱۳۸۸

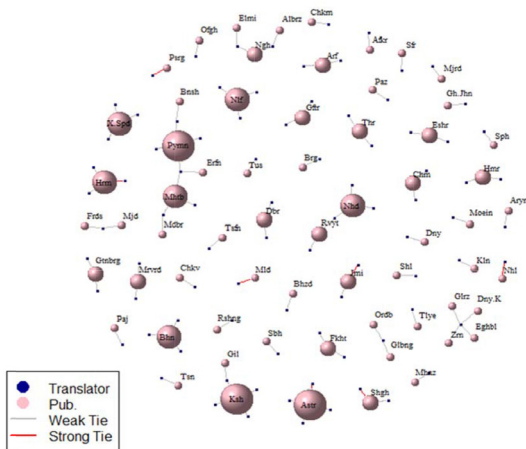


۱۳۸۹

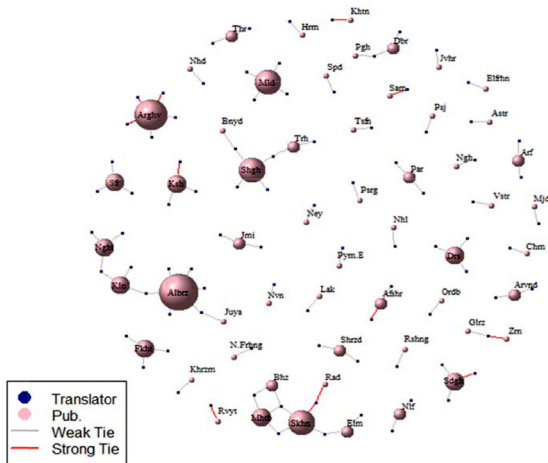
ب) گراف‌های شبکه نشر رمان‌های تألیفی



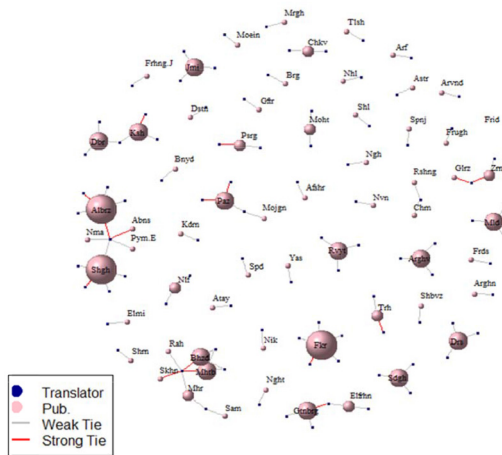
۱۳۷.



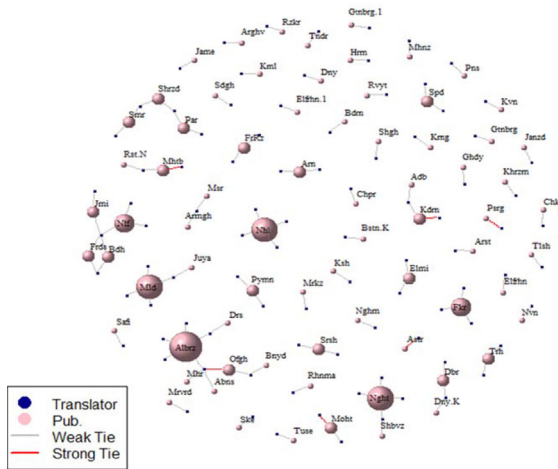
۱۳۸.



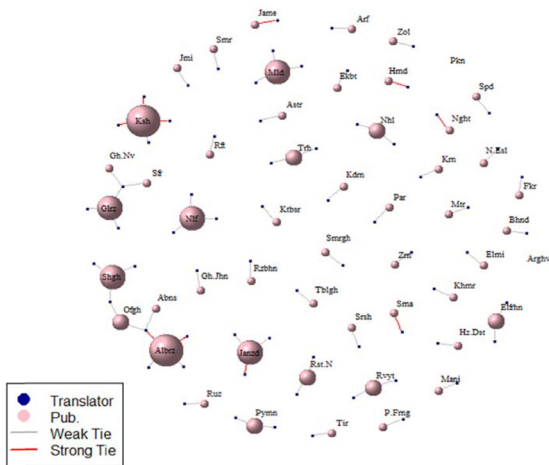
۱۳۷۲



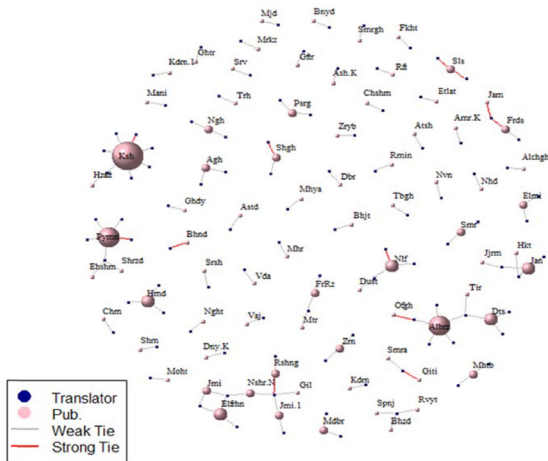
۱۳۷۳



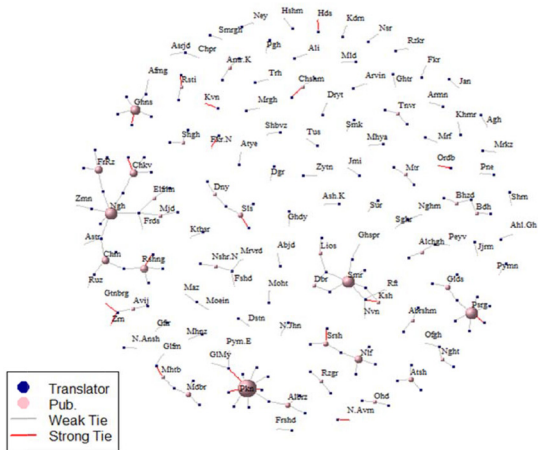
۱۳۷۴



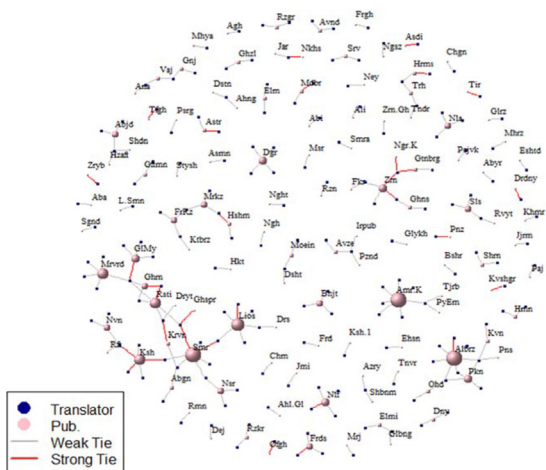
۱۳۷۵



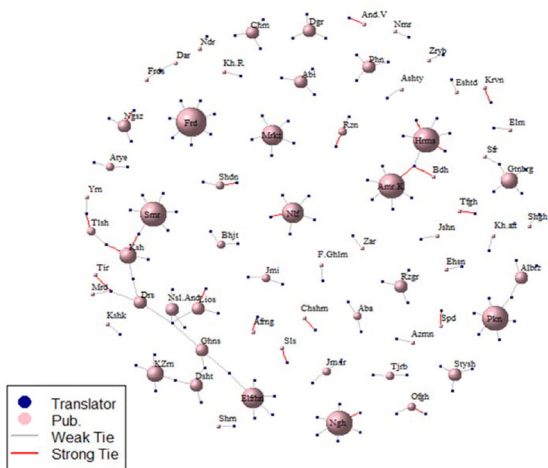
۱۳۷۶



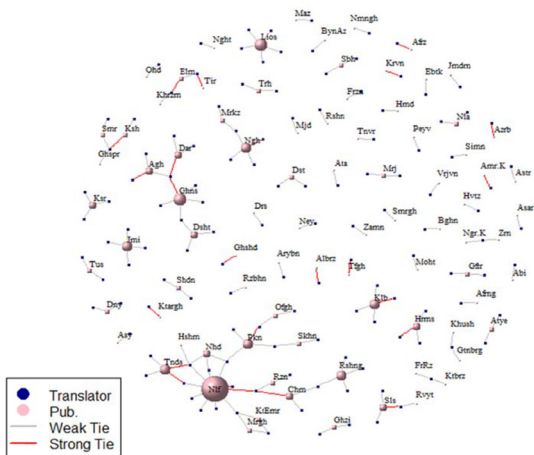
۱۳۷۷



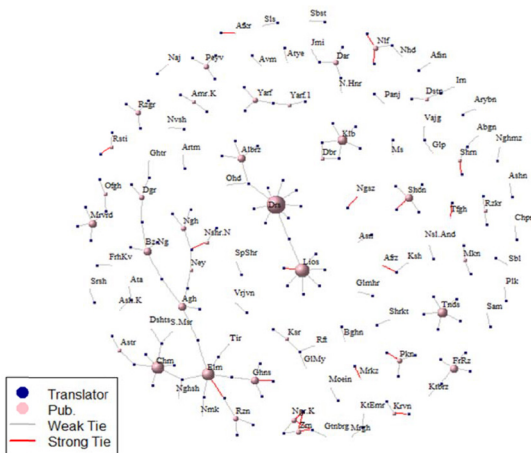
۱۳۷۸



۱۳۷۹



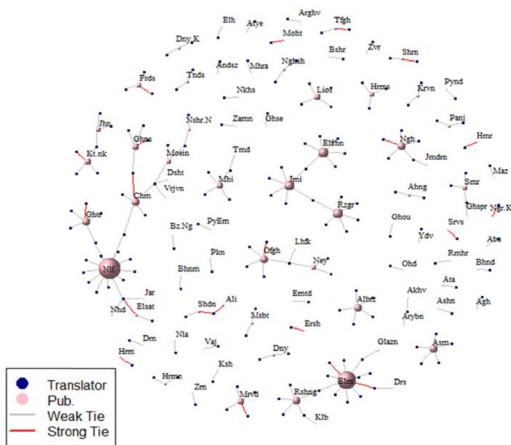
۱۳۸۰



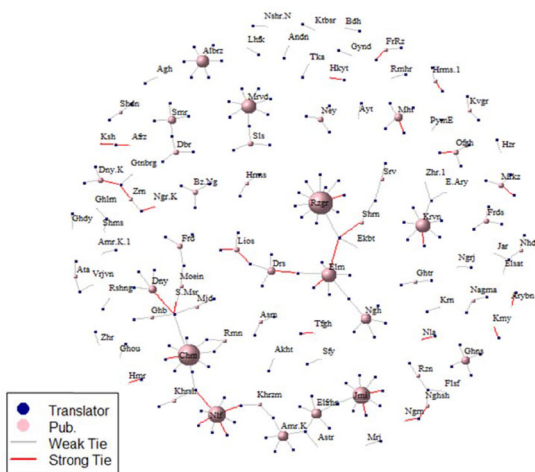
۱۳۸۱



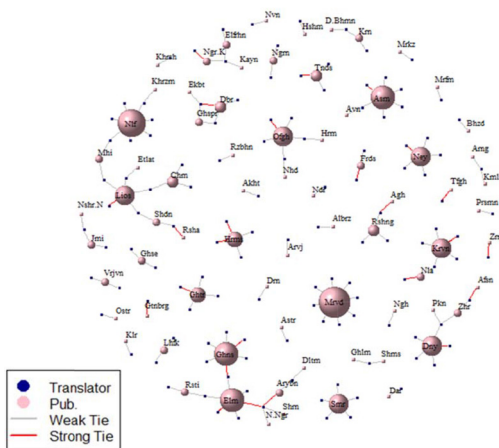
۱۳۸۲



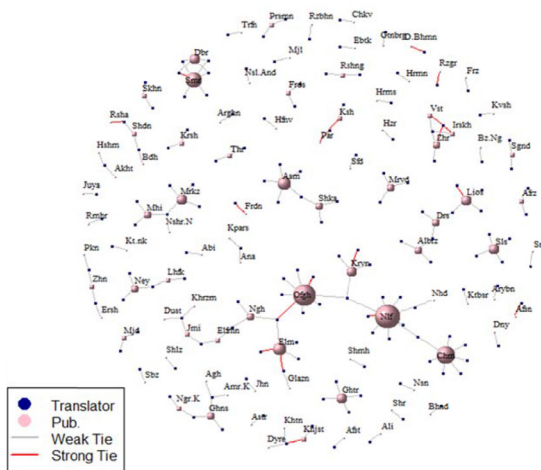
۱۳۸۳



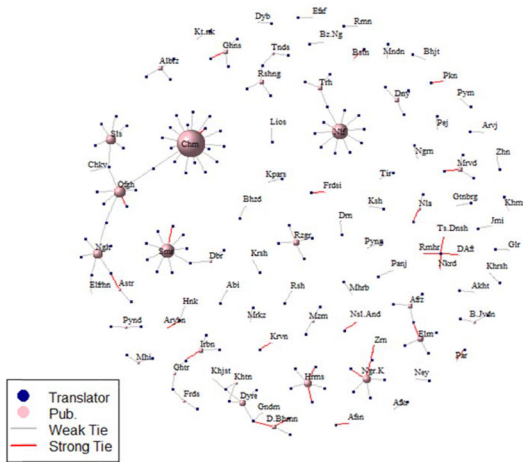
۱۳۸۴



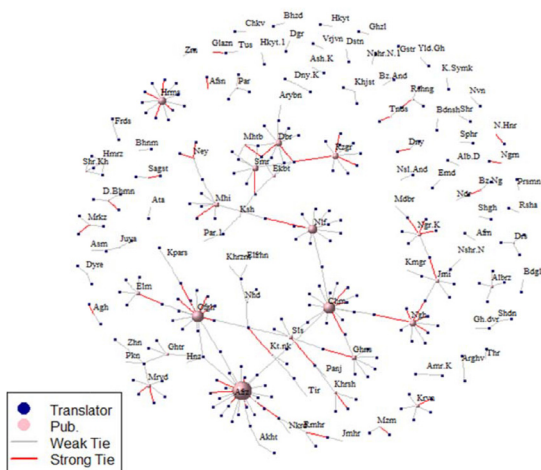
۱۳۸۵



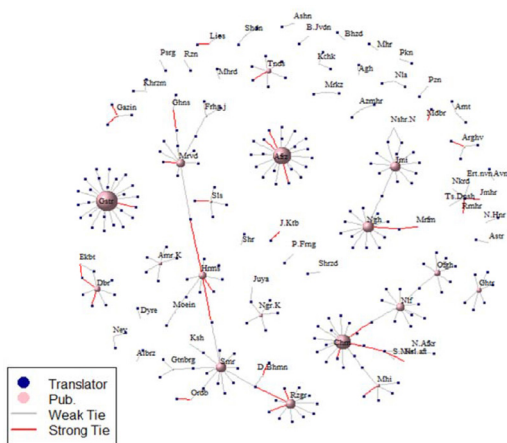
۱۳۸۶



۱۳۸۷



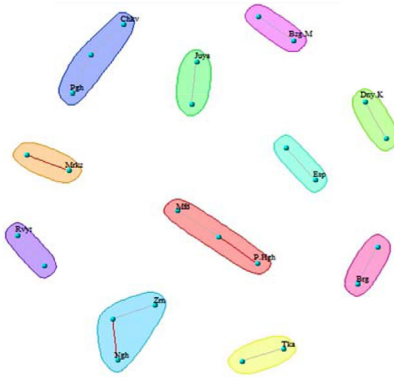
۱۳۸۸



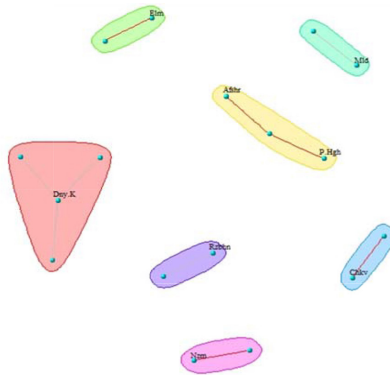
۱۳۸۹

پیوست ۳: گراف‌های خوشه بندی

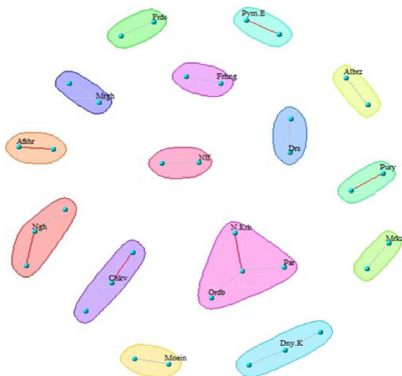
الف) گراف‌های خوشه بندی شبکه نشر رمان تألیفی



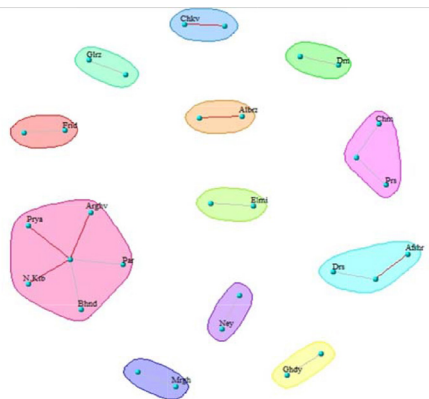
۱۳۷۰



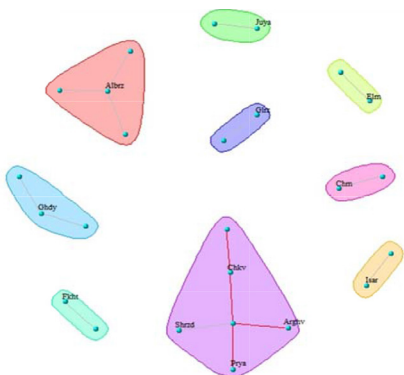
۱۳۷۱



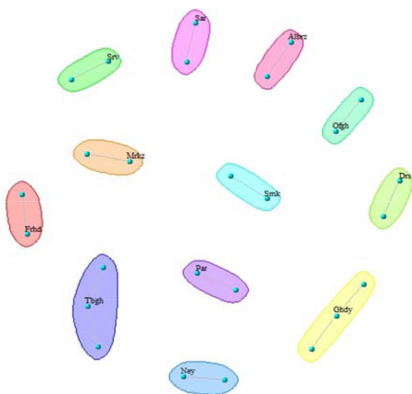
۱۳۷۲



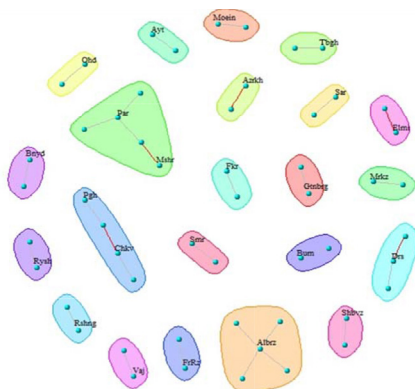
۱۳۷۳



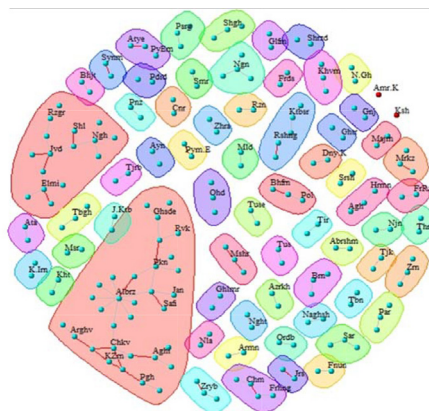
۱۳۷۴



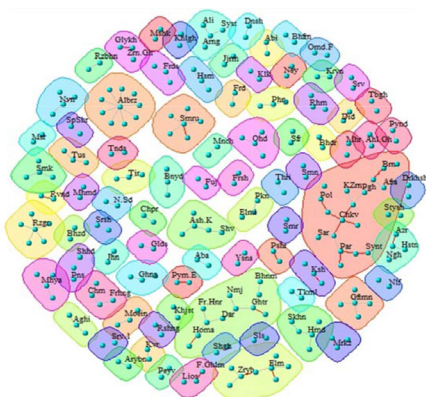
۱۳۷۵



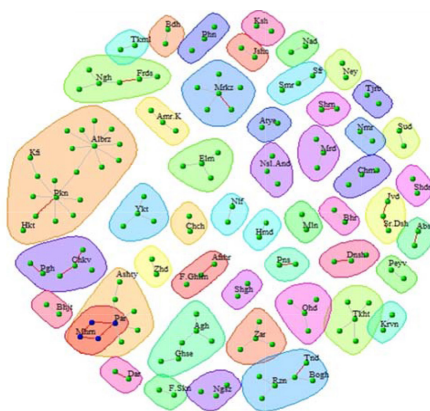
۱۳۷۶



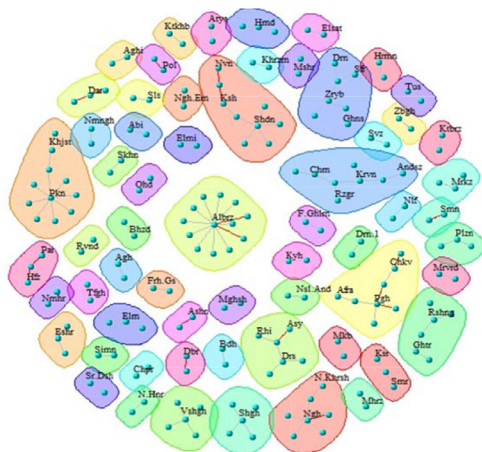
۱۳۷۷



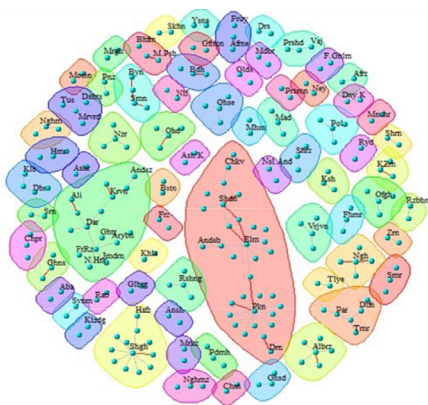
۱۳۷۸



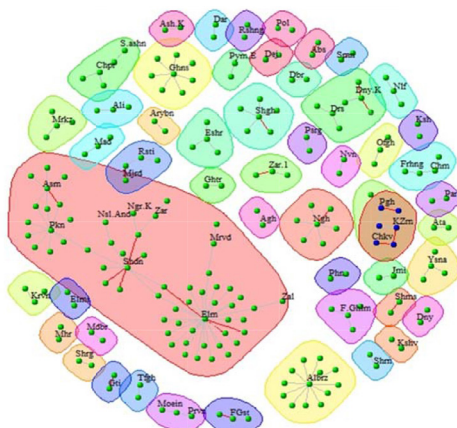
۱۳۷۹



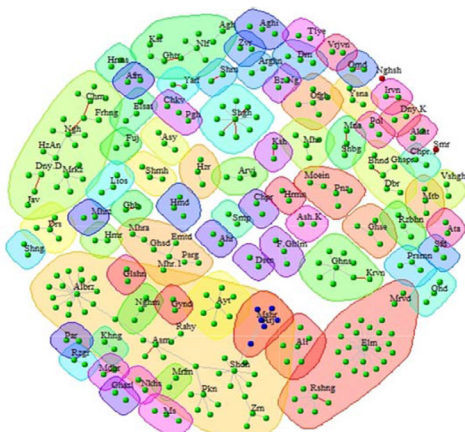
۱۳۸۰



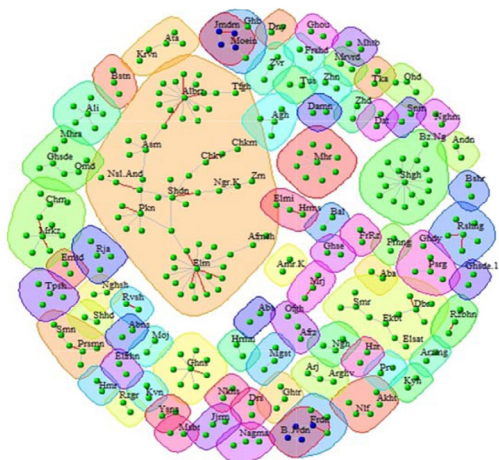
۱۳۸۱



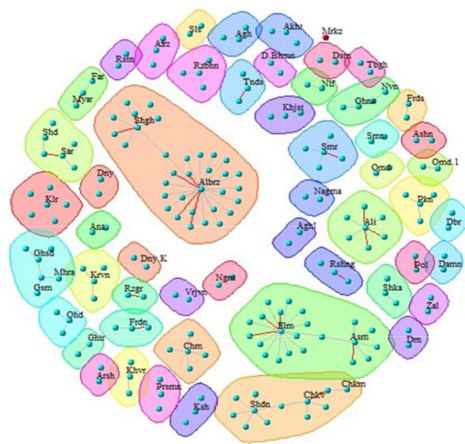
۱۳۸۲



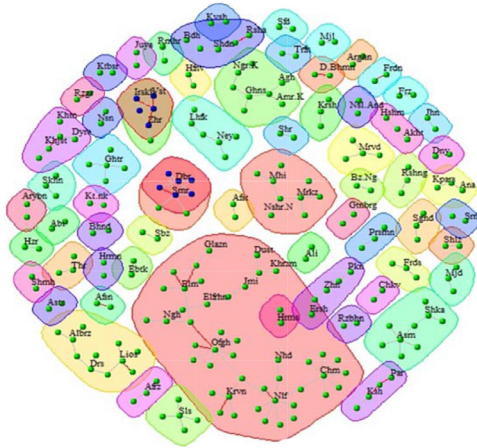
۱۳۸۳



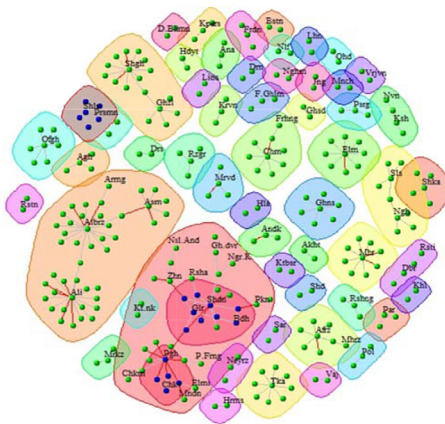
۱۳۸۴



۱۳۸۵

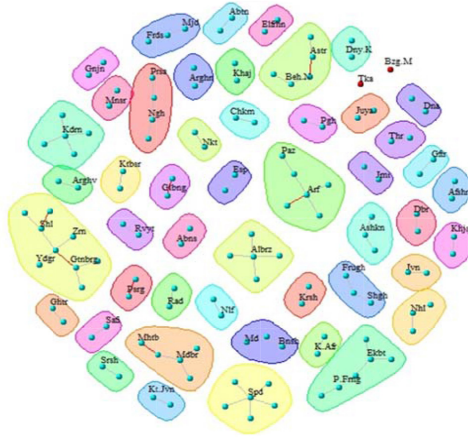


۱۳۸۶

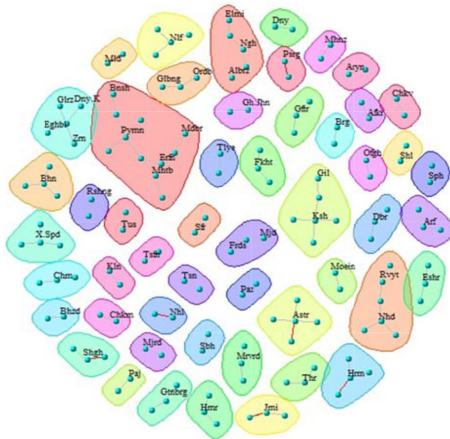


۱۳۸۷

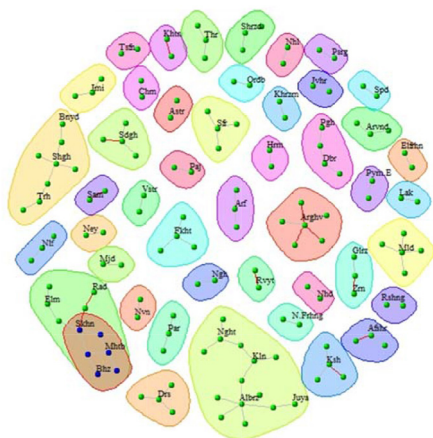
ب) گراف‌های خوشه بندی شبکه نشر رمان‌های ترجمه شده



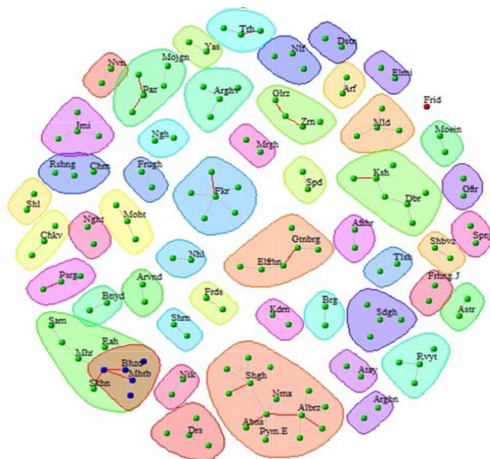
۱۳۷۰



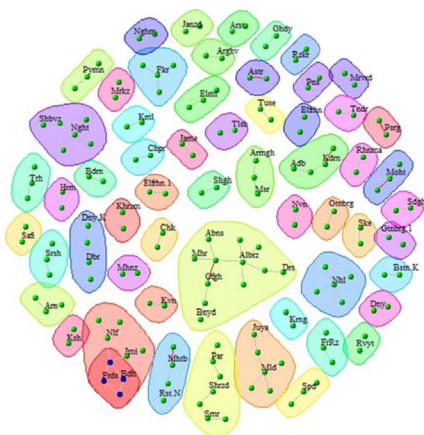
۱۳۷۱



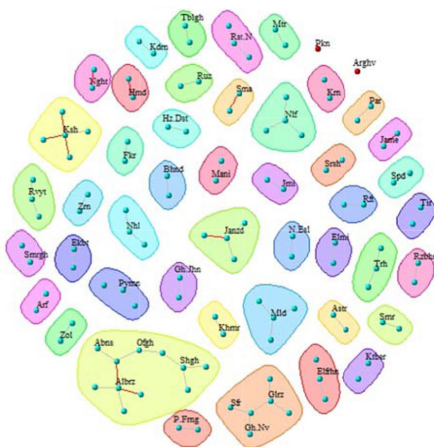
۱۳۷۲



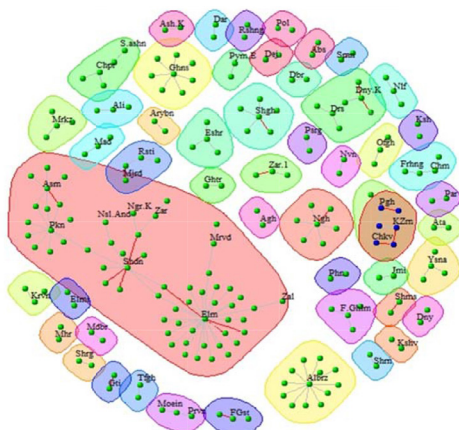
۱۳۷۳



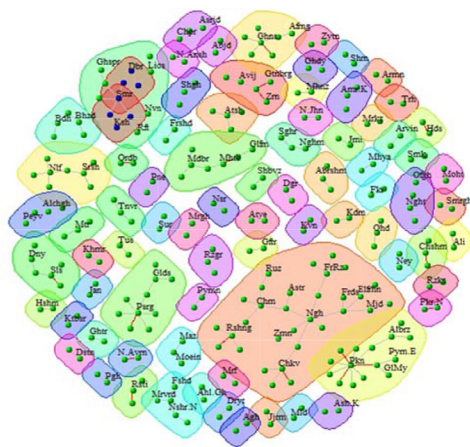
۱۳۷۴



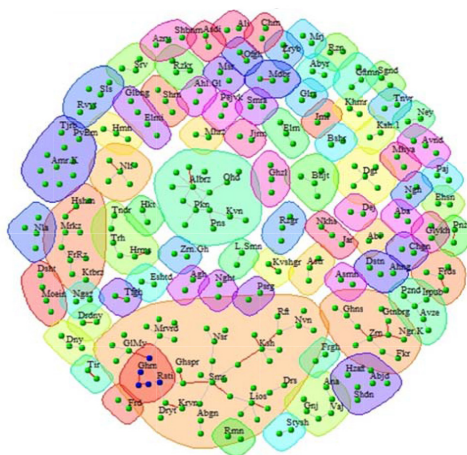
۱۳۷۵



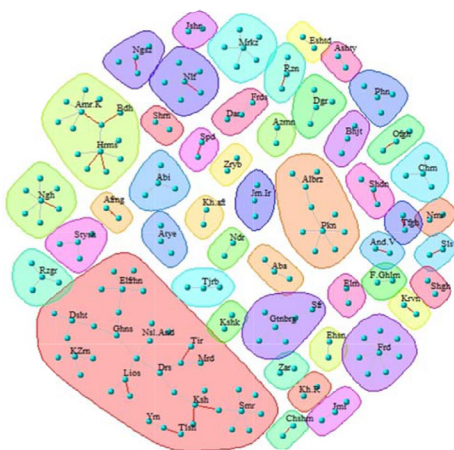
۱۳۷۶



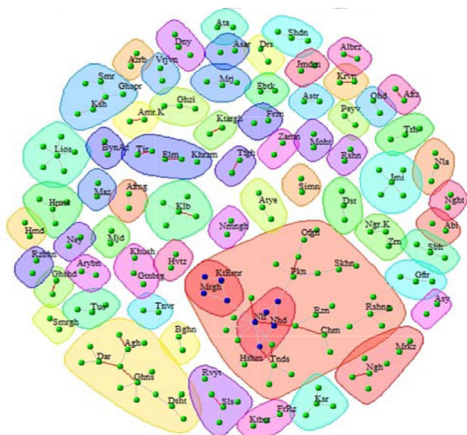
۱۳۷۷



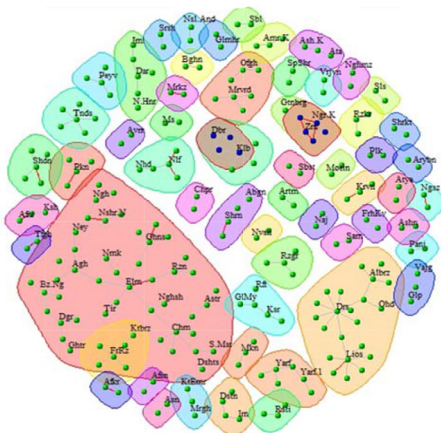
۱۳۷۸



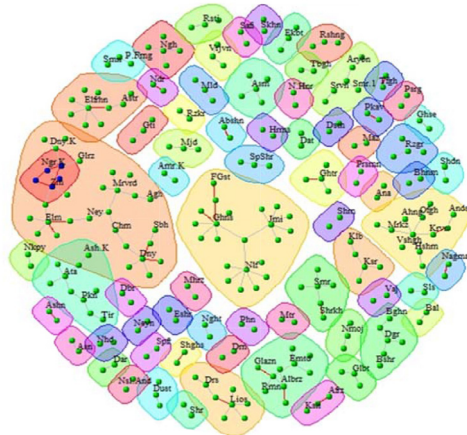
۱۳۷۹



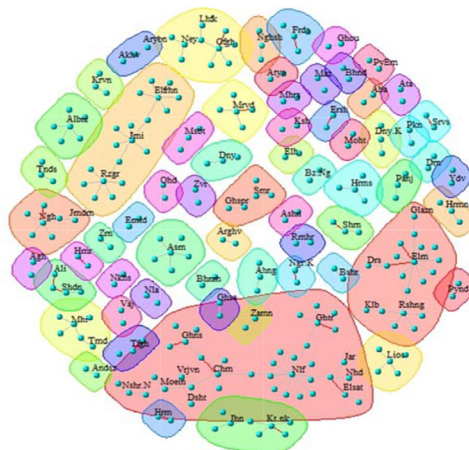
۱۳۸۰



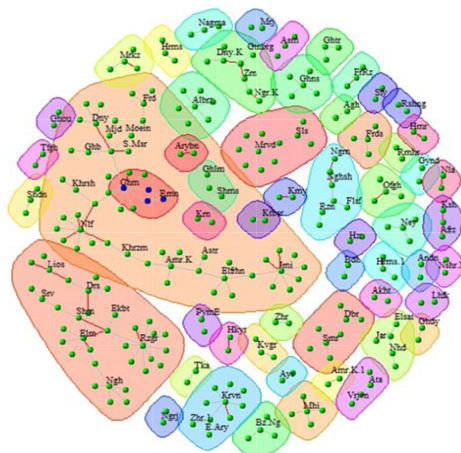
۱۳۸۱



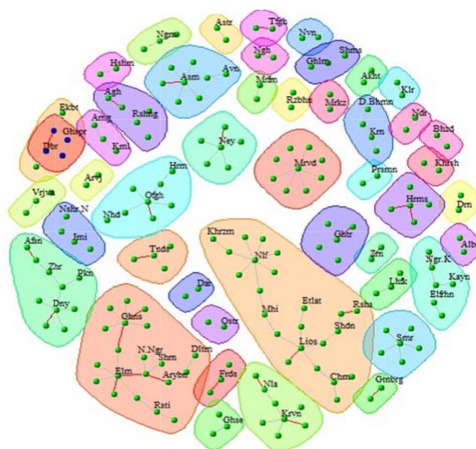
۱۳۸۲



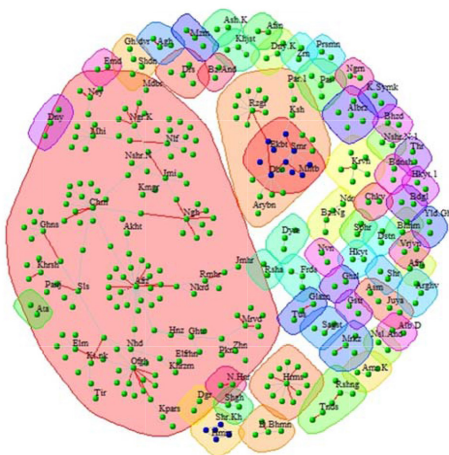
۱۳۸۳



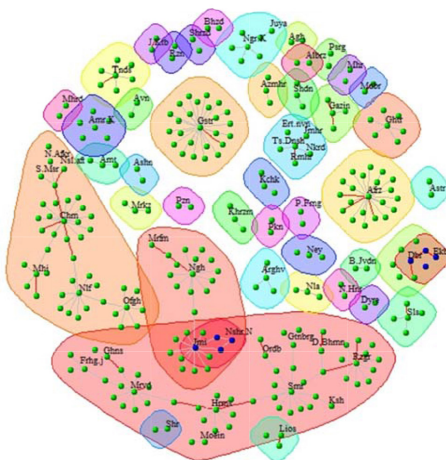
۱۳۸۴



۱۳۸۵



۱۳۸۸



۱۳۸۹

مجموعه پژوهش های کاربردی - ۱۳


وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور فرهنگی
دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی

